

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۹

۲۴ صفحه

# پیکار

## پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- حرفهای زحمتکشان از نشریات زحمتکشان
- خلق‌ها و مسئله ملی
- اخباری از مبارزات دانش‌آموزی
- وزارت فرهنگ و هنر یا...؟
- چین: سرکوب و سرمایه
- صفحه ۵
- صفحه ۶
- صفحه ۸
- صفحه ۲۱
- صفحه ۱۵

دوشنبه اول بهمن ماه ۱۳۵۸ بها ۲۵ ریال

## نگاهی به رویدادهای اخیر تبریز

حوادث و رویدادهای خونین روزهای گذشته تبریز، که در ادامه حوادث پیش از آن در قم و تبریز، سوق بیست، حکایت از جدت و کثرتش روزافزون بحران سیاسی و بیچندگی مبارزه طبقاتی در جامعه دارد. دخالت عوامل و عناصر متعدد در شکل‌گیری و تکوین این جریان‌ها، باعث شده است که رشته

منظم تحلیل رویدادهای درهم بیچیده شده و به کسوف سردرگمی تبدیل شود، با زکودن این کلافه‌ی بپیچیده، شرط اصلی شناخت موقعیت و ویژه این خطه از نواحی دیگر کشور و روشن‌سازی مناسبات اجتماعی است. بیون کمونیست است.

نقشه در صفحه ۲.



- مبارزه کارگران بیکار کرج
  - کارگران بیکار قزوین با تصرف ساختمانی، خانه خود را برپا کردند
  - جلوه‌ای از اتحاد کارگران - اراک
  - در کارخانه دوزندگی ناظمی چه می‌گذرد؟
- صفحه ۳

## « ویژه انتخابات ریاست جمهوری »

- حزب جمهوری اسلامی و کاندیدایش...
  - "قانون" و "امنیت" از نظر مدنی
  - حبیبی: بورژوا لیبرال "مهاجر"
  - در حاشیه انتخابات ریاست جمهوری
- صفحه ۹



- گزارش از روستای "فرق"
  - مبارزه دهقانان روستای جلیکان
- صفحه ۷



## لنین رهبر و آموزگار بزرگ پرولتاریا در قلب زحمتکشان جهان جاودانه است

۲۱ ژانویه (اول بهمن ماه) پنجاه و ششمین سالگرد مرگ لنین آموزگار کبیر پرولتاریاست. آموزگاری که زندگی‌اش از تاریخ مبارزات پرولتاریای جهان است.

- خلق افشای اسناد رژیم سابق را میخواهد، آقای چمران دستور نابودی آنها را میدهد
- صفحه ۲۴

- اعلامیه سازمان اخگر (افغانستان - بخش هرات)
  - درباره کودتای اخیر
- صفحه ۲۳

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



بنیاده از صفحه اول

نکاتی به رویدادهای ...

وقوع حوادث تیریز، علیرغم ویژگیهای  
محلی آن رابطه محکمی با سلسله حوادث رویدادهای  
جاری کشور در اوزان ما به میکرد. آنچه که امروزه  
در مقیاس کل ایران و در صحنه سیاسی ستاوری میدهد، در  
مقیاس کوچکتری در تیریز منعکس میگردد. و در این  
میان ویژگی شرایط و موقعیت این شهر و نیروهای  
موجود در آن، بازتاب این تحولات عمومی را با  
اهمیت بیشتری تصویر می کند. بصورتی که تیریز را  
به مرکز توجه رویدادهای کنونی تبدیل می نماید. به  
عبارت دیگر رویدادهای روزهای گذشته تیریز در  
خطوط کلی خود همچون آینه های چهره سیاسی ایران را  
در لحظات کنونی تصویر می نماید.

خصوصیات عمومی و کلی صحنه سیاسی ایران،  
در منظر آریز کی مناطقی مختلف کشور، در تکوین  
رشد و گسترش روز افزون دوحربان عمده مجزا و در عین  
احاطه کامل مرصط در کنار یکدیگر است.

بکم، نحلی ناراضی عمومی مردم را و وضعیتی  
که چه بلحاظ سیاسی وجه انتظار اقتصادی، متاثر از  
ساست ها و عملکردهای مستقیم هیئت حاکمه در طی  
۱۵ ماه حاکمیتش، برجامه عارض شده و آنها را  
مستقیماً تحت فشار قرار داده است. و اینجا و آنجا  
خیزش ها و جنبش های پراکنده و گاه چشمگیری را باعث  
شده است. شورش میدان انزلی، جنبش هندوانه،  
در تیریز، معادله زمین ها در روستاها توسط  
دهقانان، معادله آب و زمین ها و خانه های سرمایه  
داران بزرگ در شهرها توسط زحمتکشان و ... همه  
نمونه هایی از شکل گیری مادی این موج ناراضی  
و تبدیل آن بیک انفجار موضعی و لحظهای است.  
و خاتم وضع اقتصادی کشور، در هم پاشیدگی سیستم  
اقتصادی و اداری حاکم، خودکامی سیاسی رژیم  
سرکوب تمايلات دموکراتیک توده ها، مقابله جوشی  
با خواستهای ملی خلقهای مناطق مختلف و ... به  
طور روز افزونی در مدها این ناراضی را هر لحظه و  
هر روز افزایش می دهد و زمینه بیرونتش های سیاسی  
بند را در مناطقی مختلف ایران، هر چه بیشتر فراهم  
می سازد. این جریان ناراضی عمومی، که مضمونی  
عمیقاً انقلابی دارد، یکی از جریان های عمده و  
قابل تاکید صحنه سیاسی کشور است.

جریان دوم، که منظور مستقیم آن زحمتکشان اول  
متاثر است، اوچگیری روز افزون توده های درون  
هیئت حاکمه و به تدریج رسیدن این توده ها در مقطع  
مشخص فعلی است.

این توده ها، که سیستم حکومتی را بکلی آشفته  
کرده است، گرچه درجهای خوب جنبه ضد انقلاب و میسان  
نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی صورت می گیرد، اما  
در عین حال یک جریان مبارزه طبقاتی روشن و همه-  
جانبه را میان بخشهای متفاوت قدرت حاکمه سا-  
ما هیئت گوناگون طبقاتی به نمایش می گذارد.  
معدالک با توجه به حقیقت طبقاتی و ماهیت سیاسی  
نیروهای درگیر این مبارزه طبقاتی، غفلت ارتجاعی  
و ضد انقلابی داشته و هدف قبضه کردن قدرت در دست  
این یا آن نیروی سیاسی و طبقاتی را دنبال میکند. این  
درگیری و منازعات که بطور عمده میان جناح خرده -

بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی هیئت حاکمه و  
دیگر بلوکهای قدرت طلب سیاسی، صورت می گیرد.  
رابطه مستقیمی با اوچگیری مبارزات ضد امپریالیسم -  
لیستی و ضد ارتجاعی توده ها، افزایش ناراضی  
آنها از وضع گسیخته موجود و ... دارد و در امتداد درشت  
آن بیشتر در من گرفته و چهره خویش را نمایان تر  
می سازد. بطوریکه موقعیت سیاسی کل هیئت حاکمه  
و حکومت را هر دم با پایداری و ترمز متزلزل تر میگردد. و  
رویدادهای چند روز گذشته تیریز، در برترو  
مسائل و واقعات فوق قابل تحلیل و بررسی است.  
در واقع دوجریان متضاد و درشت توده ها و درگیری-  
های ما هیئت متفاوت طبقاتی در وقوع این حوادث  
نقش اساسی ایفا کرده است.

در یک سومج ناراضی توده های زحمتکش  
تیریز از فشار اقتصادی - اجتماعی - سیاسی روز -  
افزونی که هر روز بیشتر آنها را در شکنج فقر و  
محرومیت در می آورد قرار دارد. این موج نا-  
راضی در ما هیئت های گذشته، در جنبش معروف سینه  
هندوانه، جنبش گران و ... به وضوح چهره خویش را  
نمایان ساخت. در حرکت انقلابی توده های زحمتکش  
تیریز که البته در آن زمان هنوز در مده محدودی داشت،

● دار و دسته خلق مسلمان به رهبری  
شریعتمداری، به مثابه یک جریان ارتجاعی  
بورژوازی که تمايلات کامل آشکار و عیان به  
امپریالیسم آمریکا دارد و بطور آشکار و نهان توسط  
آن تقویت و پشتیبانی می گردد، تلاش می کند تا  
تمايلات و خواست های عادلانه زحمتکشان تیریز  
را وجه معامله خواست های ارتجاعی خود در  
مقابل با بخشی از هیئت حاکمه (خرده بورژوازی  
مرفه سنتی) قرار دهد.

ناشی از رشتن در میان آنها هیئت حاکمه ای بود که  
با اعمال سیاست های ضد انقلابی و ارتجاعی خود نقش  
اصلی را در درت و اوم گسترش این فشارها بازی می -  
نمود. این جنبش ها، در واقع بیانگر فروریختن  
محسوس اعتماد مردم زحمتکش تیریز نسبت به هیئت  
حاکمه و مقابله جوشی آشکار آنها با حکومت بود. این  
موج ناراضی، نه تنها فروکش ننمود، بلکه در  
امتداد افزایش این فشارها، رشد بحران اقتصادی -  
سیاسی و اجتماعی ما مع و شکست مفتضحانه سیاسی  
رژیم در مقیاس کشور بخصوص در کردستان، بتدریج  
روبه گسترش نهاد. آنچه که در تیریز می گذرد و حوادث  
اخیر آن در یک نگاه کلی، حاکی از وجود چنین موج  
ناراضی و روحیه اعتراضی نسبت به رژیم در میان  
مردم و بویژه توده های زحمتکش که به مرکز ایمن  
رویدادهای گذشته شده اند، می باشد.

گفته های این عناصر زحمتکش، از ما با ما می -  
های زندگی شان حکایت دارد. آنها از بیگاری،  
کمبود دستمزد، ناپایایی اوراق عمومی و سایر  
احتیاجات اولیه زندگی شکوه می کنند. از اجناس  
حکومت، کمیتها و ... می نالند و از خود کامگی  
و غفلت ضد دموکراتیک هیئت حاکمه سخن میگویند.  
آنها آشکارا سرمایه داران را عامل بدبختی و  
فلاکت خود می دانند و حکومت را پشتیبان آنسان

می خوانند. آنها در این میان بدرستی عامل اصلی  
بدبختی و فلاکت خود را در وجود هیئت حاکمه جستجو  
می کنند، که غواسته و نتوانسته به خواسته های  
عادلانه آنها پاسخ گوید. این موج ناراضی،  
خطراتی که ملامت انقلابی و مترقی دارد می تواند منبانی  
رشد مبارزه طبقاتی در این منطقه کشور، هماهنگ  
با دیگر مناطق، قرار گیرد و بیک جنبش انقلابی  
عمومی تبدیل گردد. اما این تنها یکجا نب مسئله  
است. واقعتاً این است که علیرغم وجود این زمینه  
عینی اعتراض و حرکت سیاسی در میان مردم زحمتکش  
تیریز، این جنبش در روزهای اخیر بیک مجزای  
کامل از تحریف و خطرناک سوق داده شده، که منجر به  
بروز حوادث چند روز گذشته تیریز گردید.

فقر آگاهی در میان مردم تیریز، نبود بیک  
سازمان انقلابی و فراگیر که بتواند مبارزه انقلابی  
مردم تیریز را در جهت منافع اساسی جنبش انقلابی  
ایران سازمان دهد، مسئله تقلید و مرجعیت و بیابا -  
غره وجود جنبش نفوذ رواج تئورستی و ناسیو -  
نالیم بورژوازی ناشی از ویژه گیهای ملی، فرهنگی  
مردم آذربایجان، سبب شد تا این ناراضی ها و  
اعتراضات کامل ملامت عادلانه، بوسیله یک نیروی بیگانه  
ارتجاعی با ماهیت بورژوازی بزماء مت آیت الله  
شریعتمداری و ... به رخا رخا کشانده و بیک  
مسیر ارتجاعی که کامل ملامت بر ااهداف و نیات  
واقعی مردم زحمتکش توده های نا آگاه تیریز است،  
ببگذرد.

دار و دسته خلق مسلمان به رهبری شریعتمداری  
بمثابه یک جریان ارتجاعی بورژوازی که تمايلات  
کامل آشکار و عیان به امپریالیسم آمریکا دارد و  
بطور آشکار و نهان توسط آن تقویت و پشتیبانی می -  
گردد، تلاش می کند تا تمايلات و خواسته های عادلانه  
زحمتکشان تیریز را وجه معامله خواسته های ارتجاعی  
خود در مقابله با بخشی از هیئت حاکمه (خرده بورژوازی  
مرفه سنتی) قرار دهد. این جریان بورژوازی، که  
بخصوص با توجه به افشاکری های چندروزه اخیر توسط  
نیروهای مختلف، نیات پلید و واقعی آنها آشکار  
شده است، بدلیل وحشت آشکار از مبارزات ضد  
امپریالیستی و انقلابی مردم ایران، تلاش میکند تا  
با برآه انداختن جریان ناراضی و ارتجاعی به  
نفع خواسته های خود گرایش را ست و ارتجاعی را  
در هیئت حاکمه هر چه بیشتر تقویت نماید و نسبت به  
قدرت سیاسی مهم بیشتری را بخود اختصاص دهد. این  
جناح که حتی از تمايلات و اقدامات رفرمیستی بخشی  
از هیئت حاکمه به رهبری آیت الله خمینی، نیز  
ناراضی است می گوید تا با ایجاد چنین حرکاتی در  
جامعه، این جناح را هر چه بیشتر به عقب نشینی  
و ادا دارد.

آیت الله شریعتمداری که دیگر چهره ناشناخته -  
ای نیست! بر چه چنین مخالفتی را بر علیه بخشی از  
هیئت حاکمه بدست گرفته است. و با توجه به نفوذی  
که در میان مردم تیریز دارد، با سوء استفاده از زمینه  
مبارزاتی و حرکات اعتراضی مردم، این شهر را به  
صحنه پیشبرد سیاست های ضد انقلابی و ارتجاعی خویش  
تبدیل نمود. و حوادث چند روز گذشته را بوجود آورد.

بنیاده از صفحه ۱۸

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



# جنبش کارگری



## اخبار کوتاه کارگری

### جلوهای از اتحاد کارگران اراک

کارخانه شمس: توطئه مفسرک سرما به دار و دادستانی انقلاب "اراک":  
بدنبال تشکیل شورای کارخانه ریستدگسی و بافندگی "شمس" کارفرما که منافع خود را در خطر دیده بود، دست به توطئه زده و با نشانی "دادستانی انقلاب" اراک تصمیم می گیرند که ۴ نفر از نمایندگان واقعی و کارگران مبارز را اخراج کنند تا بهترینها را از کارخانه دور کند و شورا را از هم بپاشند.

در همین رابطه در اواسط دیماه، با صدور نامه "دادستانی انقلاب" به کارخانه پورس برده و ۴ کارگر مبارز را به زندان کارگران اراک گرفته و به کمیته می برند.

کارگران مبارز کارخانه شمس که از این اقدام ضدکارگری شدیداً ناراحت شده بودند دست به اعتصاب و تحسین یکبارچه در کارخانه میزنند که این عمل انقلابی کارگران دادستان را وادار به عقب نشینی میکند و همان شب کارگران دستگیرنده را با گرفتن نامه ای مبنی بر اینکه "انجام تحقیقات" حقیقت رفته به کارخانه وادارند، آزاد میکنند و کارگران مبارز "شمس" نیز تحسین خود را به اعتصاب تبدیل کرده و اعتصاب را بطور رسمی ادامه میدهند.

در طول اعتصاب بدنبال مذاکرات نمایندگان کارگران با دادستانی و آمدن دادستانی به کارخانه به کارگران قول می دهند که اگر اعتصاب خود را بکنند در ۲ روز آینده تحقیق انجام گرفته و اگر نمایندگان کارگران دستگیر شده بیگناه تشخیص داده شوند، آزاد میشوند.

و کارگران سزبا با فشاری برای اینکه تا روز شنبه ۵۸/۱۰/۲۲ حتما رسیدگی شده و نمایندگان سرکار برود کردند اعتصاب را بطور موقتی پایان میدهند. در صورتیکه اگر نمایندگان سرکار برنگردند، دوباره به مبارزه خود ادامه میدهند.

### خبری امید بخش از یک اقدام انقلابی

تعدادی از شوراهای کارخانه های اراک بدنبال چندین جلسه نشست با دیگر شوراهای کارخانجات موفق میشوند نظر آنها را برای ایجاد "اتحادیه شوراهای منطقه اراک" جلب کنند.

اتحادیه مذکور با همبستگی حدود ۱۸ شورای کارخانه و شرکت های مختلف بوجود آمده و مسئولین آن کارتدوین است اما نمایندگان را از اوائل دیماه آغاز کرده اند.

با وجودیکه این اتحادیه بعقلت نفوذ فراوانی خواستها و منافعشان با خواستها و منافع کارگران ندارد (در بعضی از شوراهای آن) یک اتحادیه

### کارگران بیکار قزوین با تصرف ساختمانی خانه خود را برپا کردند

بندگان دربارہ؛ مبارزات بیکاران مسجد سلیمان، خیر رسیدگی بدنبال مبارزات کارگران بیکار کارخانه، ریزین رودبار، ۱۲۰ کارگر بیکار رازندانی کرده اند. با بخش این خبر، کارگران با شعار "کارگران آزاد باید گردند" خواستار آزادی آنها شدند. آنکه کارگری دربارہ؛ مبارزات طبقه، به خصوص مبارزات خلق کرد محبت نمود و ارتباط آنها را با مبارزات کارگران بیکار توضیح داد. کارگران با شعار "ارتجاع نایبود است، خلق کرد پیروز است" پشتیبانی و حمایت خود را از خواستهای برحق خلق ها و دربارہ آن خلق کرد اعلام نمودند. سپس یکی از دانشجویان مبارز به نام بندگان از طرف "دانشجویان و دانش آموزان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر" و "دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر" پشتیبانی آنسان را از مبارزات کارگران بیکار قزوین و آمادگی برای هرگونه همکاری با آنها اعلام کرد. کارگران با شعارهای "کارگر، دانشجو، بیوندان مبارک" و "کارگر، دانش آموز، بیوندان مبارک" به اعلام بغیه در صفحه ۴

روز شنبه ۲۵ دیماه کارگران بیکار رومسار قزوین مقابل فرمانداری این شهر اجتماع نمودند. در ابتدا با صدای بلند شعارها، اینک اجتماع کارگران مابین تبلیغات ریاست جمهوری است! از ورود آنها به فرمانداری جلوگیری کردند، اما کارگران با همبستگی و مقاومت راه را گشودند و وارد فرمانداری شدند. در ابتدا یکی از نمایندگان دربارہ کمیسیون (۱) گفت: "هدف اساسی ما ارتقای کمیسیون این بود که ما را عضو آن کند و این نمایندگان و کارگران اختلاف بیندازد و از زبان ما به شما بگوید که کار پیدا نمی شود. ولی ما از کارگران جدا نمیکنیم و با این کمیسیونهای فرمانداری افتخار کنیم... پس از صحبت های یکی دیگر از نمایندگان

(۱) - روز شنبه پنجشنبه دیماه، ستاندار ریحان در اجتماع بیکاران گفت: "در نظر گرفته ایم کمیسیونی با شرکت فرماندار، یک نماینده از شورای انقلاب دوما بینه از کارتون شوراهای شهرستانی و... تشکیل شود. تمام کارخانه ها و طرح های اجرایی با بد از این کمیسیون کارگزار استخدام کنند."

### مبارزه کارگران بیکار کرج

کارگران بیکار شهرستان کرج و حومه که قبلاً به همراه کارگران بیکار رتبه داران از خانه کارگر بسوی وزارت کار راهی می شده بودند، پس از آنکه از سوی وزارت کار رتبه داران با سخا همبستگی" میشود، می - کنیم، خواهش "را شنیدند، تصمیم گرفتند که با کمک سرپرستی متشکل خودشان در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۲ به سمت فرمانداری راهی می شوند. راهی می شوند از اداره کار با بسی کرج شروع شد. کارگران بسرای حلب حمایت زحمتکشان از مسرکار رتبه داران محله زورآباد حرکت کردند. برخی از شعارهایی که داده شد چنین بود: جنکدیم، خون دادیم، اما هنوز بیکاریم - تحسین، نظارات، حق مسلم ما است - خلق بیکار می رزمند، سرمایه داران ملرزند - اتحاد، در منطقه کارگری رتبه داران با دوج فوج بسیر تعداد جمعیت افزوده شدند و بیکاران از سوی اهالی زورآباد تشدیداً مورد حمایت قرار گرفتند. در مسیر راهی می شدند سخرانی های افکار انانای در زمینه بیکاری، مسئله کراتی و عدم پاسخ کوئی دولت به

خواستهای زحمتکشان و همجین در رابطه با مسائل مشکلات رفاهی و محلی زورآباد صورت گرفت. یکی از سخنرانان که اهل زورآباد بود می گفت: همین چند وقت پیش در اولین برف زمستانی در اترشیب زیاده دینی زنی که ماله زمین خورد و سقط جنین کرد. زحمتکشان میدانند نباید شروع برف و یخبندان دست و پا نکنند. ما هم آغاز می شود. در دما یکی دوتا نیست. از یک سو بیکاریم و از سوی دیگر آب لوله کشی نداریم. مفاصل و ششیم نرفتند! ریم و... این در حالست که در پشت محله زورآباد قریب ده موقت های آمریکا در کجا های عظیمی زندگی میکنند. هنگامیکه جمعیت به فرمانداری رسید با صدای در فرمانداری را بستند. کارگران ۵ دقیقه برای باز کردن درب به با صدایان فرصت دادند. پس از طی ۵ دقیقه کارگران به بیرونی متحد و قدرتمندان در فرمانداری را گشودند. در حالیکه شعار: "اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد" و "اتحاد، اتحاد علیه سرمایه دار" را می دادند. کارگران ایران بزرگ که در فرمانداری محسین بودند با کارگران بیکار اعلام همبستگی نمودند و بغیه در صفحه ۱۵

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



### در کارخانه دوزندگی ناظمی چه می‌گذرد؟

کارفرمای زالوصفت کارخانه ناظمی ماهاست که با توطئه، هرروزه بهانه‌ای دست به اخراج کارگران می‌زند. از جمله وی در تاریخ ۴ / ۱۰ / ۵۸ تعدادی از کارگران زالاخراج کرده و با بی‌شرمی تمام غلت آنرا بنظر بسپارن میکند: "بعلت اشغال سفارت آمریکا و گروگان گرفتن مزدوران آمریکا سفارت آمریکا تصمیم به تحریم اقتصادی گرفته و مواد اولیه بهمانی رسدینا براین ما مجبوریم شما را اخراج کنیم، این تقصیر ما نیست، بلکه تقصیر مردم ایران و کسانی است که سفارت آمریکا را اشغال کرده اند".

بدنبال این مسئله کارگران کارخانه برای رسیدگی به خواسته‌های برخشان که بعضی از آنها عبارتست از:

- ۱ - تا مین کار برای بیکاران و بازگشت ۸ تن از کارگران اخراجی.
- ۲ - اخراج کسانی که از طرف شورای کارگران ناخالص تشخیص داده میشوند.
- ۳ - استخادم رسمی کلیه کارگران در کارخانه.
- ۴ - پرداخت سود ویژه به کارگران زیر نظر شورای کارگران.
- ۵ - اخراج ناظمی کارفرمای کارخانه.

همگی دست از کار کشیده و در کارخانه تحصن میکنند. کارگران در برخورد با مسئولان چندکمیته و نمایندگان وزارت کار متوجه میشوند که اینها با وجودیکه بظا هر دم زحمت کارگران و زحماتشان میزنند، عملاً از سرما به داران زالوصفت حمایت میکنند. دربرخلافه گزارش می‌آید که کارگران این کارخانه را از اطلاعیه شماره ۶۰ آنها تحت عنوان "دوستان و دشمنان خود را بشناسیم" نقل میکنند:

خواهران و برادران کارگر هم‌میمنان مبارز:

بدنبال تحنن و یک هفته درگیری بخا طرحلو - گیری از اخراج و بیکاری با اتحاد خود و دیگر برادران، نشان از کارخانجات دیگر توانستیم کارفرما و کمیته‌ها را وادار به امضاء خواهی‌ها ما بنکنیم. مسئله بظا هر حال شده بنظر می‌رسد ولی دریا فیتیم با وجود آنکه از امضاء توافقنا مه حدود یک هفته میگذرد کارفرما بجای آمدن بکارخانه کمیته‌رفته و سه هزاران حیلته متوسل میشود و هیچ ضمانتی بسرای اجرای تعهد کارفرما وجود ندارد. پس از مراجعه به وزارت کار با بقولنی وزارت کار فرما (بدلیسل اینکده در هیچ موردی تا بحال حق را بما کارگران نداده است)، دوباره به کمیته‌ها یعنی همان مزاجی که مردم مبارز، بخصوص ما کارگران آنها را بقصدت رسانده ایم رفتیم و دیدیم که اینها بهمان‌آسان نسبت کارفرما را میگیرند و حتی با توهین و تحقیر ما نوع کمک‌کنانی میشوند که ما دفا نه در صد کمک‌کما هستند. نمونه‌ای از برخورد آنها را میتوان هنگامی دانست

بقیه در صفحه ۸

ایران - امفهان  
موضوع: پشتیبانی  
بدین وسیله به اطلاع کلیه شما همکاران گرامی می‌رساند که شنیده ایم عده‌ای افراد ارتجاعی به استناداری وادار کار و غیره تلفن زده اند و از جانب کارگران کارخانه علام کرده اند که در صورت برگشت مجدد شما به کارخانه ما دست از کارها هم کشید که اطلاع دروغ محض می‌باشد. بدین وسیله ما پشتیبانی خودمان را از شما اعلام می‌داریم و ضمناً از ما خواهش شده که برای شما ما می‌توانیم حقوق به حساب بداریم استناداری سپردا زندگه ما موافقت نکرده و میخواهیم که دولت هر چه سیرمتر نسبت به برگشت شما بکار رود بیکار همکاران بیکار رهسار کار قدا مینماید. و متاسفانه با بودن جوارتجای موجود در کارخانه که متاسفانه کارخانه را قبضه نموده اند و با تعدادی درخارج از کارخانه نیز دست‌س می‌باشند ما می‌خوردا اعلام نمی‌کنیم.

پیروزی با تحنن شما و دیگر برادران کارگر در سراسر کشور  
ما بودیم اما میریایا لیسیم جنایتکار آمریکا  
ما بودیم اما ارتجاع داخلی

دانشجویان و دانشآموزان آنها را همراهی می‌کردند، و در خانه خود شدند. اولین کار آنها این بود که بلاکاردی را که روی آن با رنگ سرخ نوشته شده بود "خانه کارگر" بر سر درسا ختمان نصب کردند. آنجا یکی از نمایندگان پشت بلندگورفت و گفت: "ما مدت‌هاست که برای خواسته‌های خود می‌آرزو می‌کنیم، در این مدت به این نتیجه رسیدیم که مسئولین هیچ کاری برای ما انجام نمی‌دهند، ما تنها وقتی به خواسته‌هایمان می‌رسیم که متحدانه و متشکل مبارزه کنیم..." پس از صحبت‌های چند کارگر دیگر در همین زمینه آنجا یکی از نمایندگان درباره سندی که صحبت کرد و قرا رده که سندی که کارگران در سنگر خود (خانه کارگر) درست شده و کارگران متحدانه مبارزات برحق خود را علیه میریایا لیسیم و سرمایه‌داران خونخوار ادامه دهند.

پس از صحبت یکی دیگر از نمایندگان در ساراه سندی که تشکیلات و چگونگی فعالیت آن کارگران با شما را اتحاد، مبارزه، پیروزی، سالن را بلرز و درآوردند.

بقیه از صفحه ۲۲  
گرمی باد خاطر...  
رفقا، از مدارک تکلیبه نموده و هما نروز کلیه اسناد و مدارک با یک‌ه‌ا بجای دیگری منتقل نمود. احتمال بسیاری رود که رفیق در همین جریان توسط ساواکی‌ها شناسائی شده باشد. رفیق شهید مهدی فتاحی در ۲۹ دیماه طی یک دزگیری مسلحانه بسا مزدوران ساواک در حوالی خیابان نا صرخریو بنه چنگ آنتان افتاد و در زیر شکنجه آدمکشان نشاء به شهادت رسید و به ستارگان سرخ آسمان انقلاب دموا - کرا تینگ، داد میریایا لیسیتی میهنان بی‌بوسست خون پاکش بر سر شاخه‌های انقلاب بخاک ریخت، راهی که هزاران شهید از بهترین و فداکارترین فرزندان خلق، چه قبل و چه بعد از او پی‌آمده و پی‌موندند. یادش گرمی و آرامشش پیروز باد!

ما کارگری نبوده‌ولی بی‌تردید جنبش کارگری ما در پیروی آینده خود است و بنکونه عنامرزا از صوف خود بیرون خواهد راند.  
ما این موفقیت را به طبقه کارگران ایران و بخصوص به کارگران مبارزان اراک تبریک می‌کنیم.  
نقل آزاد از مقاله شورا‌های دولتی... نوشته وزه اراک سازمان بیکار...

### پشتیبانی کارگران پلی آکریل از رفتن اخراجی خود

کارگران کارخانه شرکت پلی آکریل ایران در بند با اخراج عده‌ای از همکاران خود و نا بهمانی که راس رابطه از طرف عنامرزدگار بگریز بود است اطلاعیه‌ای در تاریخ ۱۷ / ۱۰ / ۵۸ انتشار داده - ند که در زیر آنرا می‌خوانید:  
همکاران سابق خود متحنن در ادا ره کار را صفهان ز سوی کارگران و کارکنان شرکت پلی آکریل

بقیه از صفحه ۳  
کارگران بیکار قزویس...  
همبستگی آنها با سخ دادند.

از آنجا که کارگران تصمیم گرفته بودند محل سابق کتابخانه مرکزی قزویس را بعنوان "خانه کارگر" تصرف کنند، حدود ساعت ۱۱ مقابل در ورودی برمانداری اجتماع کرده (جمعیت حدود ۱۵۰ نفر شدند) و آنجا با طوفان منظم بطرف محل قبلی کتابخانه مرکزی قزویس حرکت نمودند. بسر روی بعضی از بیلگا رده‌های که کارگران با خود حمل می‌کردند، نوشته شده بود: "ما خواستار رمانا دره سرمایه‌بنا‌ی و ایستبه‌ها میریایا لیسیم هستیم"، "کارگرو زحمتکش شمن امیریا لیسیم"، "سرمایه‌دار مزدور، نوکسر میریایا لیسیم"، "مرک بریا میریایا لیسیم آمریکا، دشمن ملی خلقهای ایران"، "داشتمسکن، حق مسلم حمتکشان است...".

در بسین راه کارگران مبارز شامی دادند: "صانع وابسته ملی ما بیدگردد، کار برای بیکار بجای دبا بیدگردد"، "عوامل وابسته افشا بیدگردد، ق بیسه، بیکاری پرداخت با بیدگردد"، "زحمتکشان زهر صفت، اتحاد، اتحاد - زحمتکشان از هرسو نهایت، حمایت". همبستگی و تشکل و نظم کارگران بسا مؤثر و چشم‌گیر بود. مردم قزویس در کنار رخصا بان عوف کارگران را همراهی میکردند. کارگران پس از گذشتن از رخصا بانهای غیا مو طالفا نی با شمار "خانه کارگر، سنگرزحمتکشان بجای دبا بیدگردد" وارد رخصا بان نا هیوزتیم شدند. آنها با نزدیک شدن بنه ما ختمانی که قصد داشتند آنرا تصرف کرده و خانه خود در آن برپا کنند که ما بیان استوار و تر و مصمم تر میشد. کارگران در برابر ما ختمان مذکور اجتماع کرده و بسا آنجا یکی از نمایندگان تا ریخچه مختصری از مبارزات کارگران بیکار را بیان کرد، چند نفر کارگر در سا ختمان را با سختی باز نمودند و کارگران با نظم و ترتیب غای خود و در حالیکه مردم

## ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران







# خلق ها و مسئله ملی



## احمد مفتی زاده همچنان توطئه میکند

طبق اخبار موشق احمد مفتی زاده این راننده شده از سنج . این مزدور فراری در کرمانشاه مشغول توطئه علیه خلق کرد است . یکم تا مسرده در کرمانشاه عوامل او با شورتیج را تعلیم می دهند تا در کردستان توطئه های او را اجرا کنند و به مقاصد پلیدشان برسند . سندی برکه از طرف او رد شده این ها شن بخلق کرد نشانها را فته گویای توطئه ها می است که او در صدا اجرای آنها است .

بسم الله الرحمن الرحيم  
" ربنا فرغ علينا وبت اقدانا وانا نصرنا علی القوم الکا فربین "

خدا یا بر ما استقامت و بردباری را عطا بفرما و قدم های ما را در این راه تثبیت گردان و ما را بر کا فران و دشمنان اسلام یاری بفرما " امین "

بدریسش

ملت مسلمان و مبارز کرد  
بمنظور برقراری نظم و امنیت کردستان و دفع کفار رومنا فقیهین از منطقه در راه " الله " از برادران عزیز ، چه در روستا و چه در شهر که خواستار برقراری جمهوری عدل اسلامی هستند تقاضای شکر و دعا می کنیم . ما به پیوندند و برای کسب اطلاعات بیشتر و مذا کیره بیوستن به این گروه که پیشمرگان اسلامی میباشد می تواننند همه روزه از ساعت ۹ الی ۵ عصر با در دست داشتن ۲ برگ فتوکپی شناسنامه و ۳ قطعه عکس ۴ × ۶ به نشانی : کرمانشاه - بلوار اطراف بستان - خانه فرهنگیان سابق - دفتر مرکزی پیشمرگان مسلمان کردستان مراجعه فرمائید .

با آرزوی موفقیت برادران عزیز مسلمان در راه او اهداف اسلام  
دفتر مرکزی پیشمرگان اسلامی کردستان  
مرکز کرمانشاه

## دستگیری معلمین توسط پاسداران قروه

پاسداران قروه یکی از آموزگاران منطقه شلاق از دهگلان کردستان را که برای کار اداری به قروه می رود ، دستگیری کردند . مردم دهگلان و حومه و فرهنگیان منطقه جهت آزادی این آموزگار در مسجد جامع دهگلان دست به تظاهرات زدند . اما پاسداران بجای آزادی این آموزگار دوش دیگر از فرهنگیان جدیدالاستخدام را که برای گرفتن ابلاغ به قروه رفته بودند دستگیری نمودند . تخریب مردم دهگلان تا این تاریخ ( ۵۸/۱۰/۲۵ ) با طرز آزادی زندانیان همچنان ادامه دارد .

سازمانهای آموزش و پرورش و پرنا مه ریزی در مورد آن در ماه ۱۰ می با شبکه با مطرح نمودن اینکه " ناحیه خودگردان سازمان ده شبکه آموزشی بقیه در صفحه ۲۰

## مبارزه در سنج همچنان ادامه دارد ...

روز جمعه ۵۸/۱۰/۱۴ طبق قرار قبلی مردم سنج از سرکزاری نماز جمعه در مسجد جامع متحین شدند و تحصن شکل وسیعتری بخود گرفت . اینبار تحصن در دو نقطه شهر یعنی مسجد جامع و استانداری ادامه داشت .

دنبال تحصن مردم در مسجد جامع اوباشان طرد و ارجعتی زاده تعدادی از جوانان فریب خورده را با قوویونجه یکس و اسلحه گری روانه مسجد کردند . آنها هنگام ورود به مسجد تعدادی اعلامیه را در محن مسجد پخش کردند و با دادن شعار رسمی در اسباب درگیری و آشوب داشتند . در یکی از اعلامیه ها که به امای فواد روحانی (خواهرزاده احمد مفتی - زاده) و حسن امینی بودند نوشته شده بود : از زمانیکه ما (منظور اوردسته مفتی زاده) از شهرت سنج خارج شده ایم مسئولیت هیچ نوع درگیری را بعهده نمی گیریم . تاریخ صدور این اعلامیه ۵۸/۱۰/۲ بود در حالیکه این اعلامیه در روز ۵۸/۱۰/۱۴ همزمان با تحصن مردم در مسجد جامع پخش شد . هدف آنها این

بود که در روز چهاردهم در مسجد درگیری بوجود آورند و بعداً اعلام کنند که ما قلاً اعلامیه ای در ۵۸/۱۰/۲ پخش کرده ایم و در این درگیری ها ما دخالت نداشتیم . اما مردم خیلی آکا هتر از آن بودند که فریب توطئه های این اوباشان را بخورند . از این رو از هر نوع درگیری برهیز نشود و با صبر انقلابی آنها را از مسجد بیرون انداختند . (روزنامه انقلاب اسلامی آقایی سنی مدرنیزه گشتیبان کمانی چون مفتی زاده است این نامه را بجا برسانده بود ! )

تحصن در مسجد جامع و استانداری هر روز ادامه میسر می بخود میگردد . هر روز پیوند عمیق زحماتکنان شهر و روستا بیشتر نمایان میشود . روستا شیان از دورترین نقاط کردستان با کوله باری از آذوقه روانه شهر میشوند و در راه های گرم و آتشین خود را نشانر متحصنین می کنند . کارگری می گفت : " زخم مقداری نان پخته ما از بخت بد روستای ما جا به درستی نداشتند تا بتوانیم آنرا بشهر بیاوریم " . وی میگفت بقیه در صفحه ۲۰

## طوفان در قنجان! (۲)

در شماره گذشته ، بیکار را جمع به طرح " خودگردانی " دولت و برخی از محورهای خواست خود مختاری خلق کردانه کردیم و دیدیم که طرح خودگردانی سهیل چوجه نمی تواند به چنین خواستهائی پاسخ دهد . و اینک ادامه این بحث :

تا سمیت تا زمانهای ناحیه " خودگردان " از دولت مرکزی در حکومت خود مختار واقعی تمام سازمانها و اداره ها در تمامی زمینه های سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی انتظا ما می ... تابع حاکمیت خود مختار می باشد . (روشن است این به معنی نفی وانکار وظایف دولت مرکزی در رابطه با برنامهریزی های عمومی اقتصاد و سیاست خارجی ... نیست ) . همچنین مسئولین ورهیری آنها در مقابل ارگانهای مربوطه حاکمیت خود مختار مسئول خواهند بود . بنا براین اگر این سازمانها و اداره ها بخشی از همان بوروکراسی و سازمانهای دولت مرکزی باشد ، و عزل و نصب مسئولین ورهیری آنها توسط دولت در مناطق خود گردان " باشد ، دیگر حاکمیت نمودن از خود مختاری و با حاکمیت بودن بلبل بر سر نوشت امور و فعالیت های خود سخن بوج و بیبهوده ای است . چیزی که در ماده های ۲ و ۳ طرح " خودگردانی " و با در ماده ۱۰ در مورد آموزش و پرورش ... کاملاً متبلور است . در مورد

مسئولین و " کاربدستان " نیز در ماده ۲ و همچنین در ماده ۳ در زمینه کارهای دادگستری ، که در سازمان ناحیه خودگردان با بدبا تصویب دولت بکارگرفته شده بود ، و ماده ۴ در زمینه انتظامات ( که قبلاً محبست گردید ) ، همه گویای این مسئله میباشد که " کاربدستان " همانطور که طراحان " طرح خودگردانی " نیز گفتند ، این طرح در چهارچوب قانون اساسی خیرگان است . ما می گوئیم قانونی که حقوق ملیت ها را به هیچ وجه به رسمیت نمی شناسد و بر نابرابری و ستم ملی صحنه می گذارد ، چگونه می توان در چهارچوب آن طرحی داد که خلق کرد را به حق خود برساند ؟! اگر چنین بود پس چرا خلق کرد رفتارندوم قانون اساسی خیرگان را بدلیل محتوای ارتجاعی آن تحریم نمود ؟!

بدستان " و ارگانهای رهبری و مدیریت سازمانها و اداره های خود مختار در مقابل سازمانها و اداره های دولت مرکزی مشول خواهند بود . حتی آن مقدار وظایف محدودی که در ماده ۱۰ در زمینه های اقتصاد ، عمران ، فرهنگی برای ناحیه های " خودگردان " قائل شده اند ، در جاهای دیگر این طرح بخش مهمی از این حقوق و وظایف مستقل را با وابسته و مطیع نمودن سازمانها و اداره های مربوطه به دولت مرکزی نفی و انکار می نمایند . نمونه : روشن آن در مورد

# برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک



# جنبش دهقانی



## مبارزه دهقانان روستای جلیکان

روستای جلیکان در ۱۵ کیلومتری غرب آمل و درجاده نوبر واقع است. جمعیت این روستا حدود ۱۲۰ خانوار میباشد که ۶۰ خانوار از آنها بی زمین و ۳۰ خانوار کمتر از ۱ هکتار، ۲۰ خانوار بین ۱-۲ هکتار و چند خانوار هم در امور کشاورزی فعالیت میکنند. درقبال چنین وضعیتی که اکثریت قریب اتفاق دهقانان را دهقانان بی زمین و کم زمین تشکیل میدهند، ۱۴۰ هکتار از زمینهای مرزوعی از این روستا تحت تصرف شخصی است بنا محاجی عباس - زاده که روی ۴۰ هکتار آن سند مالکیت دارد و ۱۰۰ هکتار دیگر را مالها پیش بعلت در تنگنا قرار گرفتن دهقانان از آنها ن به مقدار نا چیزی خریدولی هنوز بطور کامل این مبلغ را به دهقانان پرداخت نکرده بود. برای تصمیم گیری درباره تصرف زمینها، عناصر آگاه در تاریخ ۵۸/۹/۱۵ اهالی روستا را به تشکیل یک جلسه عمومی دعوت کردند. سپس از افشاکاری های لازم توسط عناصر آگاه در این جلسه، دهقانان ۵ نماینده انتخاب کردند که در آن هم از دهقانان بی زمین و کم زمین وهم عناصر آگاه شرکت داشتند. افرادی همان شب فعالیت نمائنده ها شروع میشود. ابتدا برای دانش کردن زمینهای مغروبه جنگلی به ادار کشاورزی میروند. از طرف ادار کشاورزی فرمی به آنها داده میشود تا برگردند. پرونده تشکیل بشود این جریان سیراداری خود را طی کند. ولی سنگ اندازی مقامات اداری که ناشی از سیاست فدهقانان است. هیئت حاکمه است، آنها را از ادامه این کار بازداشت. جلسات متعددی که نمایندگان با حضور اهالی ده تشکیل میدادند و افشاکاری های نمایندگان موجب جلب اعتماد دهقانان شده و تصمیم گرفته میشود که بنجای ۴۰ هکتار مغروبه، ۴۰ هکتار از زمینهای حاجی عباس زاده را تصرف کنند. شور و شوق دهقانان در انجام این عمل باعث میشود که تصرف کلیه زمینهای حاجی عباس - زاده مطرح شود. اما از جانب دیگر حاجی عباس زاده هم بیگانه نشیند و به اتفاق دو پادار به جلیکان آمده و به دهقانان اعتراض میکند. داد و فریادهای حاجی عباس زاده تا شهری در روستای دهقانان نداشت و قرار بر این میشود که دهقانان ابتدا زمین ۴۰ هکتاری را تقسیم کنند و سپس از روی سندهای که در دست دهقانان قرار دارد و مدتها ردیگر را هم تقسیم کنند. اما بعد آبه ملاحظه نمایندگان که از آن پس شورای دهخوا نده میشود فقط زمینهای آبی را که حدوداً ۴۰ هکتار بود بین ۷۰ نفر تقسیم کردند و عملاً از تقسیم کردن زمین های دیم خودداری کردند.

## گزارشی از روستای "قرق"

این روستا در یک کیلومتری شمال آمل قرار دارد. جمعیت این روستا ۶۰ خانوار است که ۱۵ خانوار آن بدون زمین هستند. کل زمینهای آبی این روستا ۱۱۰ هکتار می باشد که بصورت زمینهای ۱ تا ۱۰ هکتاری در اختیار دهقانان قرار دارد. زمین به مساحت ۵ هکتار رتیز وجود دارد که متعلق به یک فرد نزلخوا رهبری میباش که از گذشته زمین را از طریق نزلخوااری از دهقانان گرفته است. ۲۰ هکتار زمین دیم هم وجود دارد که بصورت باغ بوده و بخشی از آن متعلق به کشاورزان بومی بوده و بقیه از آن چند سرما به دار شهری می باشد. ۱۲ نفر از دهقانان بی زمین طی چند جلسه تصمیم می گیرند که ۵ هکتار زمین نزلخوا را تصرف کنند. این نزلخوا را به شدت مورد تنفر دهقانان می باشد. مثلاً یکی از دهقانان تعریف میکرد که چگونه ۵۰۰ تومان پول از وی گرفته و پس از مدتی مجبور شده است ۸۰۰ کیلو برنج و ۸۵۰ تومان پول با بابت این ۵۰۰ تومان بپردازد. دهقانان بی زمین در اوایل آذرماه ۵۸ هکتار زمین آبی را تصرف کرده و آن را شخم میزنند و بدنبال آن ۴ هکتار از زمین های با سرما به داران شهری را نیز تصرف می کنند.

پس از این موفقیت که موجب اتحاد بیشتر دهقانان میشود، آنها قصد تصرف زمین های برخی از دهقانان مغروبه و به حال را میکنند که با توضیح عناصر آگاه از این کار منصرف میشوند. روشنفکران انقلابی با بستی با توضیح و کار اقامتی از این انحراف (تصرف زمین های دهقانان مغروبه) که در جنبش دهقانی شوق می پیوندند دهقانان را آگاه سازند. در شرایط کنونی زمین های دهقانان میان به حال نبایستی مورد تصرف دهقانان در آید، بلکه دهقانان با بستی زمین های متعلق به مالکان سرما به داران شهری، نزلخوا ران و... را حتی اگر زمین های کوچکی هم داشته باشند تصرف کنند.

نکته جالب در حرکت شورا این است که بسیاری از آگاهی دهقانان نشریه ای دیواری در دسترس کرده اند که "رهائی" نام دارد و تاکنون سه شماره از آن منتشر شده که در آن به افشاکاری درباره توطئه های مالک پر داخته شده است. به تشریح روستا شیبان جلیکان و بخصوص اعضای شورا و همچنین تا شهر پیروزی دهقانان جلیکان، دهقانان بی زمین روستای رزک نیز ۳۰ هکتار از زمینهای حاجی عباس زاده را به تصرف در آورده و بین ۲۰ تن از دهقانان بی زمین تقسیم کردند.

بقیه از صفحه ۱۸  
نگاهی به رویدادهای ...  
نقشی که در زمینه سازی و تکوین جنگ طبیبی برادر - کتی میان مردم، بهمه داده و بالاخره از این نظر که هموست که زمینه عریبه جوئی و گردنکشی دارودسته خلق مسلمان و زعیم عالیقدران را فراهم کرده است و آنچنان شرایطی را فراهم نموده است که جنبش جریاناتی بتواند در عرصه سیاست کشور این چنین به توطئه چینی برخیزند.

۴ - جلوگیری از شرکت مردم در حرکات ارتجاعی - ای که توسط جریان ارتجاعی، بورژوازی تحت عنوان مخالفت با رژیم، سرگذازمی شود و اهداف ارتجاعی فوق الذکر را دنبال نمیکند. افشای ماهیت این حرکات و برپا نهادن زندگان آنها و توضیح نتایجی که بر این شرکت مردم، مترتب است و بر این اساس جلوگیری از تحقق اهداف مرتجعانه و ضد خلقی ای که از سوی این جریان با برپا نهادن خشن چنین حرکتی، دنبال میشود، یعنی ایجاد درادر - کتی و جنگ داخلی میان مردم و ایجاد توطئه داخلی و سوء استفاده از این توطئه ها برای معا مله با هیئت حاکمه .

۵ - سمت دهی آگاهانها اعتراضات حق طلبانه و انقلابی مردم بر علیه سیاستهای ضد انقلابی هیئت حاکمه و ارتقاء مضمون و محتوای سیاسی آنها. افزایش ضای فدا میریالیستی، فدا ارتجاعی و محتوای دمو - کراتیک این مبارزات، زدودن سموم لیبرالی ای که از سوی جریان ارتجاعی فوق در میان این جنبش انقلابی پراکنده می گردد و کشاندن آن بسمت منافع اساسی توده های زحمتکش این منطقه. همچنین محکم کردن پیوند تشکیلاتی و سازمانی میان خود این توده عظیم و کوشش در جهت سازمان دادن مبارزات آنها در تشکیلات مستقل و انقلابی خودشان و متقابلاً کشاندن آنها از زیر سیل و برهنگونه تشکیلاتی که از سوی نیروهای ارتجاعی و فدا انقلابی گسترده شده است.

### توضیح: ★ ★ ★

کمیته آذربایجان سازمان در رابطه با جریانات اخیر تبریز اعلامیه ای در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۰ منتشر ساخته که در آن بدستی مرز جنبش توده ها و جریان بورژوازی و ارتجاعی حزب جمهوری خلق مسلمان را روشن ساخته است. اما به لحاظ نحوه ارزیابی مجموعه جریان اخیر تبریز موضع رفقا دارای برخی اشکالات است که نمی توانست موضع سازمان تلقی گردد و موضع سازمان همان است که در این شماره پیکار آمده است. ■

بقیه از صفحه ۵  
حل مسئله بیکاری ...  
امیریا لیس همگونی نخواهد توانست مسئله بیکاری را حل نماید. مشکل بیکاری موقعی حل خواهد شد که طبقه کارگر سرنوشته خویش را بدست گیرد و حکومت خاص خود را برپا دارد.

# کار برای کارگران، زمین برای دهقانان



### گزارشی از راهپیمایی و تحصن دانش آموزان زاهدان

(بسیار از نبرد بلوچ شماره ۹)

بدسال اطلاع "انجمن دانش آموزان بلوچ" مسی بر اعلام راهپیمایی در تاریخ ۵۸/۱۰/۱۶، دانش آموزان اندامه را همایشی بنظیر اعتراضی به دستگیری تعدادی دانش آموز و معلم در این شهر می نمایند. این راهپیمایی از دبیرستان دکتر سرمدی (بازرگانی سابق) آغاز می گردد. دانش آموزان پس از آنکه چندین خیابان را طی میکنند و شعارها را علیه "هیئت حاکمه" و "خوانین" می دهند در ادامه آموزش پرورش اجتماع کرده و منظم در رسیدگی هر چه سریعتر به خواسته هایمان در این اداره منحصر می شوند. دانش آموزان طی قطعنامه ای خواسته های خود را شرح ذیل اعلام میدارند:

- ۱- کلیه زندانیان سیاسی که مخالفان زحمتکشان بلوچ در این شهر دستگیر شده اند باید آزاد شوند.
- ۲- ما خواهان افشا و محاکمه معلمین و محصلین کما رزیم گذشته همکاران دانشمندان هستیم.
- ۳- ما خواهان برسمیت شناختن انجمن دانش آموزان بلوچ و آزادی فعالیتهای سیاسی و صنفی و استقادهای از امکانات دبیرستانها مناسبت مکان انتشارات، وسایل ورزشی و بودجه میباشیم.
- ضمناً بوسیله عوامل وابسته رزیم سعی میشود این تحصن شکسته شود که ما مخالفت دانش آموزان روبرو می شویم. قولوی عبدالملک (سرمولسوی عبدالعزیز) به اداره آموزش و پرورش آمده و تلاش میکند دانش آموزان را قانع سازد تا به تحصن خود حاضرند. ولی دانش آموزان هر چند از زنده بختی بوی می دهند ولی در پایان با شعارهای مخالفت خود را با او ابراز می دارند. شعارهای داده می - شود که مهمترین آنها عبارتند از:

"عزالدین رهبر کرد و بلوچ"، "خود مختاری زحمتکشان آری، خود مختاری ارتجاع نه"، "بلو - حسان مٹی ملک آنت، خود مختاری (وت واجبی) شی جکانت (بلوچستان سرزمین ماست، خود - مختاری حق ماست)"، "قانون اساسی ناسمجانت (قانون اساسی ناسمجانت) ..."

ضمناً بسیاری از دانش آموزان دبیرستانهای مختلف زاهدان بنحیبتی خود را از این تحصن اعلام میدارند، بدینسان ما همه تلویزیونی "بایدان" و اعلام اینکه "عزیز الله بلوچ" یکی از دستگیرشدگان ما و یکی بوده است و اینکه دانش آموزان ناآگاهانه تحصن نموده اند. دانش آموزان طی ۳ اطلاعیه مقاصد و اهداف با بیداران در این زمین افشا، می نمایند در قسمتی از اطلاعیه شماره ۳ دانش آموزان تحصن آمده است: "چرا سیهان با بیدار در برابر اعتراضات و نظرات دانش آموزان درس را سر بلوچستان پس از مدت ها سکوت اقدام به این افشاگری نمود... چرا سیهان با بیدار بر نرفته "عزیز الله بلوچ" را قبلاً افشا نگردند...؟ چرا در مورد بقیه دستگیرشدگان مهرسکوت بر لب میزنند...؟ اعتقاد داریم که این عمل با بیداران نه در جهت عملی کردن یکی از خواسته های ما یعنی افشا و ساوکی ها، بلکه در جهت مخدوش ساختن چهره ما بر افرا دستگیر شده است بوسیله دانش آموزان مبارزان (۱) (نقل معنی). تا این تاریخ ۵۸/۱۰/۲۲ هنوز تحصن دانش آموزان ادامه دارد. قابل یادآوری است که در روز یکشنبه ۱۰/۲۳ توسط

### اخباری از مبارزات دانش آموزی

هواداران دانش آموزان تحصن راهپیمایی صورت گرفت.

(۱) - در تاریخ ۱۶ آبان ماه "انجمن دانش آموزان بلوچ" نیز با بدقت و اکتوا قماً با بیداران قعدستان افشا، مزدوران امپریالیسم و اعمال ساواک است چرا "تقی خان ریگی" و "خدا داد ریگی" و... که وابستگی به رژیم شاه بر هر کس آنگار است، افشا و دستگیر نمی نمایند. چرا روشنفکران خود فروخته ای چون "غلامرضا حسن بر" و "ملک بخش باکراد" و... را افشا نمی کنند و بهای میزحاکمه نمی کشند؟ چرا "مهدی میرشکار" که سندخبا نش بخلق به وسیله دانشجویان دانشسرای عالی به اطلاع عموم رسید، همچنان مشغول بکار است، آنهم در آموزش و پرورش (توضیح اینکه این شخص هم اکنون در دبیرستان طالبانی زاهدان مشغول به خدمت! میباشد. نامبرده را بجای اینکه بهای میزحاکمه بکشند و زکار ببر - کنار نمایند، از سروان به زاهدان منتقل نمودند) آری اینان بی شرمانه آنگاه که به افشا، خائنین به خلق همت می کنند که بوسیله آن بخوانند و آن توده ها را نسبت به نیروهای مبارز مسموم نمایند و به اهداف انحمارگانه خود حاکمه عمل بیوئانند آیا مزدورانی چون "امیر نظام" و "مقدم مرغانی" که پس از ۹ ماه خیانت بخلق افشا، میشوند، خود گواه حقانیت ما و خیانت آنان نیست؟ آیا گواه این نیست که هیئت حاکمه به اصطلاح انقلابی تنها آن هنگامی به افشا، وابستگان خود میبردند که دیگر نتوانند یکدیگر را تحمل نمایند. آری آنان نه از منافع توده ها بلکه از منافع انحمارگانه خود حرکت مینمایند و این بر کسی پوشیده نمانده!

افشا، و محاکمه کلیه مزدوران رژیم گذشته خواست کلیه زحمتکشان و نیروهای انقلابی است

### به دانش آموزان دبیرستانی!

گروه دانش آموزان دبیرستانی جنوب روستا در ماه مه ۱۹۵۲ تشکیل یافت. در اوت ۱۹۵۲ گروه اولین کنفرانس را که اعلامیه زیر را صادر کرد، سر - گزار نمود. این کنفرانس وظایف گروه را عبارت از کار و فعالیت انقلابی - فرهنگی در میان دانش آموزان و پیش نوشتجات غیر فاشیونی تعیین کرد. کمیته مرکزی گروه تمام دانش آموزان را به حساب است از تعهدات گروه دعوت کرد تا آنکه آنها به هنگام ترک مدارس بتوانند در زیر پرچم افشا سرخ به اهتزاز آمده "سوسیال دموکراسی روس" صف آرائی کنند. گروه را کمیته دن DON حزب سوسیال دموکرات روس رهبری میکرد. این گروه نوشتجات سوسیال دموکرات متعلقه روزنامه های ایسکرا و آرتا را ماکس، انگلس، پلخان و دیگران را در یافت و پیش میگرد.

عنوان اعلامیه زیر توسط لنین بر نسخه ای از آن که بدفترانتشارات ایسکرا فرستاده شده بود نوشته شده و به این ترتیب این اعلامیه در شماره ۲۹ ایسکرا اول دسامبر ۱۹۵۲ بجا برسد.

به دانش آموزان دبیرستانی

با استقبال صمیمانه از پیشقدمی فعال و کاری دانش آموزان، ما همبسم خود به آنها را همنا شهای رفیقانه زیرین را می نشانییم. برای اینکه سوسیال - دموکراتهای متقاعد، ثابت قدم و بیگسیر گردید، سعی کنید که تلاشهایتان را روی خود آموزی مبنای هدف عمده سازمانتان متمرکز سازید. صریح ترین خط ممکنه را بین این کارمقداماتی بی نهایت مهم و ضروری، و فعالیت عملی مستقیم بعنوان جدو سرز بشکند. هنگام پیوستن (وقبل از پیوستن) به صفوف گروهها درنا حیه، سعی کنید تا نزدیکترین (ومخفی - ترین) تمامها را با شما زمانهای سوسیال دموکراتیک محلی با سرسری، (برای اینکه قادر به ادامه آنچه که قبلاً انجام می دادید، باشید، نه اینکه تماماً از اول شروع کنید. برای اینکه محلتان را فوراً در دستتان بگیرید، برای به پیش بردن جنبش و ارتقا، آن بیک مرحله عالیتر) برقرار سازید.

ایسکرا شماره ۲۹  
۱ دسامبر ۱۹۵۲

(نقل با کمی تغییر از کتاب و مقاله از لنین، از انتشارات دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر - تبریز)



بقیه از صفحه ۴  
در کارخانه، دوزنگی ...  
که حاج موسوی (ب) برای چندمین بار با وعده های توخالی و ادعای اینکه بدینال کار ما را کارگران است بکارخانه آمده وقتیکه با چندتن از نمایندگان و اعضا شورا های متحد و پرورنده که برای حمایت و اعلام همبستگی ما آمده بودند بوجود آنها در کارخانه ما اعتراض نمود که ما عکس العمل شدید کارگران (ب) - حاج سید موسوی از مسئولین کمیته ۳ منطقه ۸ و یکی از عناصر کارگر و طرفدار ترسما به دار است.

روبرود. هنگام خروج آنها از کارخانه ما موریس گشتی کمیته ۳ منطقه ۸ بدستور حاج موسوی به آنها حمله کردند و آنها را برای بازجویی به کمیته بردند. بعد از آنکه از جریان مطلع شدیم به محل ستاد ۳ منطقه ۸ رفتیم و گفتیم "شما کمانی را دستگیر کرده - ایده به دعوت خودمان برای راهپیمایی و کمک به ما آمده بودید ما کارگران ما را میخواستیم". با بیداران با قسم به قرآن و... سعی داشتند ثابت کنند که کارگران دستگیر شده در آنجا نیستند و در ضمن با توهین و تحقیر به زنان کارگر میگفتند شما زن حیا بی شپسید، مردان شما غیرت ندارند و گروه این وقت شب نمی گذاشتند شما به کمیته بیاید. ما سعی خواهم بیدار کنیم آنها غیرت مردان ما یعنی اینکه بگذارند شما به داران و عمال آنها فرغلطی که خواستند بکنند. یعنی اینکه بگذارند برادران ما را بقیه در صفحه ۱۴



دوره انتخابات  
ریاست جمهوری

# حزب جمهوری اسلامی و کاندیدایش... جلال الدین فارسی کیست؟

هموطنان مبارز! دوستان و رفقای خواننده!

این مقاله قبل از حذف اسم جلال الدین فارسی از لیست کاندیدها نوشته شد. و ما در رصد بودیم قبلاً آنرا بصورت اعلامیه منتشر سازیم. ولی به سبب کنار رفتن فارسی از دور انتخابات، از این کار منصرف شدیم. اینک از آنجاکه این مقاله نشان دهنده "چگونگی تبلیغات و فریبکاریهای حزب جمهوری اسلامی است، آنرا در معرض قضاوت شما قرار می دهیم.

## از کوزه همان برون تراود که در اوست: جلال الدین فارسی کیست؟

اخیراً جزوه ای از سوی "حزب فراگیر" جمهوری اسلامی در معرفی جلال فارسی بعنوان کاندیدای ریاست جمهوری منتشر شده است که خواننده آن گمراه دروغپردازیهای این حزب و گذشته و روحه جلال فارسی آشنا نباشد، گمان خواهد کرد که "علی آباد هم دهی است!" با خواندن این جزوه درحاله لیکه خنده-تان می گیرید. معلومات دقیقتر زیر دسترس پیدا خواهد کرد تا هیچ تکی در ملاحظاتی امانت سراسری احراز مقام ریاست جمهوری کشور، در شما باقی نماند:

**۱- آقای جلال فارسی "در کلان اول دبیرستان" همکلاس دکتتر شریعتی "بوده است (چه افتخاری از این بالاتر! و لابد هسته "انقلاب اسلامی ایران" از همان روزها متشکل گرفته است)**  
**۲- جزوه میگوید که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، جلال به "اندیشه نشت" و علت نشت را پیدا کرد:**  
**اول:** نشانش یک ایدئولوژی انقلابی معلوم نیست آقای فارسی چرا پس از ۱۰ سال که از آن نشت می گذشت تا ز به جمعیت لیبرال و اطلاق طلب "نیفت آزادی" بسوست؟ وطی دوران کوتاه عضویت در آن جمعیت، زمانی که دید بفرصت خود نمائی بیشتر و اقدامات سرخود پیدا نکرد، با آثار مهندس بازرگان از بیست میله های زندان، از بیست اخراج گردید... البته آقای فارسی در سالهای گذشته "افتخار عضویت و رهبری نیفت آزادی" را برای خود حفظ کرد و آنرا در خارج کشور به گوش برخی از نیروهای عرب کسبه خواستار رکمی از آنها بود می رساند. این افتخار ارزشش باد!!!

**دوم:** "فقدان جبهه" رزمنده مسلح، بدون شک اگر آقای فارسی چنین نتیجه گیری هم در آن روز... ها داشته جز از سر انقلابی نمائی و حرفهای گنده گنده زدن نبوده است زیرا کسی که از ۲۸ مرداد اشکال کار را در این مسئله می بیند و حوادث بالهای ۴۰ و ۱۵ خرداد را هم از سر می گذاردند چطور تا سال ۴۸ (یعنی پس از ۱۶ سال که از کودتای می گذرد) هرگز موفق نشد یک هسته و تشکل انقلابی کوچک را تشکیل دهد و همیشه در میله، خودخواها نه خودتنبیه، بخصوص که پس از سال ۴۲ کسی که بسیار به ملاحظه کمتر از آن و تحریفه داشتند موفق به ایجاد تشکلهای انقلابی منجمله سازمان مجاهدین و سازمان چریکهای فدائی خلق شدند. آقای فارسی در سال ۴۲ هم از اینکه مردم در ۱۵ خرداد ۴۲ بدون سلاح کشته شدند تگله میگرد و سه درستی به این صفت بزرگ بی برده بود، اما حرف

نظارات و اجتماع های مختلف با حمله به بیکر-ترین دشمنان امپریالیسم یعنی کمونیستها آت به اسباب امپریالیسم آمریکا ریخته است. هر چند که اینجا و آنجا مجبور بوده است زست های خدا شیربالمستی نیز بگیرد تا بتواند همچنان توده های نا آگاه را فریب دهد و از چنین حزبی جز این نیز انتظاری نیست چرا که رشد انقلاب وسیع مردم حول شمارهای را دیکار کمتر منافع سرما به داران را با خطر می اندازد. حزب جمهوری اسلامی در تمامی سیاست های سرکوبگرانه و ضد دموکراتیک هیئت حاکمه نظیر تنها جم علیه خلق کزده، مطبوعات، تقلب و اعمال نظردرا انتخابات خیرگان، ... نقش مهمی بعهده داشته و در به تمویب رساندن قوانین ارتجاعی در مجلس خیرگان نقش اصلی را بازی کرده است.

این حزب بدلیل ماهیت طبقاتی خود عمیقاً بر ضد کارگران عمل میکند. بطوریکه حتی با تشکیل هر نوع سندیکائی مخالفت است. و بجای آن "شورائی" مرکب از سرما به داران و مدیرکارخانه و کارگران را تحویب می کند و البته تحت این پوشش که در رژیم جمهوری اسلامی دیگر استعمار فرود از زمین می رود! و لزومی به تشکل مستقل کارگری نیست! همچنین این حزب در اول ماه مه روز جهانی کارگر پیشنهاد داد که روز دیگری را بجای این روز استون روز کارگر اعلام کنند تا بقول خودشان اسلامی باشد! و دیدیم که عملاً روز ۱۱ اردیبهشت را که روز جهانی کارگر بوده و حتی رژیم شاه نیز فا در نبود آنرا نادیده بگیرد از فهرست تعطیلات رسمی حذف نمود!

اما اگر در اوایل تشکیل این حزب توده ها نسبت به آن توهمداشتند و اگر این حزب با سبب روحانیون و سوء استفاده از اعتقادات توده ها توانست در ابتدا نفوذی در بین مردم بدست آورد امروز با روشن شدن ماهیت این حزب مردم فریب، بهمان نسبت توده های بسیار از آن کناره گیری میکنند و شرمگین و احساس تنفر نسبت به گردانندگان اصلی آن بسوی انقلاب و بسوی سازمانهای انقلابی و ضد امپریالیست روی می آورند.

## کاندیدای این حزب

با این توضیح و با توجه به اینکه انتخابات در شرایطی انجام می گیرد که دیگر هرگونه توهیم نسبت به دموکرات تیزه گردن مستحویا بردن "شماره" درست " در بین توده ها از طریق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، در بهترین حالت خودخواه خیالچی است! ببینیم این حزب چه کمکی را کاندید ریاست جمهوری کرده است؟ آقای جلال الدین فارسی.

حزب جمهوری اسلامی، "حزب حاکم" حزبی است در خدمت سرما به داران و زمین داران. هر چند که این حزب همیشه می گویند نیات و اهداف واقعی خود را در زیر پوشش مذهب عوام فریبانه مخفی سازد، اما کارنامه، حزب در همین مدت پس از قیام آنچنان است که بسیاری از مردم به ما هیت واقعی آن بی برده اند. این حزب که از جمله احزاب خلق الساعه پس از قیام است، بسویله کسانی چون بهشتی، رفسنجانی، باهنر و موسوی اردبیلی و... تاسیس شد، موسسین این حزب ورهبران و افراد موثر آن عمدتاً از سرمایه داران و زمین داران بزرگ هستند. آقایان بهشتی، باهنر و رجائی از جمله سرمایه فروش های بزرگی هستند که در سالهای پس از ۵۵ یعنی در زمانیکه مبارزین انقلابی ما بدست شاه جلاد به شهادت می رسیدند و توده ها تحت فشار روستم روز افزون رژیم شاه قرار داشتند، به خرید و فروش زمین و خانه سازی مشغول بوده و از این طریق پولهای هنگفتی نجیب می زدند، و امروز نیز از طریق شرکتها ئی نظیر "شرکت ساختمانی و بازرگانی اهداف" به استعمار خلق ادامه می دهند. آقای رفسنجانی نیز از همین قماش است. او با آقای تولیت سرما به داران زمین دار بزرگی که تولیت آستان حضرت معصومه (در زمان شاه و در سالهای قبل از ۴۱) در اختیار داشت به خرید و فروش زمین های بزرگ و شهرک سازی نظیر "شهرک البرز" و "شهرک سارویه" در قم مشغول بود و از راه بورس بازاری و بسا زوبین فروشی ثروت هنگفتی اندوخته است.

با این حال این آقایان امروز با بی ندارند که از "برابری اسلامی" و "از بین رفتن استعمار" حرف بزنند و خود را حامی دواشته "مستضعفان" نشان دهند و از سرمایه آگاهی توده ها همچنان حکومت کنند. حزبی با چنین بنیانی گذارانی از منافع چه کسانی دفاع کرده و مدافع کدای طبقه خواهد بود؟ سرما به داران و زمین داران؟ یا کارگران و زحمت کشان؟ ما در طی مدت پس از قیام شا هد بوده ایم که اینان چگونه مدافع سرما به داران بوده اند. چگونه در تودین قانون اساسی خیرگان حد اکثر کوش خود را بکار بردند تا منافع طبقه خود را حفظ نمایند و همه اینها را با پوشش عوام فریبانه "یا لیکست مشروع" "جامه" تقدس یونان دهند.

این حزب پس از قیام بهمن ماه و بمحض بوجود آمدنش تمامی تلاش خود را بکار برده است تا ذهن مردم را از دشمن اصلی خلق یعنی امپریالیسم آمریکا منحرف سازد و آنها را علیه کمونیستها و نیروهای دموکرات بسنج نماید. این حزب با شعارهای انحرافی نظیر "کمونیست نابود است، اسلام بیروز است" در

# افشای ضد انقلاب خدمت به انقلاب است



ریاست جمهوری  
وزارت اطلاعات

خیزی رازدن آنها برای خودنمایی با هر علت دیگر یک مسئله است و عرضه نما مویساده کردن یک اقدام انقلابی آنها در دوران بسیار سخت گذشته، مسئله‌ای دیگر. آقای فارسی تا سال ۴۸ با دربرداشتن کمال و خندن درس میدادند در اداره طرحها و برنامه‌ها - های وزارت آموزش و پرورش در تدوین کتابهای درسی آریا مهری (البته بخش مذهبی اش) دست داشت و همکار آقای باهنر و گسترش بودند که امروز باید سیاست خدمات انقلابی و دلاوریهای گذشته - شان! در "سورای انقلاب" جای دارند.

دروغهای دیگر

۱- جزوه مروری (لابد بر اساس تعاریفی که آقای فارسی از خود نوشته) چنین می افزاید که کویا جلال فارسی با مجاهدین حنیف نژاد "به این نتیجه می رسد که حنیف نژاد اساساً زمانی متکسل و مخفی برای مبارزه موجود آورد و به کار رتخیلاتی دنیوی و مخفی بپردازد در ضمن با آیت الله طالقانی و فارسی هم در مسائل با تدوین فارسی بصورت علمی در ارتباط با خط سیاسی - انقلابی اما مخفی قرار گیرد". فرصت طلایی این حضرات چنان چشمان را کور کرده است که چشم باز دیگران را هم باور نمی کنند! آقایان، نداشتن مادتان و مجاهدات بیکبرگاسی ما ننند مجاهدین حنیف نژاد چه ربطی به آقای فارسی دارد که امروز مواضع کینه توزانه خود علیه "مجاهدین" را فراموش کرده، در آکمی - تبلیغاتی انتخاباتی خود را به آنها می جاسانند؟ در سال ۵۵ زمانیکه دستگیری مجاهدین و محاکمه آنها پیش آمد و سرودهای در داخل و خارج کشور بیجید و تمسیه چندبیل کار مخفی سازمان مجاهدین و تعداد دستیاران با عنا و آموزش گرفتن برخی اعضا در پیکاهای فلسطین و رسیدن هواپیمای ایرانی از دبی، به عراق و نجات مجاهدین زندانی در دبی، بر سر زبانها افتاد، آقای فارسی که خود در آن زمان در کوشه "دنجی" در لبنان با عراق جا خوش کرده بود (و شاید در خواب هم نمی دید که همان جای دنج را روزگاری بعنوان مکان "هجرت" به "مومنان" نا آگاه معرفی خواهد کرد) رهبران مجاهدین را تحقیر میکردند و آنها را ارتشکلی و فعالیت سازمانی بی خبر گذاشته اند! در حالیکه روشن بود چرا ایشان را بی خبر گذاشته بودند چونکه به این حساب اعتماد داشتند!

آقای فارسی حتماً باید در ده که چگونه پس از انتشار دفاعیات قهرمانان مجاهدین معید محسن در خارج کشور، او را در حضور چند نفر از طلاب نجف که نسبت به مجاهدین سمپاتی داشتند، "خلی" و "دیوانه" نامید. چگونه همین مجاهدین حنیف نژاد را که امروز می گویند چنانچه خود به آب و آبرو بسرای خوب دست و پا کند، "نی سواد" می نامید. هنوز یکی از طلاب نجف که از این حرف جلال چنان ناراحت گردید که به برتقال نیم خورده را از سرختم بر صورت جلال کوفت، حی و حاضر است! (و غیراً بران دینی از کشورهای همسایه است).

۲- در جزوه حزب فراگیر آمده است که "جلال فارسی در مرداد ۴۹ به لبنان سفر کرد. علت سفر او به لبنان و فلسطین (!؟) فراگیری آموزشهای نظامی و تجربه جنگهای چریکی و آماده سازی برای سازمان و افراد ایرانی به اردو - گاهای فلسطین بود". آقای فارسی، فرار خود

میردند. کمونیستها، دموکراتها و مذهبی ها همگی همکارهایی داشتند و از امکانات مختلف استیجاری مبارزه با رژیم استفاده می نمودند، منجمله رادیو مطبوعات، پایگاه‌های امن نظامی و بیسی، بسیاری از آنها حتی نامی از خودشان بجای نگذاشته و شهید شده اند. اما آقای فارسی کدام اقدام جدیدی قدرتی را انجیام داد؟

۳- حزب جمهوری اسلامی امروز که بساط تبلیغات افتضا کرده ادعا میکند که کاندیدای حزب برای تدارک جهاد مسلحانه از چند سال پیش فعالیت میکرد است ولی حزب فراموش میکند که یکی از رهبران، هاشمی رفسنجانی، در اوایل روزهای روی کار آمدن رژیم جدید، افتخار میکرد که مردم دست خالی به استقبال تانکهای ارتش شاه میرفتند و فریاد می زدند که "رهبران ما را ملحق کنید!" ولی ما (رهبران) می گفتیم، نه، حالاً موقع نیست! آقای هاشمی که دستش در جریان توطئه سازش! میر - یالیم، لیبیرالها و رهبران مذهبی، بخون هزاران تن از توده های انقلابی ما که خواستار سلاح بوده و دست خالی جنگ با دشمن می رفتند، آلوده است امروز برای تبلیغ کاندیدای خود آمدگی بسرا - مبارزه مسلحانه را بر رخ مردم می کشد. راستی که خیلی وقاحت می خواهد!

۴- در این جزوه تبلیغاتی به اصطلاح تلاش - های ستوریک جلال فارسی در سالهای گذشته اشاره شده منجمله اینکه ۱۰۵ جلد کتاب الفدیرا ترجمه کرده و ۳ جلد هم در ردما رکسیم کتاب نوشته است. بد نیست بررسی کنیم که در آن سالها بنا بر ضرورت و اجبار در خارج و در ارتباط با تقسیم بانبروهای انقلابی داخل می خواست علیه رژیم مبارزه کند، واقعا فرصت سرخراندن نمی یافت، چطور آقای فارسی سر حوصله ۱۰۵ جلد کتاب الفدیرا نوشت و ترجمه کرده است؟ واقعیت این است که او در لبنان و بعداً در سوریه سکونت داشت، کتاب ترجمه میکرد و به تهران می فرستاد و ناشران شرکتهای در دسرا نصور می توانست این کتابهای "رژیمند" را با اجاره ساواک چاپ کند، پول ترجمه را برای آقای فارسی می فرستاد. بد نیست همین جا توضیح دهیم که کتاب "الفدیر" (درعری ۵ جلد بزرگ و در فارسی ۱۰ جلد) نوشته فردی بنام شیخ عبدالحسین امینی است. او اصلاً ایرانی اهل خوی و ساکن نجف بود هدفش در این کتاب این است که به هر وسیله و متمسکی ثابت کند که "علی برحق است نه عمر!" مولف این کتاب که در سال ۴۲ به ایران آمده و در برخی از شهرستانها بر منبر میرفت و برای کتابخانه ای که در نجف درست کرده بود پول جمع میکرد و همین کتاب الفدیر را تبلیغ می نمود در سخنرانیهای خود در مساجد گراش دان زدن اختلاف شیعه و سنی بود. او از نسبت دادن بدترین دشنامها به ابوبکر و عمر و عثمان امتناع نداشت.

در میجد جامع همدان، علیه عثمان و عمر چنان حرفهای زد که حتی برخی از روحانیون غیر مبارز نظیر آیت الله مطهری پس از شنیدن این جریان، او را یک دوست نادان شمردند. اینجنین ویا ترجمه این کتابها برای آقای فارسی با رژیم شاه مبارزه میکرد و نیز با نوشتن ۳ جلد کتاب "درسهای دربار" ما رکسیم "که بنا به موضع طبقاتی خود در آن با ناسزاگویی به بنیان گذاران سوسیالیسم علمی، کینه خود را نشان داده است. برای

از قبول مسئولیت و کار انقلابی در آنروزها و بنا به بردن به کنجی دنج در لبنان را "هجرت" مینامد و هیچ روش نمی کند که بدون یک تکلیلات مخفی و انقلابی در داخل کشور چه گاسانی را مخواست تحویل بکند و یا کمک فلسطینی ها، آموزش نظامی دهد (ما کاری بدرستی یا نادرستی چنین برنامه ای در آن زمان نداشتیم) آقای فارسی تا سال ۵۲ یعنی ۳ سال پس از آنکه در لبنان بوده از عهده تربیت محلی برای آموزش نظامی بکنفرانس جوان ایرانی (که کول تبلیغات فارسی و آشناها پیش ر آورده بود) بر نمی آید و ۳ ماهه ما او را علاف کرده بود و دستش بجای بند نبود. همان نوجوان و مهمانیه که از وضع ناکتسار او مطلع بودند همگی حی و حاضرند! تا سال ۵۶ رابطه آقای فارسی با فلسطینی ها جز در حد تماشای های فردی و تکرار آنها بی که در آن زمان هر کسی می - توانست در خارج از کشور بزند و تا زنگردد. فارسی کارش این بود که مسافری آشنا از ایران را بسا بسد و مغز او را با یکمشت ادعای پهلوان پنبه ای در مورد "مبارزه شان با رژیم شاه" پر کند و دست آخر از او بخواهد که از این برای او کمک مالی بفرستد! عریه ای از خوش خیالی چنین کردند ولی بعدها که سره ای نتیجه ای از او ندیدند، دست از کمک و رابطه با او کشیدند. یکی از همین افراد هم اکنون پست مهمی در سپاه پاسداران دارد که او هم حی و حاضر است!

۵- استفاده از فلسطینی ها امروز به بدترین شکلی در ایران جریان دارد و حزب جمهوری اسلامی (بعنوان حزب حاکم) با ابوجهاب دستور رسمی ملاقات میکند و عکس او را با آقای جلال فارسی در صفحه اول روزنامه اش بجای می رساند! که ای مردم به این آقای رای بدهید که همدوش انقلابیون فلسطینی است! زهی بیشرمی! آقای فارسی هم نشست و برخاست با دوفرا زوشنفران عضو الفتح بنام "منیر شفیق" و "دکتر عمر محبوب" را افتخار خود میداند ولی از بیخ فراموش می کند که این هردو از ما رکسینهای معروف عرب هستند. آقای فارسی که نا مغز استخوان ضد کمونیست است چه وجه مشترکی با آنها داشته، جز آنکه نام آنها را فرست طلبانه در آکمی تبلیغاتی خود درج میکنند تا مردم را بفریبند! حزب جمهوری اسلامی فلسطینی ها را در ایران برای دوشیدن می - خواهد و هرگز به مرزها امروزه تنها رژیم به انقلاب فلسطین کوچکترین کمکی نکرده، بلکه هر روز از سوی روزنامه حزب جمهوری اسلامی در معرض "تیروطن" نیز بوده است (ما در برخی شماره های خارج کشور انتشار داده استفاده اشاره کرده ایم).

۶- در جزوه تبلیغاتی حزب فراگیر بنسخه آقای فارسی حرفهای بی پایه زیادی گفته شده اما هیچ اشاره ای نکرده است به اینکه طی ۹ سال که آقای فارسی در خارج به کنجی دنج خیزیده بوده - اقل کدام مقوله یا مطلب افشاگرانه را علیه رژیم شاه و آنها در روزنامه های خارج کشور انتشار داده است؟

از سال ۵۵ به بعد پس از اقدام قهرمانان انقلاب - بیون ایرانی در سا هکل و ادامه فعالیتها انقلابی از سوی گروهها و سازمانهای رزمنده و خشم و کینه و خشیانه ای که رژیم شاه علیه مردم ایران بکار می برد و همچنین ابفای نقش ژاندارم امیربالیسم در منطقه خلیج و خارومیا نه، بهترین زمینه های افشاکری را در خارج کشور فراهم نمود. جوانان و نیروهای انقلابی چه وابسته به سازمانهای انقلابی درون کشور چه بصورت فردی به اقدامات زیادی دست



ویژه انتخابات  
زیست‌محیطی

آقای فارسی همین اختراصی که دودخدا زهمین کتاب، در دوران شاه روزی نظر ما واک‌چاپ ندهد و با زار آمدن به آقای فارسی و حزب او با بدترین گفت‌گوهایی دشمنان رژیم وابسته امیرالمسلمین یعنی کمونیستها مبارزه کرده‌اند. دوش با ما و با تائید ما واک ما را کسینم را بحال خود رد کرده‌اند.

اینها بودا تا راهی به برخی از نکات که در جزوه فلسفاتی حزب فراگیر اجماع به آقای فارسی آمده بود. آقای فارسی البته خودشان هم در صحیفه داغ، فلسفاتی و عوام‌فریبی دست‌گمی از حزب بی‌نظیر خود ندارند. ضمناً در این میان گاه حرفهای راستی هم می‌زنند که "بدبختانه خودشان را بیشتر افشا می‌کنند".

مثلاً حلال فارسی می‌گوید: "ما به مجلس خبرگان رفتیم که ولایت فقید را تصویب کنیم". یا بدین‌گونه شما که حسین هدفی داشتید، اگر نوشته‌های درگزار نبود و وحشی از مردم پنداشید چرا نه در پیش نویسی

قانون اساسی و نه قبل از "انتخابات خبرگان" حرفی از ولایت فقیه‌سپاس نیاوردید و تنها پس از سوار شدن بر خرما دادا بسجین حاکمیت و حقوق خلق را زیر پا گذاشتید؟ یا مثلاً همان‌طور که می‌گویید: "پاره کردن پوستها کارنا مردانه‌ای است". باید گفت شما با دستجات‌جا فوکش و جماعت بدست حزب الهی و با مدتی نوشته‌نویشتنها پوستهای دیگران بلکه سینه آنها را هم پاره کرده‌اید و بی‌حالا که برخی از زقبا - ستان (والی‌الاسته از قماش خودتان!) مقابله به مثل کرده‌اند قریباً دتان بلند شده است که این کارنا مردانه‌های است! بقول شاعر:

محسری مآل مسلمان و چو مال سیرتند

بانگ و فربا دیر آری که مسلمانان نیستند

هر چه رسوا تریاد چهره عوام فریبند

حزب محسوری اسلامی

مرکز بر امیرالمسلم آمریکا و ارتجاع داخلی

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۸/۱۰/۲۵

علامه شماره ۵۷



شاه، شیخ علی تهرانی در رابطه با کاندیدایی جلال الدین فارسی و رهبران حزب جمهوری اسلامی و اعضای شورای انقلاب به آیت‌الله خمینی:

● با وجود اطلاع قبلی از غیر ایرانی‌الصل بودن "فارسی" چرا ۲۵ میلیون تومان صرف تبلیغات برای او شده است.  
● ارتباط بین دو عضو شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی با امیران نظام!

شورا برنده شوند، اعتراض دارند.

ملت از امام امت توقع دارد برای ایمنی حاکمیت و حفظ انکار عمومی و زیرک‌شور و سعی دست‌اندرکاران در این امر، از مقام خود محافظ شوند و نیز خوب است از اعضای شورای لانه‌خاوسوسی بخواهد برونه‌دو دفتر از آنها را که امیر - انتظام شریکند، ارائه دهند تا کویبتد یکسری از سکاران را زندان و بقیه را امرینموده‌اند.

● امام امت، فردیکه امام خمینه، تهران کرده‌اند، برای دوستان جاه‌طلبی او روشن است. نه معلومات در خوردگری دارد و نه سابقه.

مستحکمی و با وجود علمای و خطای بسیاری در شهران که مسلم از این کار ناراحت می‌شوند، صلاح است تجدیدنظر نماید و با افراد بی‌نظر مسورت نماید نه افراد جاه‌طلب و دست‌اندرکار.

خدا می‌داند تا آنکه جز کار علمی برای هیچ کار دیگری مهیا نیستیم و ذره‌ای دلچسپی به دنیا، و اهلیت ندارم در این مرحله وظیفه شرعی خود می‌دانم تا تادرتی‌ها که به جامعه ختم می‌شود و تاریخ انقلاب اسلامی را لکه‌دار می‌کند، توسط نوشتن و عرضه به مجتمع اسلامی، مبارزه نماید. اگر دستوری هست توسط حضرت جعه‌الامام و المسلمین آقای نوبلی عنایت فرمائید.

.....

می‌رو این نامه که به امام ارسال شد، نظر ملت مسلمان شریف و مبارز ایران را به نکات زیری روشن جلب می‌نماید:

۱- لااقل آقای حلال فارسی بدرومادر خود را می‌شناسد و می‌داند افغانی بوده‌اند و نیز می‌داند خودش درست پس از ۱۸ سال تمام، تا سمیت ایران را پذیرفته و شناسنامه ایرانی گرفته و نیز در مجلس خبرگان وکیل بوده و مدارف اهل بکمدو - بایندهم بحث کرده و مشاهده کرده که اکثریت لازم

بقیه از صفحه ۱۳  
"قانون" و "امینیت" ..

محرورمانست. این "نظم" و "امینیت" درست نقطه مقابل نظم و امینیتی است که خلقهای ما در نظر دارند. "امینیت" مورد نظر مدنی، دشمنی و کینه است. ناپذیری با منافع و خواسته‌های خلقهای تحت ستم ما دارد. این "نظم" حزغارت، جهاول، استعمار... و کشتار سیرحیانه خلقهای ما چیزی برای آنها ندارد. مدنی جلاددربی ایجاد "امینیتی" است که ستمگری و حاکمیت سرما پدهاران و استهوا امیرالمسلمین را سرکارگران، زمینکشان و دهقانان را رسمیت ببخشد! این هدف نه تنها هدف مدنی، بلکه هدف تمامی کسانی است که برای تصاحب ماشین دولتی حاضر هستند یعنی تصاحب ارتش و بوروکراسی با زمانه‌ها رژیم سابق که در اساس خود حافظ و نماینده منافع امیرالمسلمین و سرما پدهاران و استهواست، تلاش میکنند. پس مدنی، یعنی صدر، قطب زاده، حبیبی، فرورهر... هیچ تفاوت کیفی وجود ندارد، هدف تمامی آنها اختراص این "نظم" و "امینیت" جنبشی است.

اختلافات مدنی با کاندیداهای دیگری چون فرورهر، یعنی صدر، حبیبی و... درجا رجوع حفظ این مناسبات است و نه نفی آن!

هدف تمامی آنها سرکوب مبارزات توده‌ها و ایجاد شرایط مناسب برای غارت سرما پدهاران و استهوا امیرالمسلمین است. اختلافات آنها ممکن است تنها در شیوه بیاباده کردن آن باشد. مثلاً اگر مدنی از طریق کشتار خلق عرب، مبارزات حق طلبانه آنها را سرکوب میکند، فرورهر و حبیبی و دارودستان سعی میکنند از طریق باصطلاح مذاکره و ایجاد دفتر قسه و دودستی در صفوف خلق کرد این هدف را پیش ببرند. (هرتبهه این نوشته از جزوه "مدنی" جلاد خلق غرب را شناسیم!) از اینتبار که کمیته غوزستان سازمان پیکار... استفاده شده است. ■

بدان رای داده‌اند. با توجه به این دو مطلب، خاسته و نسبت به عمل به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (حتی در نزد خردسالان) مسلم است.

۲- پس از متوال تهران درباره شناسایی کاندیداهای مشهد از مرکز آمار مشهد، دوسار ایرانی الاصل بودن آقای حلال فارسی به وزارت کشور اطلاع شد. در اینصورت آقای رفسنجانی سرپرست وزارت کشور با این مطلب رادریافته پس به قانون اساسی خیانت کرده و بار در شناخته پس ذر وظیفه، ادا ریش کوتاهی کرده و در هر دو صورت شایستگی یاتی مانکن در آن مقام را (به ویژه در ایام فعلی که پای دو انتخابات درگزار است) ندارد.

مشهد مقدس ۵۸/۱۰/۲۵  
علی تهرانی

بسم الله الرحمن الرحيم  
محضر امام است. شما در نامه که تا آنکه به پیکار ارسال شد، فارسی، اطلاع از اوضاع احوال شهر و حزب جمهوری اسلامی برای ناپدید شدن نزد شما و دستور شد. همواره ایران کینه دانه و...  
چنانچه در نامه...  
نمودار رسمی...  
جنبه ای...  
کارهای آفرین را...



## فرصت طلب زیاد است:

## فارسی نشد حبیبی، این بوزرو الیبرال "مهاجر"!

"حزب فراگیر" جمهوری اسلامی کدپی یکسال گذشته، با رها شدنش با زنده و مرفاً با پناه گرفتن در پشت دیوار تشنگی توهمات توده های ناآگاه خود را نجات داده است، "حزب فراگیر" که امتحان دروغ - گوئی، لاف زنی، عوام فریبی و اقدامات ضد انقلابی خود را در جریان رفتارند اول و دوم و انتخابات "خبرگان" داده و کوی توپیرها و نقلیهایش به گوش مغیر و کسیر هم رسیده است، در جریان با اصلاح انتخابات ریاست جمهوری بیش از آنچه تصور میشد، منتفع گشت، از کینه مردم، مبالغه کلانی صرف تبلیغات برای حلال فارسی نمود. هر چه توانست به نیروهای انقلابی و مترقی ناخت، دروغ ست و تاجا که امکان یافت در وصف کاندیدای جلال فارسی با وسعت و کوشید توده ها را بفریبید...

اما موج روبه اعتدالی مبارزه خلق های ما - از یکطرف و نفاذ های درونی هیئت حاکم که تفسیر و تفسیر و احد تجزیه بنا بذیر معرفی میگردد، از طرف دیگر این حساب را هم بزنگا ندویا نمیتوان کردن ابرائی الاصل نبودن او از دور خارج شد "حزب فراگیر" که بنا بر مستقماً از قیاسان خودی "رودت" آورده بود به عزت است. حجت الاسلام خامنه ای سبنا تا کدشتما اظهار داشته بود که "اگر فارسی انتخابات نشود انقلاب برای تداوم خود تضمینی ندارد" (جمهوری اسلامی ۲۳ دسامه) اما این عامل تضمین تداوم انقلاب، این حقه جدید دیگر کارگزار شد.

"حزب فراگیر" بدست و با افتاد، جلسه بیست و هفتم تشکیل شد و گردانندگانش برای چاره جویی به قم رفتند. حزب که عمده اهرمهای اداری کشور را مستقیم و غیر مستقیم در دست دارد و بیست و هفت کشور که "ریش و قبیحی" را هم بدست خود گرفته است، از زمان دکتر آیت اعلام کرد ممکن است انتخابات بتسویق افتد؛ و همین پیشنهاد در ارتق تلو بیویو - نیش سرتنگا کرد. چنین موقع بکجا سبای از طرف "حزب فراگیر" غیر منتظره نبود. بقول سعدی:

چو افتاد در طاس لفرزنده مور  
رها نشدند تدمیر باید نه زور

قبلا نیزها شمی رفتنجان سرتپرست وزارت کشور گفته بود: "در مناطق نا امن (کردستان و...) مسأ مندوز نمی گذاریم". یعنی حالا کردها به ما رای نمی دهند و از کاندیدای معاهدین خلق بخاطر مواضع مترقیاناش بپشیمان نموده اند، "کوچیده میلیون ایرانی کرد میباد!" همین آقای رفتنجان که کینه کورو مومغیریهایی خصمانه اش علیه نیروهای مترقی را فراموش نکرده است چند روز قبل گفته بود: "بپاره کردن پوسترها کار مردانه ای نیست" (اطلاعات ۱۸ دی) و "فرا موش" کرده بود که حزب ایشان سبنا امروز دست همه متجاوزان به آزادی بیان و قلم را اریست بسته است تا وقتیکه حزب طی یکسال گذشته خود به باره کردن پوسترها مسرداخت هیچ عیب و ایرادی نبود ولی حالا که بیوسترها ی حزب نه سوسله نیروهای مترقی - که کدرت ایشان نیست - بلکه سوسله همیالکی های خودشان بهره شده است، آقای رفتنجان سبنا می آید و با زین قول سعدی:

ببری مال مسلمان و چو مالت سیرند  
با ننگ و فربا دیر آری که مسلمان نیست!

توده ها که مسلمان در از فریب و شیرنگ حکام وقت را خورده اند، امروز بحد کافی تجربه دارند که سر را از زانو سرور، را ست زان از دروغ باز نشاندند و سر اساس آن قفاوت کنند.

کمین کا هیا و سورهای ساواک جان باحتندویا شکنجه و اسارت و منقذات مسلمان درازی را جان خریدند. آقای حبیبی طی آن سالهای سیاه کسه دانشجویان چپ منقسم خارج از کشور، در کسندرا سیون جهانی دانشجویان، در افتا گری، در پرا ه انداختن نظا هرات و مقابلده نیروهای پلیسی فاشیست در آلمان و آمریکا و فرانسه و... سرا زبا نمی شناختند کاری جز خریدن در گوشه ای دنج و احبنا تراشت آثاری با مطلق فلسفی و عرفانی نداشتند. آثاری که (البته بر اساس منافع طبقاتیشان) نه در رژیم شاه، نه جهت مبارزه با امپریالیسم آمریکا، بلکه مشخصاً ضد کمونیسم بود.

● آقای حبیبی برای ادامه تحصیل با استفاده از بورس دولت شاهنشاهی ایران که میبایست دکترا ترقاتی کاربازی شده بود، سه فرانسرفت، البته فرا موش نکسیم کد دران "حجرت" تاریخی! آقای بنی صدر هم به "لطف دوستی عمیق با احسان تراتی" که کسور سزاداده شده است همراه ایشان بود.

● آقای حبیبی ۱۵ سال تمام در پاریس و در شهر خوش آب و هوای سس (جنوب فرانسه) با زن و فرزند اقامت داشت. (اقامتی که امروز ترا نسیمید! و هجرت! می نامند تا دل خلق الله - که سبنا به وظیفه "شرعی" باید بدهد، ایشان را بدیند حساسی برای ایشان کما بود! و در همین سالها بود که انقلابیون از جان گذشته میهن، آنها که می خواستند سهر طریق ممکن در راه رها نشی زحمتکشان و مبارزه با امپریالیسم تلاش کنند و هر چه که در این راه فدا نما سبند به تشکیل هیئت ها و سازمان های مخفی و انقلابی همت گماردند و سرانجام با در زندان ها، میدانهای شهربان کمین کا هیا و سورهای ساواک جان باحتندویا شکنجه و اسارت و منقذات مسلمان درازی را جان خریدند.

ترجمه کتا با فصل الجها ده که اسرایک و زبیر سرخورد! لجزایری در نتیجه فرارشان از مسارزه انقلابی نوشته است و نیز ترجمه کتا بی از یک نظریه - بردار سربا به داری دیگر سنام کیوریچ که وظیفه خود را در با مصلح مبارزه با امپریالیسم دنیا لکتیک خلاصه کرده است، از جمله "خدمات" ایشان به فرهنگ (بخوان فرهنگ خدا انقلاب) است.

● آقای حبیبی اگر هیچ کاری نیز نکرده بود و فقط از نویسندگان همین پیش نویس اول قانون اساسی بود برای نشان دادن درک معکوس ایشان از انقلاب خلقهای ستمدیده ما علیه امپریالیسم و رژیم وابسته شاه خاشن کافی بود. قانون اساسی پیشنهادی آقای حبیبی بدلیل اصول ارتجاعی عقب مانده و ضد انقلابی آن با رها ز سوی نیروهای انقلابی کمونیست و دمکرات خامه ما مورد انتقاد دوسری ترا گرفته که در اینصحا نیاری به اثاره مجدد آن نیست. اما است که آقای حبیبی در آن زمان نتوانست در پاریس آب و هوای قم را استشمام کند و ولایت فقیه را در قانون اساسی اش فرا موش کرد، نمیتوان سبنا او "گناهی" شمرد. سوز و آری لبرال همیشه حاضر است بخاطر منافع طبقاتی خود، بخاطر تمحیق مردم سبنا عقب مانده ترین و ارتجاعی ترین نهادها عقدا اتحاد بسند و امروز این حقیقت در مورد گناهی چون آقای حبیبی معذاق پیدا کرده است، اگر واقعیلاً از "ولایت فقیه" حرفی نمیزد مهم نیست، مهم اینست که امروز به اهمیت آن بی برده تا آن ترمانی برای ترقی خود سبنا زدی، او را به معبوده قله قدرت را همچون بسیاری دیگر از سوز و لبرالها در دانه "ولایت فقیه" بافته است، اما آیا توده های سبنا تمام می بورزو لبرالها و همدستانان اجازه خواهند داد که زمان درازی سرقله سبنا سبنا؟ آنچه را در رابطه با سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا سبنا تقویت سلطه امپریالیسم لازم میدانند به اجرا در آورند؟! ● ● ●

"حزب فراگیر" حالبرک دیگرش را بر زمین زده است، اما این بار میباید نه تنها نام خود بلکه بطور غیر مستقیم از کتر جنسی حمایت نموده است.

با نگاهی کوتاه به زندگی سراسر مبارزه (؟) ایشان تصدیق خواهد کرد که "دیوار دروغ هرگز کوتاه نیست!" در روزنا میبا مداد ۲۵ دسامه از قول "جامعه زنان" انقلاب اسلامی "زندگی نامه او چاپ شده است. منجمله اشکه در آذرماه ۱۳۴۳ سبه فرانسورفت و بدین ترتیب دوران ۱۵ ساله هجرت (؟) و نسیمید (؟) و فرغت (؟) را آغاز کرد. اما حقیقت چیست؟! آقای حبیبی در سالهای ۴۰ - ۴۲ که سرخی فعالیتهای اصلاح طلبانه از نوع جنبه ملی و روحانیت جریان داشت سجوی که هیچ مدعی سبه ایشان وارد سبنا بد، در سرخی نظا هرات جنبه ملی سبنا شرکت میکرد. رابطه گرم ایشان با دکتر احسان تراتی (ابدهولوگ رژیم گذشته و جاعه نشناس مورد اعتماد دستگاه) و همگاری با او در مومسعه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه ادبیات موجب شد که آقای حبیبی برای ادامه تحصیل با استفاده از بورس دولتی شاهنشاهی ایران که میبایست دکترا ترقاتی کاربازی شده بود به فرانسه رود. البته فرا موش نکسیم که در این "هجرت تاریخی" آقای بنی صدر هم به "لطف دوستی عمیق با احسان تراتی" که کتا کسور سزاداده شده است همرا ه ایشان بود. آقای حبیبی ۱۵ سال تمام در پاریس و در شهر خوش آب و هوای سس (جنوب فرانسه) اقامت داشت (اقامتی که امروز آثرا نسیمید! و هجرت! می نامند تا دل خلق الله کسب سبنا که سبنا به "وظیفه شرعی" باید بدهد، ایشان را بدیند حساسی برای ایشان کما بود!

آری در همین سالها بود که انقلابیون از جان گذشته میهن، آنها که میخواستند سهر طریق ممکن در راه رها نشی زحمتکشان و مبارزه با امپریالیسم تلاش کنند و هر چه که در این راه فدا نمایند به تشکیل هیئت های مبارزانه مخفی انقلابی همت گماردند و سرانجام با در زندانها، میدانهای شیر و در



روزنامه انقلاب  
ریاست جمهوری

# "قانون" و "امنیت" از نظر مدنی

● دوستان با اصطلاح انقلابی و مجاهد مدنی یاسا واکمی هستند یا از سرسپردگان رژیم شاه!

کوشش ما در جهت شناختن ماهیت مدنی بعنوان یکی از کاندیداهای اشغال بست ریاست جمهوری، نسل از آنکه بمنظور انشای خفا و یاسا باشد، با هدف اصلی رژیم ضد خلقی ای است که این چنین موجود است. شبکهای، کاندیداهای اشغال بست ریاست جمهوری است. در حقیقت رژیمی که منافعتش با منافع خلقهای ما سازگاری ندارد به چنین افرادی هم برای اداره امور کشور نیا زمندانست. از آنجا که طرفداران و تسلیفان جنبه های مدنی سروری استقرا از حکومت قانون و برقراری امنیت از طرف مدنی زیاد در صدد راه انداختن و خود مدنی همدرمصاحبه های پیش از هر چیز منظور مگر سروری آنها تا کید می کنند در زیر مفهوم امنیت را مورد بررسی قرار داده، تا ببینیم مدنی چگونه "امنیتی" را در نظر دارد.

مدنی این ژنرال ارتش شاهنشاهی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ضمن مصاحبه ای با خبرنگاران، درباره "هدفهایش در صورت اشغال این بست" می گوید:

"به آزادی احترام می گذارم و به هر قیمتی آنرا حفظ می کنم ولی از هرج و مرج گریزان هستم. ما بد قانون سرکنو حکومت کند و امنیت در کشور برقرار شود." (با مداد شماره ۵۸/۱۰/۸) (تا کید از یاسا).

"در یک سرخورداده، واژه "امنیت" واژه خوبی است و در حالت طبیعی همه آنرا دوست دارند. مسلماً توده های مردم به امنیت علاقه دارند و خواهان برقراری آن هستند. اما "امنیت" در واقع یک واژه است و فقط شکل مسئله را بیان می کند. آنچه مهم است، ماهیت و معنی واقعی آن و آن مفهومی است که هر کس از این واژه برداشت می نماید. بی تردید هر نفس و طبقه و فردی مطابق با منافع و نیازمندی هایش این واژه و بسیاری از واژه های دیگر را معنی میکند.

واژه "امنیت" برای توده های تحت تسلط ما که سالها زیر یوغ امپریالیسم جهانی و مخصوص آمریکا قرار داشته اند، یک معنی دارد و برای غارتگران جهانی و نوکران است در ایران معنی دیگری.

شاه مزدور هم ادعا میکرد که رژیم او "امنیت" و "آرامش" را برای مردم ایران فراهم کرده است. اما با حاکمیت بی چون و چواری امپریالیسم آمریکا بر تمام اوضاع اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی کشور ما، سفارت رفتن منابع زیرزمینی و نفت، غارت و استثمار بی حد نیروی کار کارگران و زمینکنان، تبدیل شدن ایران به ژاندارم زلیخ فائز و سرکوب کردن جنبشهای آزادیبخش منطقه، سرکوب هرگونه جدی حق طلبانه کارگران، دهقانان، زمینکنان و... برکردن زندانها از بهترین فرزندان دلبخ و هزاران حنایت دیگر و خلاصه "امنیت آریا دیری" همان امنیتی بود که خلقهای تحت تسلط ماسی خواهند؟

امنیت برای خلقهای ما معنای قطع هرگونه تسلط و نفوذ امپریالیسم از زندگی سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، اخراج مستشاران و کارشناسان کشورهای امپریالیستی، لغو کلیه قراردادهای تحمیلی نظامی، اقتصادی، سیاسی، بخصوص لفسو

فرار دادگستری سوم، ملی کردن کلیه منابع و معادن کشور، ضبط و معادله، کامل سرمایه های امپریالیستی و... می باشد.

مدنی جلاد خسته شنا خواهد آن قطع نفوذ و تسلط امپریالیسم از کشورمان نیست، بلکه در پی تحکیم نفوذ و موقعیت آنها در تمام زمینه های اقتصادی، نظامی، سیاسی... است.

مثلا وقتی شورای کارکنان مبارز شرکت حفاری، سدگود، سد ایران می خواستند دست امپریالیسمهای غارتگر را از شرکت های حفاری قطع کنند و مسازره واقعی و عملی علیه امپریالیسم را در این زمینه تحقیر بجز خود ملی کردن اموال شرکت مذکور، شرکت ملی حفاری را تا سینه نمایند، مدنی در برابر اقدام انقلابی کارگران شرکت ملی نامه ای به سرپرستی عملیات سدگود، سد ایران در تاریخ ۱۷ مهر ماه گوردلان دستور انحلال شورای مادر می فرماید. گوئی شورای بدست شخصی ایشان تشکیل شده که حالا دستور ایشان هم منحل شود.

امنیت برای خلقهای ما عبارت است از آزادی کامل احزاب، اجتماعات، مطبوعات، اعتصابات و... انشای کلیه قراردادهای سری که در طول سلطنت شکنین بیلوی از طرف امپریالیسم به همین مسامحیل شده، سرسخت شناختن حق تعیین سرنوشت برای کسب خلقهای کشور، درهم شکستن کامل ارتش بعنوان یک ارتش ضد خلقی و عامل سلطه و نفوذ امپریالیسم آمریکا و ایجاد یک ارتش خلقی.

مدنی درباره "حق خودمختاری خلقها" میگوید: "من به اسم خودمختاری علاقه ندارم... اما در مورد اداره مناطق باید توجه به آداب و سنن هر منطقه شود و مسلمانی توان تمرکز را چون گذشته حفظ کرد و مثلا کسی در اینجا بشنید و برای جنوب تصمیم بگیرد." (با مداد شماره ۵۸).

او با خردی تمام درباره "مفهوم خودمختاری خود را ابداً و کبودن نشان میدهد. گوئی که تمام این ساراز و جنگ و خوربیزی در خوزستان، کردستان، ترکمن صحرا و... فقط و فقط برای یک "اع" است که آنها هم "خودمختاری" است.

مدنی چون همبالمکبهای دیگرش در ریوس فروهر ضایعانه و سخا بی که اکنون در گوشه دیگری از میهن مان (در کردستان قهرمان) مشغول توطئه چینی و ایجاد تفرقه و شکاف بین خلق کردها هستند، مقبول "خودمختاری" را تا حدیک عدم تمرکز ناده و واگذاری کار استا آنها به استا آنها و بقول رژیم حاکم "خودگردانی" با شین می آورد.

در زمینه "ارتش، مدنی (این ژنرال کدیو) های سرسپردگی به امپریالیسم را در ارتش شاهنشاهی گذرانده) با تمام قوا علیه مسازره برسنل انقلابی توطئه چینی میکند. مثلا در لنگر ۹۲ رهگی و نیروی دریایی که تحت فرماندهی او است، در برابر خواستهای انقلابی برسنل، اقدام به تحکیم و تسلط ضد خلقی و سرقراری "اطاعت کورکورانه" کرده و دست به اخراج و دستگیری برسنل انقلابی، از جمله سرگرد مسازر "پرویز شاعر" ۱۷ نفر دیگر میزند.

همچنین امنیت برای خلقهای ما بمعنای تا بین

شغلی، آموزش، سمنه و بهداشت رایگان برای افراد جامعه، جهل ساعت کار در هفته، تا مسین کار میسکن برای کارگران و زمینکنان، نفعی ادارات و موسسات از عناصر با واکمی و عوامل مزدور وابسته به رژیم شاهنشاهی، ملی کردن تمام زمینهای سرسبز و تفرار گرفتن آن ذرا خستاردهقانان و... میباشد.

امنیت واقعی برای خلقهای محروم و تحت تسلط کشور ما که سالها مورد غارت و هجوم و استثمار امپریالیسم جهانی است، امنیت است. آزادی واقعی میهن ما است.

مدنی نه تنها عدالت به اخراج و تطفیه عنا مسر سا واکمی و عوامل مزدور وابسته به رژیم سابق نمیزند بلکه از آنها بعنوان مشاورین خود در اعلا برترین سطوح استفاده میکند. جالب است که مدنی از این افراد مزدور استا انقلابی و مجاهد هم بادی کند. وی در مصاحبه ای با روزنامه "جمهوری اسلامی" (۱۶ مرداد ماه ۵۸) درباره "همکاریش میگوید: "ما کسان را به کار دعوت کردیم که در این کشور نپسند... ما فقط دنبال انقلابی و مجاهد هستیم... اکنون چند نفر از همکاران انقلابی و "مجاهد" مدنی و عوامل سرسپرده "رژیم مزدور شاه را بنام معرفی می کنیم: **دوستان آقای مدنی!**

۱ - حمدالله آصفی (معاون مدنی) همدست سرسپ رزمی عامل کشتار فجع سینما رکن آبادان!

۲ - هاشمی، (مشاور حقوقی تبسما رمدنی)، دادستان خونخوار استا مرکزی در زمان دولت نظامی از هاری

۳ - توکل ساکت (معاون مدنی در امور سدگی شکبات)، مزدوری که از طرف شاه خاشن مدال "سرسپردگی" دریافت کرده است.

۴ - شیخ کریمی روحانی شروستند و مرتجعی که از طرف مدنی به سرپرستی قانون به اصطلاح "فرهنگی" اسلامی "اعراب منصوب شد، کاتونی که در ایجاد تفرقه بین محسومین کارگران غرب و ساویس نقش مهمی ایفا کرده است.

این شیخ مزدور که از طرف حزب جمهوری اسلامی کاندید نمایندگی مجلس خبرگان شد، یکی از مداحان شاه خاشن میباید که در کتایش تحت عنوان "تبسج الفکر" تبساست جشن تولد شاه و خوش آمدوی "برت و بلاهای زیادی گفته است.

۵ - شیخ میا مزعه (روحانی سا واکمی) یکی دیگر از دوستان "پاک" و انقلابی "مدنی است! هم ایشان هستند که از طرفی ما مورخلع سلاح دشت آزادگان میشوند.

(اسناد مربوط به این دوستان با اصطلاح انقلابی و مجاهد تبسما رمدنی را در پیکار شماره ۳۲ ملاحظه کنید.)  
بنا بر این با توجه به آنچه گفتیم و با همین نگاه مخنصر و گذرا به کارنامه سباه مدنی بخوبی درمی یابیم که "امنیت" و "نظم" که او وعده میدهد چه ماهیت و معنای دارد. این "نظم" و "امنیت" چیزی جز نظم سرمایه داران و استوا امپریالیسمهای غارتگر است منظور از این شرایط هر چه بیشتر برای غارت و استثمار روجبا و بیشتر و بیشتر توندهای تحت تسلط باشد در صفحه ۱۱

ستارگی دانشجویان و دانشموران هوادار ما را من مقاله های را که در چند شماره پیکار در باره مدنی درج شده است بصورت کتابی تحت عنوان "مدنی کیست؟" منتشر کرده اند.



# در حاشیه انتخابات ریاست جمهوری

تب و تاب انتخابات ریاست جمهوری اوج می - گیرد. فضای کارزار انتخابات آکنده ز کشمکشها و درگیریهاست. کشمکشهایی که از یکجنا همسای ارتجاعی هیئت حاکمه را در برابر آندسته از نیروهای مترقی که جماعت آرزوگاندیدای سازمان مجاهدین خلق - مسعود رجوی - برخاسته اند، قرار میدهد و از سوی دیگر جناحهای درونی قدرتها ی حاکم را بسطه رقابت سختی با یکدیگر و داشته است. حزب جمهوری اسلامی که هنوز سمنها به قدرتمندترین نیروی سیاسی ضد انقلاب در کارزار انتخابات بشمار میرسد امروز رسوا تر از آنست که بتواند آسانی همچون انتخابات مجلس خبرگان گاندیدای خود را با فتوای روحانیون بکوسی نشانند. از این جهت از انتخاب یک کاندیدای مورد اطمینان که بتواند در جارجوب اهل ارتجاعی ولایت فقیه و نانون اساسی عدلخلقی توده ها را حول اهداف خود بسیج نماید بسختی درمانده است. علاوه بر حزب شیاد و عوام مغریب جمهوری اسلامی، نیمسارمدنی یک پای دیکر صحنه کارزار است وی میگوید داد و عده "نظم و امنیت" (جیزی که بیش از همه مطلوب بورژوازی است) با یکا خود را در بین آنان که از باصلاح هرج ومرج موجود خسته شده اند، تحکیم نماید. بیشتر سر طرفداران او را حامیان و وابستگان رژیم گذشته سرمایه داران و ارتشی هاست که می دهند. بنی مدرد همان چارچوب قانون اساسی، اصل ولایت فقیه و حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی به روشی دیگر عمل مینماید. روش اوسنوان ثنورسین جمهوری اسلامی و سمنها به یک لیبیرال "عائل" و "دوران دیش" مبتنی بر فرسرم و اطلاعات لیبیرالی برای فرو نشانندن بحرانهای عمیق سیاسی - اقتصادی جا معیاست. قطب زاده ایمن سی هیت ترین گاندیدای ریاست جمهوری بدون آن که برنامهای ارائه دهد، پشتوانه خود را بر مبنای مدح و ستای جالبوسا نه و سراپا مزورانه "امام" قرار داده است. در این میان هیئت حاکمه میکوشد جنبه انقلاب و قطب نیروهای مترقی را بخیال خود بسا سی اعتبار ساختن مسعود رجوی از صحنه رقابت دور سازد. مرتجعینی چون غفاری به بهیانه اینکسه سازمان مجاهدین از دادن رای به قانون اساسی امتناع کرده، توده های مردم را بشدت علیه رججوی تحریک میکنند و اینک با اعلام رسمی این امر از طرف خمینی، کنار رفتن مسعود رجوی قطعیست می یابد.

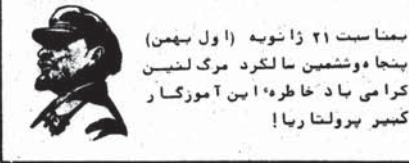
در این میان یک سئوال برای کمونیستها و نیروهای انقلابی که نسبت به ما هیئت عدلخلقی رژیم توم ندارند منظرحت و آن چگونگی تاکتیک و سیاست صحیح در عرصه "مبارزات انتخاباتی" است آیا بصرف اینکه برنامهای ارائه شده از سوی سازمان مجاهدین برنامهای دمکراتیک و مترقیانه است و حول آن نوعی قطب بندی میان نیروهای ارتجاعی و مترقی صورت گرفته میتوان در این انتخابات شرکت نمود؟ بنظر ما پاسخ منفی است. در واقع جنبه بندی نیروهای مترقی و انقلابی در این جریان حول موضوع کاندیدی صورت گرفته که مکان تحقق و مآدیت بافتن آن برای نیروهای دمکرات مغراست چرا که آنها در چارچوب یک سیستم عدلخلقی و در حیطه بسک رژیم ما هیئت بورژوازی و ضد انقلابی عمل میکنند

که بدون هیچ تردیدی اجازه نخواهد داد فردی چون رجوی در اسعالبترین ارگان اجرائی شیش قرار گیرد. رژیم جمهوری اسلامی که ادامه محبات خود را حتی با طرح وسیع شعارها و برنامهای مترقیانه نیروهای دمکرات علیرغم تمام کجریاها و توهمات لیبیرالیها ن در خطرسی بینند، مسلماً کمترین سرما زکاری با قطب مخالفین نشان نداده و نمیدهد. عملا می بینیم که با اعمال محدودیتهای ضد انقلابی و ضد دمکراتیک رژیم کمونیستها اولاً مکان شرکت در این انتخابات را نیافتاده اند و حتی امکان تبلیغ برنامگان گاندیدای مجاهدین خلق در رادیو تلویزیون از وی سلب گشته است و علاوه بنظر میرسد که وی اکنون مجبور به ترک صحنه باشد. در چنین شرایطی که ما به اصل ارتجاعی ولایت فقیه و قوانین ضد انقلابی رژیم بر فضای انتخابات بشدت سنگینی میکند و کمترین و کوچکترین اصول دمکراسی نیز به هربهانه ای وسادگی به زیر پا گذاشته میشود، شرکت در انتخابات ریاست جمهوری چه معنایی دارد جز دادن زدن به توم مردم نسبت به رژیم و جلوگیری از حدت مبارزه طبقاتی و در عمل کمک به مضمون نگاه داشتن آن از توفان جریانهایی انقلابی؟ شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در چارچوب حاکمیت رژیمی که حافظ و پیا سدا رمناسبات سرمایه داری وابسته است، با وجود قوانین محدودکننده ضد انقلابی و ضد دمکراتیکی که بر سراسر فضای انتخابات حاکم گردیده است و با توجه به اینکه شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در این شرایط معنی ندارد. عمل این مفهوم را اغلب میکنند که گوئی هنوز میتوان با رژیم از در سازگاری درآمد. رژیمی که ما تلاش آن سرکوب هر چه بیشتر

جنبش انقلابی توده ها و بر محور رودرروشی مبارزات انقلابی مردم و تمام نیروهای رادیکال جامعه قرار گرفته چگونه مجاز میسر در نیروهای دمکرات بقدرت رسند و بغرض محال که بهیئت ریاست جمهوری را اشغال کرده و برنامهای خود را عملی سازند. شعارهای مترقیانه مجاهدین، (که البته از نظر کمونیستها دارای ابعاد دیگر است) وسیعتر و عمیقتری است (تظریه سیردن قدرت بدست شوراهای مردمی، تحقق بخشیدن به خواسته های خلق کرد و ... در اصل و ثابده علیرغم خواست مجاهدین یعنی نفی حاکمیت رژیم و طبیعتاً هیئت حاکمه حتی از طرح وسیع این شعارها به شکلگی که بتواند جلوگیری مینماید. در چنین شرایطی شرکت در انتخابات ارگانهای اجرائی رژیم تنها یک مئی و تاکتیک رفرمیستی و اصلاح طلبانه ارزیابی خواهد شد.

میلم است که عدم شرکت ما در این انتخابات بهیچوجه بمعنی رد کردن شعارهای مترقیانه ای که از جانب مجاهدین داده میشود نیست، بلکه ما از این شعارها بنظر مشروط پشتیبانی میکنیم. بدین معنی که ما بنظر مثال از شعارهای حق شعبین سرسخت، برابری زن و مرد و بهبود زندگی کارگران و دهقانان و ... همه و همه پشتیبانی میکنیم. اما ما محتوایی که خود آنرا قبول داریم و با شعارها آنرا در برنامهای حداقل کمونیستها در جمهوری دمکراتیک خلق توضیح داده ایم و طبیعتاً است که استنباط ما از این شعارها با استنباط مجاهدین فرق دارد. همانطور که در کردستان دیدیم. مجاهدین عملاً در سورش و تهاجم هیئت حاکمه به کردستان سکوت کردند و آنرا بعنوان یک تاکتیک ثنورسینه نیز کردند. در حالیکه تاکتیک ما پشتیبانی فعال از خلق کرد و خواسته های بحق آنان یعنی پشتیبانی و مبارزه برای خود - مختاری واقعی بود.

نگذاریم که بر محال بالاتر (زندانیان) برسد. در پایان با جوجوشی می خواستند از کارگران تعهدی بگیرند یعنی بر اینکه به کارخانجات دیگر کاری نداشته باشند. که یکی از کارگران دستگیر شده گفته بودند زمانی که در کارخانه ها زورگوئی و استعمار وجود دارد ما هم در کارخانجات دیگر خوا هیتر چید. همه کارخانه ها را ما هم کارگران بسرا دران و خواهان ما هستند. هنگامیکه نامی برای سرکوبی ما از پاسداران کمک میکشند در اینجا با شد و با کوچک ترین حرکتی اسلحه را بر روی کارگران بگیرند چگونه ما از کارگران دیگر کمک نخواهیم. در اینجا بود که ما دوستان و دشمنان خود را بخوبی شناختیم و دیدیم که عمال کارفرما ما مثل کمیته حاج موسوی چگونه با زدن تهمت هایی از قبیل بی غیرت، اخلاکگرو خدا انقلاب سعی دارند دوستان ما را از ما دور کنند. ما کارگران در مدت کوتاه در بزرخوردها - یمن با مراجع دولتی و کمیته ها تاجار بزیادی را آموختیم که برای آموختن آنها به ما لیا وقت احتیاج بود. فهمیدیم که مبارزه مثل یک مسابقه است که در یک طرف ما کارگران هستیم که تنها اتحاد ما بسرا داریم و در طرف دیگر سرمایه داران و حامیان نشان قرار دارند. در این مسابقه حرف ( سرمایه داران منتظر تفرقه، سستی و ضعف در بین ما کارگران هستند و کوشش میکنند که به شکل و لیباسی در میان ما رخنه کنند و تفرقه بیندازند، زیرا بخوبی در - یافته اند که تنها راه پیروزی ما اتحادمان است.



بمناسبت ۲۱ ژانویه (اول بهمن) پنجاه و ششمین سالگرد مرگ لنین کرامی باد! خاطره ای از آموزگار کبیر پرولتاریا!

بقیه از صفحه ۸  
در کارخانه دوزنگی ...  
که برای کمک به ما آمده بودند دستگیر کردند. ما که شرافت کارگریمان به اجازه نمیدهد که به پشتیبانیم و شادان ما هم در زورگوئی رژیم سابق با شیم خالگر هستیم. ما کارگران هم که این فحاشیهای عوام منسل خود فروخته را نمی توانستیم تحمل کنیم یک صدا فریاد می کشیدیم که شما نمی پندگن ما کارگران را کروگان گرفته اند و ما اگر بخوانیم میتوانیم ۴۰ هزار کارگر را برای آزاد کردن برادرانمان به اینجا بیاوریم. شما ما شند رژیم سابق عمل میکنید و طرفداران کارفرما هستید، اگر نمی تید، چرا به کارفرما و کسانیکه ما از آنها شکی هستیم کاری ندارید و در عوض کسانیکه برای همیشه کمک به ما آمده اند، دستگیری کنید. در اینجا یکی از پاسداران گفت برای من کاری ندارده ۴۰ هزار نفر هم ما شید. ما شتان رنجک بین شما می اندازیم. بالاخره ما شتر فشا رو اعتراض شید ما حدود ساعت ۱۲ شب کروگان ها را که پاسداران قسم می خوردند آنجا نداشتند پس از آنها با جوجوشی بفرما و آگاه از آمدن و بدو بقولسی





مارکسیسم و روبریونیسم، بین راه سوسیالیستی وارد سرمایه‌داری وجود ندارد هدف آنست که تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا، ادامه انقلاب و مسخ انقلابی بوده. ها و در عین حال رشد تولید و افتصاد، بلکه برعکس ضربه قاطعی وارد آوردن بر بدستاوردها و بنیادهای سوسیالیستی و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا و "رشد نیروهای مولده" میباید شود بدین لحاظ از زاویه خط منتهی روبریونیستی - کمپرا دوری اش، تضمین کننده این "رشد" چرا سرمایه‌داری و امپریالیسم

### چین: سرکوب و سرمایه

مضامین این قانون استقلال از "تدای آزادی" (۱۸ تیر ۵۸) می آوریم .

"... شرکتیای معظم غریبی ارقبیل کمیایی - های نفتی، ساختمانی، و صنایع نساجی ماهیاریش در انتظار قانون مرزور که سوسوله کنگره ملی خلق تصویب شد، بودند. قانون جدید تا مشمل سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های دولتی، هفتلیا، آپارتمانها، کارخانه‌ها و جاهای دیگر نفت می - کرده .

این قانون حداقل سرمایه‌گذاری را ۲۵٪ برای حداکثر محدودیتی نگذاشته است. مدیر - بت هر شرکت مشترک غریبی - جینی باید در دست جینی ها باشد. البته معافان و نا باقیمان میخوانند. چارجی باید باشد. این قانون - سرمایه‌گذاران خارجی اجازه خارج کردن سود را میدهد، بشرطیکه در اختلافات احتمالی مالی حکمیت بشرط صحیح انجام گیرد. شرکت مختلط میتواند برای دوما سال اول سرمایه‌گذاری تقاضای معافیت مالیاتی نکند. علاوه هر شرکت غریبی که سود حاصله را در خود جین سرمایه گذاری کند، از تخفیف‌های مالیاتی برخوردار می گردد. در رابطه با سرمایه‌گذاران مختلط دوما سه تشکیل خواهند یافت یکی سهام "کمیسیون کنترل سرمایه‌گذاران چارجی" که اجازه نامها درخواهد کرد و دیگری سهام "شرکت سرمایه‌گذاری بین المللی چین" که استفاده از سرمایه و تکنولوژی غرب در چین را هماهنگ خواهد نمود .

دن سیا شویینگ روبریونیست میگفت: رنگ گریه مهم نیست، گریه خوب آنست که بتواند موشها را بگیرد. (بمنقل اخیرنا میهن کن ۷ ژوئن ۷۶) برای او که فلسفه گرنش و انقیاد در برابر سرمایه‌داری - لیسم را راهنمای عملش قرار داده، تقاضای بیسن

جندی پیش بود که خبرگزاریها اعلام کردند "دیوار دمکراسی" در چین برپیده شد. چرا؟ زیرا از نقطه نظر رهبران خیانگتاک روبریونیست خاکم سرحزب و دولت چین وجود "دیوار دمکراسی" مبین "لیبرالیسم" و "انارشیزم" بوده است و بعلاوه "عده‌ای تحت عنوان مخالفان سیاسی" از این موقعیت استفاده کرده بیک سری "تحریکات ضد انقلابی" روی می آورده اند (نشریه چینی "روزنامه رانگ" ۲۳ و ۲۴ نوامبر ۷۹).

پس از غلبه روبریونیسم دن سیا شویینگ - هوا کونگتک حملات همه‌جانبه‌ای علیه دستاوردهای انقلاب سوسیالیسم در چین فرود آمده و روبریونیست - های در قدرت شتابان در راه سرمایه‌داری به پیش می روند. آنان که دیکتاتوری پرولتاریا را سدی در برابر اهداف ضد انقلابی - پرولتاریائی خود میبافتنند پس از حاکمیت یافتن در عرصه‌های گوناگون سیاسی ایدئولوژیک و اقتصادی با سرعتهای خارق العاده کوشش در جهت تحکیم و گسترش مناسبات پرولتاریائی نمودند و در این راه به سرکوب پرولتاریا و توده‌ها بلند شدند. برچیدن "دیوار چین" نمونه کوچیک ولی با رزی از حرکت ضد انقلابی و سرکوبگرانه روبریونیست کنونی در جهت تحکیم دیکتاتوری پرولتاریائی میباید بود و بنا بر این طبیعی است که از نقطه نظر روبریونیستها "دیوار دمکراسی" که محلی برای ابراز عقاید توده‌ها و برخورد اندیشه‌های انقلابی بود در دوره اخیر با مکانی جهت مبارزه توده‌های آگاه علیه روبریونیستهای حاکم و اعمال ارتجاعی آنان تبدیل شده بود برپیده گردد و بسا از طبیعی است که از دیدگاه‌ها خائنین به طبقه کارگر حرکت انقلابی و مبارزاتی توده‌ها "انارشیزم" تلقی شود و توده‌های انقلابی "ضد انقلابی" معرفی گردند. این منطبق طبقه‌ای روبریونیستها میباید بود و چرا بیسن انتظاری نمیتوان داشت .

روبریونیستهای چینی پس از آنکه مدتی که به قدرت رسیدند، با بیان "انقلاب فرهنگی" را اعلام کرده و مطرح ساختند که از این پس عرصه مبارزه طبقه‌ای محور فعالیت‌ها نمی باشد. اینان که طرفدار ارتجاعی "رشد نیروهای مولده" هستند در پی آنند تا با انکار سرمایه‌داری امپریالیستی، و صنایع خارجی از چین یک "کشور مدرن" بسازند. در واقع آنان سرکوب انقلاب را تضمین کننده رشد سرمایه‌داری می - نمایند .

بر اساس خبرگزاری چینی نوچندی پیش "سرمایه‌گذاری کشورهای خارجی" تصویب و انتشار پیدا نمود. انتشار این قانون که برپا به‌ما زش اخیر رهبران یک با امپریالیسم آمریکا مبتنی بر اعطای امتیازات اقتصادی خاص به چین از طرف آمریکا استوار است، خیانت دیگری بود که روبریونیستها بدان اقدام ورزیدند. زیرا این قانون نه تنها مبنی حرکت تیریمی با زکشت سرمایه‌داری در چین است، بلکه بعلاوه جهت هدند مگانیمی است که به انقیاد ملی می انجامد. ما در اینجا به راه‌های از

نمیشد؟  
در یک کشور سوسیالیستی هنوز طبقات، آثار و بقایای مناسبات اجتماعی - تولیدی کهن و عناصر سرمایه‌داری که هر لحظه سرمایه‌داری را بوجود می - آورند وجود دارند. در چنین جا معادلی مسئله اساسی کدام است؟ مسئله‌های اینست که به انکسار دیکتاتوری پرولتاریا و با تکیه بر منتهی پرولتاریا - شی، طبقات، آثار و بقایای مناسبات کهن را پیش از پیش محدود کرده و بسیمت نابودی کامل سوق داد. امروز بدینال استقلال روبریونیسم در چین آنچه که در این کشور صورت میگیرد کوشش در گسترش خارق العاده مناسبات روستائی و زیربنائی سرمایه‌داری میباید .

در شرایط کنونی برای روبریونیستهای چینی امپریالیستهای غریبی گریه‌های خوبی" هستند که بتوانند "موشها" را بگیرند، امپریالیستها به‌ما زار بگیرند چشم‌دوخته اند و روبریونیستها جا ده‌ها فکن آنها نند. بنحوی که در سال جدید رقم واردات تکنو - لوژی و تجهیزات صنعتی دولت چین از خارج بمیزان سه برابر سال قبل یعنی ۳۳/۶ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. ولی روشن است که میکانیسم تخریب بنیادین توده‌های اقتصاد سوسیالیستی نمیتواند به مشکلات و بحران اقتصادی نیا نجامد، بطوریکه در سال گذشته چین مبلغ ۱/۲۰۰ میلیارد دلار کمتری تراز برداشت در زمینه‌های زرگانی خارجی داشته‌و این کمتری تراز برداشت در سال جاری مسیحی مبلغ ۳/۵ میلیارد دلار بیش بینی شده است. (ارقام از نشریه "هفتگی آزادی - ۲۰ تیر ۵۸)

آری، روبریونیستهای توطئه‌گرو خیانگتاک در راه تحکیم دیکتاتوری تمام عیار پرولتاریائی خوب چین را به سقوط هولناکی سوق میدهند. ولی اینست سقوط، سقوط خودآنان نیز خواهد بود. روبریونیست - ها مذبوحانه میکوشند تا مبارزه طبقاتی را به دست "فرا موشی" بسپارند، ولی پرولتاریا و توده‌ها تنها چیزی را که فراموش نخواهند کرد مبارزه طبقاتی علیه دشمنان طبقه‌تشان میباید .

کارگران به تضمین خودا مه دهند و نظر دوم این بود که تضمین را می‌تکنیم و فردا نمایندگان می‌آیند تا مکان را تحویل بگیرند. نما بنده‌ای که نظر دوم را داشت به خاطر اختلافاتش با نما بنده دیگر در حضور اعضای شورای شهر به‌ما گفت: شوکارگان را تحریک کرده و به اینجا آوردی. که این مسئله باعث تشنجت و پراکنندگی در بین کارگران گردید. اکثریت کارگران عمل نما بنده، مزبور را تصحیح نمودند. عمل نما بنده فوق‌تا بت‌گذریدند از بیاد کارگران دلزده و دل‌سردیها نه‌ها پیشا ن پروند و بدین ترتیب تضمین در عرصه‌ها ن روز نگشته‌ند. شب همان روز یکی از نمایندگان را دستگیر می‌کنند و بعد از ۴ روز که می‌دارند که در اثر تضمین مجدداً کارگران آزاد می‌کنند

بقیه از صفحه ۳ - مبارزه کارگران ...  
یکی از نمایندگان گفت: ما ۷۰ نفر از کارگران ایران بیزنت برای جلوگیری از اخراج ۱۰ نفر از رفقایمان متحصن شده‌ایم. پس از آن یکی از نمایندگان کارگران بیکار رهبران اعلام همبستگی نمود. چون فرماندار در محل کارش نبود و بعد از ظهر چند روحانی از طرف شورای شهروان نیت مبارز کرج به فرمانداری آمدند.  
آنها طی صورت جلسه‌ای قول دادند که مکانی در اختیار کارگران قرار دهند و قرا رشد که روز بعد فرمانداران هم صورت جلسه فوق را امضا کنند. بسین نمایندگان کارگران در نظر وجود داشت. نظر اول این بود که تا گرفتن مکان و آزادی بک از رفقایشان





## ریشه‌های بحران مسکن در ایران - قسمت آخر -

زیر محل‌ها را در نقاط مسکونی با حروف مشخص کرده ایم. قبلاً در این محله یک کوره آجرپزی بوده که تعدادی هم‌خانه برای سکونت کارگران ساخته اند تا بهتر بتوانند آنها را اسکنما رکند. (کاری که در نما مگوره‌ها مرسوم است) بعد این کوره جمع شد خانه‌ها باقی مانده (در شکل با حرف "ب" مشخص شده است). این خانه‌ها با خشت ساخته شده و بدون حیاط بوده است که اخیراً بعد از ناسان مردم بسیار



و جراتی که پیدا کرده اند، دیواری هم کشیده اند و بدین ترتیب حیاطی نیز برای خود دست و پا کرده اند این خانه‌ها (یعنی خانه‌های ناحیه "ب") دارای سند مالکیت نیستند چون جزء ملک کوره‌بخانه حاجی جلالی بوده، عمده‌ای از ساکنین فعلی همان کارگران سابق کوره‌بخانه جلالی بوده اند و عمده‌ای هم از فامیل‌ها و دیگر افراد که بعداً با طرح جانی و یا ارزان بودن آن (چون قبلاً نداشت) آمدند و ساکن شدند. ولی هیچگاه از جماعت سرکوب حاجی جلالی صاحب کوره‌بخانه و وراثت‌اش و نیز پوزش سولدوزو ماشین‌شهرداری در امان نیستند. خانه‌های ناحیه "ب" توالت ندارند. حتی مردم خواهند چند توالت عمومی بسازند (قبلاً از قیام)، ماشین‌شهرداری آمد و با تهدید و فحش آنها را خراب کرد. چند بار حاجی فرج پسر صاحب کوره‌بخانه با بولدوزر شهرداری آمد که محمد آقا کارگر سابق کوره‌بخانه را - که عمری زندگی‌های کوره‌ها تلف شده بود - خواست چند تا آجر برای هم بگذارد و یک نیم‌چند دیواری بسازد - مورد آزار قرار داد و دیوار را بر سرش خراب کند.

همانطور که گفتیم در این محله آب لوله‌کشی ندارند. تا قبل از قیام برق هم ندا شدند و تا گیمها از سیم‌خیزان قاچاقی! برق کشیده اند. در محل اسفالت وجود ندارد. از پارک عمومی، کتابخانه و... خبری نیست. اطراف خانه‌ها را کارگاه‌های سنگبری، بلورسازی، ریخته‌گری و... انبارهای

نده بود و اکثر خانه‌ها همان ابتدا به تعدادی از حاجی‌های بازار و اقدار شده بود (مثلاً هر حاجی ۱۰ خانه خریده بود).

همانطوریکه در بالا اشاره شد ابتدا خانه‌ها به صورت خانه‌های حیاط دار ساخته می‌شد ولی بعد از مقداری ساختن سازی، شروع به ساختن آپارتمان در همان شهرک کردند. آپارتمان‌ها ۳ طبقه ساخته شده که هر طبقه ۲ و ۳ اتاق دارد و حدوداً مساحت زیربسی آن‌ها با مساحت زیربسی خانه‌های حیاط دار مساوی است و مساحت زیربسی خانه‌ها بطور متوسط ۶۰ الی ۷۰ متر مربع است و این خانه‌ها به صورت سری ساخته شده و روی این حساب کل شهرک دولت آباد به پنج سری تقسیم شده که بنا به قدمت ساختن خانه‌های سری اول و دوم... نام گذاری شده است. اکثر کسانی که در این شهرک زندگی میکنند از لحاظ طبقاتی خرده‌بورژوازی متوسط و پائین میباشند. چرا که کارگران کمتر قادرند پیش قسط و بعداً قیمت گران خانه‌ها را بپردازند. ولی از آنجا که تعدادی از این خانه‌ها بعد از خریداری توسط اشخاص به اجاره داده می‌شود، تعدادی کارگر که قادر به اجاره خانه در شهر نبودند (چون بهای اجاره در شهر گرانتر از شهرک است) توانستند در اینجا با اجاره در این شهرک زندگی کنند و همچنین تعدادی از خانه‌ها به کارمندان دولت از طریق وزارت خانه‌ها و ادارات واگذار گردید.

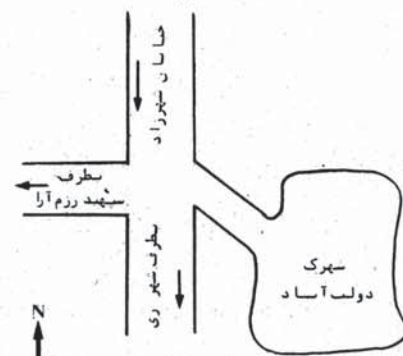
تعداد اشخاصی که در این خانه‌ها زندگی میکنند بطور متوسط ۷ نفر برای هر واحد مسکونی است. البته در اطراف این شهرک محله‌های قدیمی دیگری وجود دارد که اکثر این محله‌ها از داشتن آب لوله‌کشی محرومند و آب آشامیدنی اهالی از طریق فشارتأمین میشود. از جمله این محله‌ها میتوان از محله‌های قلعه دولت آباد و بالا قلعه دولت آباد (اطراف این محله‌ها تعدادی محله‌های جا در نشینی و زانغ نشینی نیز وجود دارد)، محله مفا شیه، سرپل سیمان، باروت کوبی، کارخانه سیمان، چشمه محلی و... نام برد. البته تعداد خانواده‌های کارگری که در این محله‌ها زندگی میکنند به علت شرایط خاص آن محلات از تعداد خانواده‌های کارگری ساکن در دولت آباد بیشتر است.

### گزارشی از وضع مسکن در محله بالا قلعه دولت آباد

به سراغ یکی از محلات دولت آباد - محله بالا قلعه دولت آباد - می‌رویم تا وضع مسکن زحمتکشان را دقیق‌تر بررسی کنیم. محله بالا قلعه دولت آباد محله کوچکی است که قسمت عمده خانه‌های آن، اتاق‌های مسکونی کارگران کوره‌بخانه سابق بوده و تعداد کمی هم خانه‌های با سند مالکیت و تعدادی آلونک نشین که قبلاً جا در نشین بودند که عشا پربوده و اهل محل به آنها "گولی" می‌گویند. طبق کروکی

در قسمت‌های اول و دوم این مقاله ما وضعیت بحران مسکن را از روی آمار و ارقام مورد بررسی قرار دادیم. در پایان این مقاله می‌توانیم که سوره‌های عسی، مسئله و اهمیت آن را در زندگی زحمتکشان ببینیم. برای این منظور کارگران زیر را که در باره شهرک دولت آباد دو یکی از محلات آن - محله بالا قلعه دولت آباد - می‌باید توسط رفقای هوا - در سازمان تهیه شده، مسرماً زیم.

### گزارشی از شهرک دولت آباد



موقعیت شهرک دولت آباد که خود قسمتی از کل محله دولت آباد سابق می‌باشد، در نقشه بالا مشخص شده است. از حدود سالهای ۱۳۲۸ اقدام به عملیات ساختن این شهرک شده است، که تا کنون نیز ادامه دارد. این شهرک عمدتاً متعلق به شخصی بنام حاج محمدی می‌باشد که با استفاده از نفوذنا هیور غلام‌رضا و با همدستی او اقدام به ساختن آن کرده است و چون در هنگام ساختن، شهرک در خارج محدوده واقع بوده و ساختن آن نیز در خارج محدوده ممنوع بوده، ابتدا خانه‌ها بصورت حیاط دار ساخته شدند با ۲ و ۳ و ۴ - به مساحت‌های تقریبی ۹۰ و ۱۲۰ و ۱۵۰ متر - مربع برای کسانی که میخواهند خانه‌ها را از خود شرکت بخرند قیمت خانه‌ها حدود ۳۵ - ۴۰ هزار تومان بوده چون به اسم اینکه این خانه‌ها برای خانواده‌های کم‌درآمد ساخته شده بود قرار بود که مقداری از آن نفیاً و بقیه بصورت قسطی پرداخت گردد، ولی تعداد خانواده‌هایی که به این صورت خانه‌ها را خریداری کردند خیلی کم بود و بلافاصله پس از آن خانه‌ها بصورت دلالی بفروش رسید و روز بروز قیمت خانه‌ها افزوده شد، بطوریکه دیگر شرکت خانه‌های کمی نمی‌فروخت و چنانچه کسی می‌خواست از شرکت خانه بخرد باید مقدار زیادی پول پیش پرداخت می‌کرد و حدود یک الی دو سال به انتظار می‌نشست. بدین ترتیب بورس - بازی خانه‌ها افزایش یافت تا اینکه در سال ۵۵ قیمت خانه‌ها بطور متوسط تا ۳۰۰ هزار تومان رسید! و این در حالی بود که خرید خانه‌ها از حدود سال ۵۲ شروع

**داشتن مسکن ، حق مسلم زحمتکشان است**



آهن آلات محاصره کرده است که فقط از این کارگاه - های تولیدی متعلق به خرده بورژوازی مرفه و بورژوازی متوسط، نصیب زمینگان محل یعنی ساکنین همین خانه ها، کردوخاک و سروصدای زیاد و محیط غیربهداشتی و کثیف می شود و زمستان هم سلاب و گل و ل.



شایع کرده بودند که این خانه ها "عصبی" است و نماز و روزه شان درست نیست!

شغل افراد کن در این خانه ها، کارگری چرم - سازی، آلومینیم سازی، بلور سازی، راننده وانست، کارمند ادارات دولتی (نکبهان)، سرکارگراختعانی، سیکار و... است که میتوان گفت عده ای از آنها کارگرا راننده های عده ای جزو خرده بورژوازی



با نین هستند. اغلب حاضر سید سون محبط و محدود بودن و دور بودن از مراکز تحریک شهرداری فرهنگ و آگاهی سیاسی و اجتماعی با نینی هستند. چند نفر از افراد این ناحیه در منطقه اطراف کارخانه سیمان زمین خریده اند که الان به مخممه فناده اند. این خانه ها آب ندارند تا قبل از قیام مهربی نداشت، تا بحال توالت نداشتند و بعضی ها هم هنوز نداشتند (خیرا بعضی هایک توالت مقدما تمی درست کرده اند). از اسفالت و درختکاری نیز اثری نیست.

ناحیه "ج" - این ناحیه که حدود ۱۴ خانوار دارد، تنها ناحیه ای است که خانه ها دارای قبالبه است و در ساختمان آنها سیمان و آجر و آهن بکار رفته و مرتب تراست و حتی بعضی شان حمام دارند. از این ۱۴ خانه، ۴ تا شان مستاجر هستند و بقیه مالک. دارای شغل های کارگر سنگبری، کارگری چیت ری، راننده کامیون، مفازه دار، کارمند معابرات و... هستند. این خانه ها برقی رسمی دارد. آب نداشتند و اما چتهای کوچکی (حدود ۷۰-۱۰۰ متر) دارند. جزئوای که بصورت متمرکز ساکن اند و ذکر شده ای نیز در همین منطقه بطور پراکنده و غیر ثابت زندگی میکنند. مثلا بسیاری از کارگران کارخانه های سنگبری و پنبه پاک کنی و... شبها در کارخانه می خوابند. عده زیادی از این کارگران مجرد اند (حدود ۷۰٪) و بقیه هم که متاهل اند هر چند وقت یک بار با خانواده و مزدجندا له خود راهی ولایت می شوند و خرجی خانواده را هم میبرند. در این کارخانه ها و کارگاهها کارگرهای کرد و افغان زیاد دیده میشود. خلاصه ملاحظه فوق را در جدول زیر ملاحظه میکنید:

ناحیه	تعداد خانه	از لحاظ مالکیت و مستاجر بودن	بایگه طبقاتی (شغل و نقشی تولیدی)
الف ۱	۴	مالک نیستند اما اجاره نمی دهند	کارگر غیر صنعتی، فروشنده گی (خرده بورژوازی پائین)
الف ۲	۱۲	"	"
الف ۳	۲۵	"	"
ب	۳۵	"	کارگر صنعتی، کارگر غیر صنعتی و خرده بورژوازی پائین
ج	۱۴	حدود ۴ نفر مستاجر و بقیه مالکند	"
د	۱۵	مالک نیستند اما اجاره نمی دهند	"

بقیه از صفحه ۲۲

اعلامیه، سازمان آخگر...

جنایت، تجاوز، چپاول و بسندگشیدن خلقهای جهان ویتنام، کامبوج، لائوس، ایران و... و جالابا مطلق از بخاطر افتادن استقلال و حاکمیت ملی افغانستان دم میزند سردمداران ریزبونیست چینی به همکاری نیرو - های سیاه میریالیستی جبهه ای در جهت سوار شدن بر جنبش توده ها در مقابل سوسیال امپریالیسم تشکیل میدهند و اسم این اتحادنا میمون را تشروری "سجها ن" میگذارند.

ما اعتقاد داریم که این وظیفه کمونیستهاست که در این شرایط حساس تاریخی همراه با نیروهای انقلابی و میهن پرست و با مبارزه علیه بیرون راندن بیگانگان را از ما میهن به پیش را تدوین و اعتقاد داریم که بهترین و مطمئن ترین تکیه گاه - نیروی لایزال توده ها است. همانطور که تا بحال در جنبش جبهه هم در کارزار مسلحانه و هم در راه های دیگر با این نیرو عادلانه و برحق خود، ادامه داده اند، میروند و این آتش افروخته شده را شعله و رتر میسازند و اجازه نمی دهند که عده ای معلوم الحال ارتجاعی با استفاده از احساسات مذهبی مردم بدون این جنبش بخزند و حاصل آنرا بیای اربابان امپریالیست خود و سایر نیروهای ارتجاعی ببرند.

دولت ایران که امروزه ادویداد "هنواشی" با جنبش خلق افغانستان راه انداخته است به هیچ موردی حرکت از زاویه منافع خلقهای ستمدیده میهنمان نبوده و صرف هدف آن اینست که بعنوان این که آنچه که در افغانستان میگذرد "کمونیسم" و "سوسیالیسم" معرفی و بدین طریق میخواهد کمونیست - های جنبش کمونیستی ایران را در ذهنیت توده ها بکوبد، رژیمی که کمونیستها و انقلابیون کشور خود را سرکوب می نماید، رژیمی که هیچ ندای آزادیخواهی را نمیتوان تحمل نماید، چگونه میتواند صحبت از پشتبانی و کمک بسا بر خلقهای جهان از جمله افغانستان نماید؟

انقلابیون و خلقهای مبارز ایران! اینک که گشتا بوهای روسی در شهر و روستا، کوچه و خیابان گشت میزنند، اینک که کودکان با سرهنه ما خیره و متعجب به تنگ بدستان اشغالگر "چم آبی و موبور" نگاه میکنند، اینک که خلقهای ستمدیده افغانستان با وجود فقر و گرسنگی و هزاران مرض اجتماعی دیگر با تمام امکانات از تمام میهن در مقابل تجاوز و وحشیانه سوسیال امپریالیستها دفاع میکنند، وظیفه تمام خلقهای جهان، پرولتاریا و تمام نیروهای راستین ملی است که در کنار خلق افغانستان قرار گرفته و ندای حق طلبانه آنان را بگوش ما بربرادران طبقاتی و ملی آنان برسانند.

مرگ برسوسیال امپریالیسم، امپریالیسم آمریکا و سایر امپریالیستها!  
نا بودنا دولت سوسیال فاشیستی افغانستان و سایر نیروهای ارتجاعی!!  
پیسروز بناد سیردمسلحانه توده ای! به پیش در راه بیرون راندن اشغالگران روسی! مستحکم با دپیوند مبارزاتی خلقهای ایران و افغانستان!

بخش هرات تا زمان آخگر" (با زمان مبارزه در راه ایحاد حزب کمونیست، مارکسیست - لنینیست افغانستان)

۱۴ دیماسه ۱۳۵۸



بقیه از صفحه ۲

نکا می برود ادهای اخیر...  
نما در میان این دو جناح و نیروی اجتماعی و سیاسی، نهادی است میان دینوری ارتجاعی و ضد انقلابی بر سر کسب قدرت و سهم بیشتر در حکومت، و بر سر روشهای متفاوت اعمال سیاست در حکومت، میان فرم مسخرده بورژوازی مرفه سنتی و تمايلات ضد خلقی بورژوازی مرتجع، و بالاخره میان دینوری و سیاسی در اردوگاه ارتجاع و ضد انقلاب. این تضاد، حاصل هیچگونه خلط متزقیانه ای در هیچ یک از وجوه خود نیست، چرا که هر دو در جبهه ضد انقلاب در برابر مردم و رفقای انقلابی قرار می گیرند و تقابلی نوده ها عمل میکنند.

در رویدادهای تبریز و دودسته مشخص اما کاملاً نامحکوم را در میان "طرفداران" آیت الله شریعتی مداری می شناسیم. دستانه ای از مردم زحمتکش تبریز که بر حسب ناراضی و افراطی و زخمی اعتبار خواستهای عادلانه خود، از هیئت حاکمه و عدم پاسخگویی به آنها، به مرکز رویدادها گشاده شده اند و در زیر پرچم رهیبر ارتجاعی قرار گرفته اند و ناخودآگاه به مسیری انحرافی گشاده شدند. دستگیر، یک مشت سرمایه دار گردن کلفت، لیبرالهای ناراضی و متمایل به آمریکا، عناصر ملین و واژه و حتی مزدوران ساواک و اجبر شده که بقدمبراه انداختن آشوب و بجا دنگ داخلی میان مردم، در جریان داخل شده اند و نقش فعال و درسیساری موارده رهیبری کننده را نیز بر عهده دارند.

این دودسته، که در یک موقعیت استثنائی در کنار هم قرار گرفته اند و دودسته ملی چنین جنبشی را در روزهای اخیر، که کاملاً در جهت تمايلات و خواستهای ارتجاعی جناح شریعتمداری سر میگرد، بوجود آورده اند.

اما طرف مقابل نیز ساکت ننشست. جناح آیت الله خمینی، که سوی دیگر تضاد در "بالا" و در برابر بورژوازی تحت رهبری آیت الله شریعتمداری را تشکیل می دهد، کوشید تا با تکیه بر سوابق و پیشینه ارتجاعی طرف مقابل و افشای چهره واقعی عناصر رهبری کننده این جریان، که عموماً نیز سوابق کثیفی در خدمت به ارتجاع و امپریالیسم دارند، بر حریف غلبه را بدو با قائل زبیر پای او را عالی نماید. از سوی دیگر این جناح نیز با به میدان گشادن بخش دیگری از مردم تبریز میدان وقایع به پشتیبانی از آیت الله خمینی، صحنه را برای قدرت نمائی خود را آینه نمود، بدین ترتیب در زمینه جنبشی و قایع خونین این روزها نفع تمايلات قدرت طلبانی خود سود جست. حتی پاسداران و کمیته های "های طرفدار آیت الله خمینی نیز بیگانه نشنستند و با بستن مفوف مردم بیگنا به رگبار گلوله، صحنه را به درگیری خونین تبدیل نمودند و از یکمؤاتش تبریز مردم نسبت به هیئت حاکمه را نیز تر کردند و از سوی دیگر بر دامن درگیری میان توده های مختلف مردمی که بر اثر نفع قدرت طلبانه در جناح درگیر در "بالا" بطورکاذب میان نشان خط فاصل کشیده شده و در مقابل هم قرار گرفته بودند، فروزی بخشیدند.

آنچه در تبریز بیوقوع پیوست، بروشنی این دو جریان متضاد و دورشته متضاد کاملاً نامحکوم را که در عین حال درهم تنیده شده بودند، به نمایش گذاشت. نا دیده گرفتن هر یک از این دورشته تضاد، که هر یک به اندازه معینی در وقوع این حوادث نقش داشتند، منجر به انحراف در تحلیل اوضاع و ریشه های این رویدادها و در غلطیدن به یک موع انحرافی و خطرناک بحال جنبش انقلابی میهنان، میگردد. شکی نیست که در آینده نیز احتمال بروز چنین حوادث و رویدادهای در این منطقه از میان نرفته است. چرا که این دورشته تضاد دو این دو جریان معین کماکان وجود دارد و به عملگر خود ادامه خواهد داد. نه جنبش ناراضی و اعتراض آمیز مردم نسبت به هیئت حاکمه و به موشی خواهد هدند، بویژه آنکه حوادث ما وقع در این شهر سکوئی بر تابی برای خیزش های آینده خواهد بود. شکل و هیئتی بدون تردید با بقاء انقلابیون کمو نیست و نیروهای مترقی را بس خطر تر و حواس ترمی نماید. هرگونه لغزشی از سوی آنها می تواند ضریبات نه چندان کم اهمیت به جنبش انقلابی مردم میهن

در آینده نه جنبش ناراضی و اعتراض آمیز مردم نسبت به هیئت حاکمه رو به موشی خواهد نهاد، بویژه آنکه حوادث ما وقع در این شهر سکوئی بر تابی برای خیزش های آینده خواهد بود. و نه درگیری و تضاد میان جناحهای مختلف درگیر در "بالا"، میان بورژوازی مرتجع و خردمه بورژوازی مرفه سنتی ضد انقلابی، به افول خواهد گراشد.

ما و بخصوص در این منطقه، وارد ساخته و متضاد بلایز میهن سوا استفاده ارتجاع و ضد انقلاب را مهیا خواهد ساخت. بدین قرار، و با بقاء انقلابیون کمونیست و نیروهای انقلابی را در مقابل این حوادث و رویدادها، در حال و آینده، در خطوط زیر می توان بیان نمود: - روشن کردن دقیق وبدون ابهام مرزهای میان این دو جریان، این دورشته تضاد که در واقع تبریز، هر یک بنحوی زمینه ساز بروز این حوادث بوده است. توضیح روشن ما هیت هر یک از این دو جریان، یکی با ما هیت انقلابی که حرکت اعتراضی آمیز زحمتکشان تبریز را نسبت به اوضاع زندگی فلاکت بارشان و نیز عملگردهای ضد انقلابی هیئت حاکمه نشان می دهد و تضاد میان توده های مردم تبریز و هیئت حاکمه را بنیان می کند. دیگری با ما هیت ارتجاعی که در مدد اجهاد آشوب و بلوا و جنگ داخلی به منظور کسب سهم بیشتری از قدرت در صحنه سیاسی کشور است. آگاه کردن توده های مردم و کشیدن خط فاصل دقیق و روشن میان این دو جریان، یکی ارتجاعی و دیگری انقلابی مهمترین وظیفه نیروهای انقلابی است. - قراردادن افشای ما هیت جریان بورژوازی شریعتمداری، بهما به هدف اصلی سیاست افشاگرانه

خود در این مرحله، لزوم اتخاذ چنین سیاستی در تبریز در شرایط حاضر، به چند دلیل قابل تا کید و اهمیت است. اولاً بدلیل نقش ما هیت این جریان که نسبت به جریان مقابلش در "بالا" ارتجاعی و بسیار ضد انقلابی تر است، تمايلات و اهداف آشکار امپریالیستی را در پیش روی خود قرار داده است. این جریان از نظر ما هوی یک جریان کاملاً ارتجاعی است که طیف وسیعی از جناح راست بورژوازی لیبرال و بورژوازی وابسته را در زیر پرچم حمایت خود قرار داده است و رابطه آشکارا با سیاستهای امپریالیستی و توطئه گرانده امپریالیسم آمریکا دارد. و حتی بسا همان فرمها و تعدیلات در سیستم سرمایه داری وابسته که جناح مقابل، یعنی جناح خرد بورژوازی مرفه سنتی خواهند آن است، مخالفت می ورزد و وابستگی هر چه سریعتر و محکمتری با امپریالیسم را طلب میکنند و خواهان استقرار یک رژیم کاملاً دست راستی و وابسته است.

ثانیاً: این جناح برای پیشبرد اهداف ارتجاعی خود در صدد برانداختن جنگ مذهبی و ملیستی در میان مردم و قرار دادن آشکار توده های مردم در برابر یکدیگر در این منطقه است. و در این راه از هیچ کوشی فروگذار نمی کند.

ثالثاً: پرچم مخالفتی که این جریان ارتجاعی بلند کرده است، و در ظرها خود خلط "آزادخواهان" دارد، میتواند در فریفتن مردم تبریز و آذربایجان بسیار موثر افتد. بخصوص اینکه مسئله مرجعیت آیت الله شریعتمداری و توهانات مذهبی مردم این منطقه نسبت به او نیز در این تا ثیرات نقش مهمی را ایفا می نماید. توده مردم تبریز، ۱۰ ماه است که هیئت حاکمه را تجربه کرده اند و بخشهای بزرگی از آنها در تجربه زندگی خود، تا حدود زیادی نسبت به ما هیت این حکومت، آشنائی پیدا کرده اند و تضاد معنی میان خود و آنها احساس میکنند. آنها حکومت را در برابر شکوئی به خواسته های نامشروع دیده اند و بسا دگی می توانند از او روی برگردانند. نبود یک نیروی متشکل انقلابی، که بتواند این ناراضی را بنفع معالج و رشد انقلاب درگانال صحیح هدایت نماید، خطر بزرگی از نظرویی آوردن مردم کننده شده از رژیم، به سمت جریان "مخالف" به رهبری شریعتمداری بوجود آورده که اینک تا کنون نیز بوجود آورده است.

بنابراین لایق فوق سمت اصلی افشاگری در شرایط فعلی تبریز، با بدیسی جریان ارتجاعی فسوق نشانه برود. تا در کاستن خطرات ناشی از توطئه های این جریان و سوا استفاده از زمینه های ناراضی و حرکات اعتراضی مردم نسبت به هیئت حاکمه موثر افتد.

۲ - افشای ما هیت عملگردها و سیاست هیئت حاکمه، هم به لحاظ نقشی که در ایفای سیستم سرمایه داری وابسته، تداوم و بهر آن را اقتصاد اجتماعی کنونی، اعمال فشار بر بدوش زحمتکشان، سرکوب جنبش خلقها و توده های مردم، سرکوب تمايلات و خواستهای دموکراتیک آنها و... دارد، و چه از نظر بقیه در صفحه ۷

ماسک آزادیخواهی و ضد امپریالیستی لیبرالهای سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم



## پیروزی کارکنان بانک پارس و اخراج مدیران

بعد از روزی کار آمدن رژیم جدید و به اصطلاح برکنار کردن مدیران قبلی، در این موسسه نیز فردی بنام رضا نعلی رشیدی به مدیریت انتخاب شد.

این فرد همان کسی است که در رژیم سرنگون شده نامه‌های چاپلوسانه و مملو از زور خدمتگزاری، بدرگاه مزدورانی چون "خوشکیش" (رئیس کل سابق بانک مرکزی ایران) می فرستاد.

این فرد که در زمان شاه عاشق مقام مسی سرچشمه و غم‌خویش مدیریت بانک رفاه و از همکاران نزدیک دکتر شریح الاسلام زاده وزیر بهداشتی وقت بود از طرف مولوی به سرپرستی انتخاب شد.

این فرد زمانی که هنوز خون شهیدان بزمین خنک نشده، با مرامت و گستاخی از بازگشت سرمایه داران بزرگ و "براهانان اقتصاددکنور" و "بازسازی دم می زند" است و خوش خدمتی ها و خیانت‌های آتشی رشیدی توسط کارکنان مبارزان بانک پارس تکثیر و در اختیار همگان گذاشته شده است.

اعمال او در طی مدت ریاست به همه کارکنان نشان داد که چگونه منافع سرمایه داران وابسته را مد نظر دارد.

بهمین علت درگیری های فراوانی بین او و کارکنان بانک در گرفته فضای بانک را متشنج می کند.

در آخرین مجمع، کارکنان بر اساس دلایل و مدارک کافی که بدست آورده بودند شروع به انقشای این عنصر مزدور می نمایند و با شعار "رشیدی آمریکائی اخراج باید گردد"، خشم خویش را نشان می دهند. مدارک زیر از اعمال فدا خلقی این خاش بدست آمده است:

۱- در اوج مبارزات فدا میریالیستی و ضد صهیونیستی ملت ایران، قبول میکند که حواله ارزی از طریق بانک پارس به کشور اسرائیل ارسال شود.

۲- حمایت از افران جبهه‌های بانک که فراماسهیر، رابط ساواک، مداح رژیم و... بوده و راهنمائی آنها و دستور برداخت حقوق و حتی پاداش و دادن برخی غیر استحقاقی باین عنصر.

۳- در اظهارات خود مکرراً در برابر دیوورونیا مه‌ها اعلام پیدا رند که با بنی مدیران قبلی فراری جهت راه انداختن چرخ اقتصاد، بازگردند.

۴- استفاده از کلیه امکانات و ماشینهای گران قیمت بانک و مدیریت سابق (به دستگا بهیوگب. ا.م. و. وینز) حتی برای احتیاجات شخصی خود.

۵- به گردش نینداختن کاربانک و نپرداختن وامهای کوچک به افرادی که سبکبان خرده‌پا وراکند نگاه داشتن چهار میلیون ریالی منابع بانک به بهانه اینکه با این وضع نمینود کارکرد.

۶- علاوه بر حقوق ۲۴۸۰۰۰ ریالی دستور برداخت ماهیانه مبلغ نود هزار ریالی بعنوان حق کشیک با وجود متع قانونی آن بموجب بخشنامه ۱۶۷۸ مورخ ۱۳۵۸/۱/۱۲ هیئت دولت.

۷- دستور آزادی برادر دکترا طمینان (مدیر عامل قبلی که در دوران انقلاب توسط کارکنان بانک پارس اخراج گردید) که توسط کارکنان اداره حقوقی سلطنت بدی‌ها پیش جلب گردیده بود.

۸- دستور به کارکنان نمودن حالت جاری شماره

## مبارزات بیکاران در اکثر شهرها همچنان ادامه دارد

۴- دادن محلی مستقل برای تشکیل جلسات کارتون.

بعد از این جلسه دبیلیمه‌های بیکار در محصل فرمانداری تحصن نیمه وقت خود را ادامه داده تا تاریخ ۵۸/۹/۲۳ که میتینگ در زمین ورزش شهر "با شرکت حدود پنجاه هزار نفر برگزار می کنند. بعد از این میتینگ که با استقبال اهالی شهر و پیرو شده بوده منظور بیشتر مبارزات خود دست به تشکیل "شورای موقتی" میزند. آنها که مقامات مسئول را همچنان بی تفاوت نسبت به خواسته‌های خود می بینند، تصمیم می گیرند که تحصن خود را از تاریخ ۵۸/۱۰/۱۰ شبانه روزی کنند و سه شبانه روز چنین می کنند. روز ۵۸/۱۰/۱۳ بعد از میتینگ، محصل فرمانداری به اشغال دبیلیمه‌های بیکار در می آید.

در گزارش در مورد وضع فرمانداری آمده است: "محل فرمانداری تبدیل به یک پایگاه توده‌ای شده بود که اقشار و طبقات مختلف از دانش آموزان کارگران و همچنین دانش آموزان صنعتی ارتش به آنجا می آمدند و با آنها اعلام همبستگی می کردند" و ارتجاع تحمل این همبستگی مردم را با بیکاران نمی توانست داشته باشد.

در تاریخ ۵۸/۱۰/۱۴ روحانی مرتجع شهر (مرتضوی) که منفرود مردم نیز هست با فراشت خاطر به دادستانی مبنی بر اینکه ساعت یک بعد از ظهر می بایست محل فرمانداری تخلیه شود، خشم مردم را برانگیخت. جمعیت با شعار مرگ بر ارتجاع، مرگ بر ارتجاع، مرتضوی را بدرقه کرد.

ارتجاع که شواسته بود با تهدیدهای خود موفق شود روز بعد عده‌ای چاقو را مسلح به جوب و چاقو فرمانداری را به محاصره در آورد. ناگهان بارانی از سنگ از بیرون فرمانداری بطرف جمعیت درون فرمانداری باریدن گرفت. سنگباران حدود ۲ ساعت ادامه داشت، دهها نفر زخمی شدند... هجوم وحشیانه و مغول وار مرتجعین تحت حمایت ژاندارمهای آمریکائی با ساداران "و سرانجام تلیک تیرورگرا از شک آور مردم را متفرق کرد. "دهها نفر که قبلاً شناسائی شده بودند دستگیر شدند. مردم خواهان داده‌های که شواسته‌ها با هجوم مغول وار بودند، فریاد می زدند "دبیلیمه‌های بیکار آزادی باید گردند" و بدین وسیله خشم و نفرت خود را از ساداران و عوامل مرتجع نشان میدادند.

در قسمت پایانی گزارش از جمله آمده است: "حرکت دبیلیمه‌های بیکار از یک حرکت ساده و محدود صنعتی، دیگر خراج شده بود و بعدی کا ملانوده- ای و سیاسی بخود گرفته بود" واقعیت آنست که رژیم جمهوری اسلامی سیاست وعده و سرکوب را چندین زبانه‌ها در دستاورد و در مقابل به بیکاران به اجرا در آورد و دبیلیمه‌های بیکار ره‌ها نظور که نشان داده‌اند با ایجاد تشکل های صنفی - سیاسی و از طریق پیگیری در مبارزات خود، خواسته‌ها نسبت هیئت حاکمه را وارد انداخته هر چه سریعتر به خواسته‌های طبیعی آنها تن در دهد. ■

بعد از گذشت ۱۱ ماه از عمر رژیم جمهوری اسلامی مسئله بیکاری همچنان لاینحل مانده و با توجه به سیاستهای هیئت حاکمه هنوز هم چشم انداز روشنسی برای حل آن مشاهده نمی شود. طی این مدت روزی نیست که در گوشه و کنار کشور خبری از مبارزات بسی کاران (کارگر، دبیلیمه و...) نبوده باشد. اینکه آیت الله خینی منتقد است کسی برای تکم انقلاب نکرده، البته برای شکسیران "قابل فهم" است ولی برای کسی که قریب دو سال است اسپرنگال بیکاریست و هیچ ممری و حتی ذخیره‌ای نیز برای تامین معاش خود در اختیار ندارد، خشم انگیز و در بهترین حالت مضحک است. آنچه که موجب میشود بیکاران علیرغم همه اعمال فشارها و اخلاگری‌های عناصر مرتجع و قمه کش همچنان به مبارزات خود ادامه داده و بی‌بهره و دشمنها و درمواوردی حتی گلوله‌های پاداران سرمایه‌داران را برایشان خود می‌اندازند، نیست جز اینکه آنها می خواهند زنده بمانند و درست بهمین دلیل هم هست که هیچ چیز قادر نیست مانع از این شود که آنها ابتدائی ترین حقوق هراسان یعنی حق داشتن کار را بدست فراموشی سپارند.

در یک ماه اخیر در اکثر شهرهای کشور مبارزات دبیلیمه‌های بیکار اوج بیشتری گرفته است. اخبار و گزارشات رسیده از شهرهای مختلف از جمله اراک، تبریز، اصفهان، مشهد، ارومیه و... حاکی از آن است که دبیلیمه‌های بیکار در جریان مبارزات خود بتدریج به لزوم تشکل و مبارزه سازمان یافته پی برده و در بیشتر جاها دست به ایجاد تشکلهائی از قبیل کارتون و غیره زده‌اند، اگرچه هنوز از کیفیت خوبی برخوردار نیستند.

در هفته گذشته تنبوهی از اخبار و گزارشات مربوط به مبارزات دبیلیمه‌های بیکار بدست ما رسیده و متأسفانه نه بر ایمان امکان پذیر نبود که یک بیک و حتی خلاصه‌ای از همه آنها را در "پیکار" نقل کنیم. از جمله این گزارشات یکی هم مربوط میشود به مبارزات دبیلیمه‌های بیکار مسجد سلیمان که قبلاً توسط هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در همان استان منتشر شده است. در اینجا قسمت‌هایی از این گزارش را برای شما می آوریم.

در ابتدای گزارش ضمن اشاره کوتاه به موقعیت کشورهای وابسته به امپریالیسم بحره‌های ذاتی این نظام به مبارزات دبیلیمه‌های بیکار مسجد سلیمان پرداخته که حدود ۴ ماه پیش بطور پراکنده و نامتشکل آغاز شده است. آنها با مراجعات مکرر به مقامات مسئول گریه از مشکلات بازنمی -

شود. دبیلیمه‌های بیکار در اولین اجتماع خود در تاریخ ۱۹ آذر ماه خواسته‌های خود را بصورت ذیل مطرح می کنند و تحقق آنها را از فرماندار میخواهند:

۱- ایجاد کار.

۲- در صورت نبودن کار دادن حق بیمه بیکاری.

۳- خرید و توسعه طاقانی بیش از میلیون ریال بدون بهره.

۴- شورا و سندیکای بانک پارس با مبارزات خویش توانست این عنصر مزدور و فاساد را از کار برکنار سازد.

اکنون روزی نیست که ما شاهد چنین وقایع بیسی در کارخانه‌ها، موسسات تولیدی، اداری و غیره

نیایسیم. اینهمه نشان می دهد که دیگر خلق ما حاضر نیست زیر یوغ بندگی سرمایه داری وابسته برود و هر آنجا که عملاً با عمل مزدور امپریالیسم سرما به-داری وابسته روبرو می شود، اگر چه انتخاب شده از جانب به اصطلاح مورد اعتمادترین فرد هم بوده باشد، آشی در رفتن آنها از پیش پای خود تدریجاً کند. ■



بقیه از صفحه ۶  
طوفان در...

ادبسان و دبستانان) ویرنا مدرسی تدریس ...  
رابطه‌ها را آموزش و پرورش خواهد بود" کا...  
دال برادای ماست . کمیت و کیفیت برنا مدرسی  
برای تدریس در آموزشگاهها از آنجا که تسلط  
حداثی نایدی بر سطح فرهنگ و رسوم و سن ملی ،  
و تن مهم و تعیین کننده ای در رشد و عای فرهنگ  
ملی دارد . با دبیرستانی نماها و ضرورتهای آن  
انجام یکسره . بنا براین طرح "حسن نیست" در زمینه  
حقوق فرهنگ ملی نیز با حواست خلق کردفا...  
بنا دارد .

یک مسئله کوچک دیگر !

با وجود اینکه موارد و مسائل عدیده دیگری در  
این طرح وجود دارد اما از اقل آنها دهه که دارد به  
آن جزو دیگر دولتی با یک کنگه دیگر بسته کرده  
و با خصمندی ارتش و مظلومین این بخش از مقاله را  
خانه می دهیم .

این نکته که کویا از نظر طراحان "حسن نیست"  
بفردی کوچک و پست با افتاد است که فراموش کرده  
- اندیشی آن نکونند ، مسئله سلفی و وارد بر  
اکثریت . طبع زحمتکاران اقلیت های ملی ایران  
می باشد . اگر چه همانطور که انتظار نداریم آنها  
بنا بر اندر مورد مسئله ملی با سخی انقلابی بدهند ،  
همانطور هم انتظار نداریم که در رفع فتنه های کمر -  
سکن و عظیم اقتصادی ، سیاسی بر طبقات زحمتکش  
این نواحی که اکثریت آنها را راعین ، کارگران  
کشاورزی ، خویش نشان و آسوده زحمتکاران بیگزار  
بهره را تشکیل مدهند برنا مدهای انقلابی ارائه  
بدهند . برادر ما همت این حکومت فدا انقلابی  
نست که فدا دریا ندچین کاری را انجام دهد . بنا -  
براین فقدان کوچکترین اشاره ای در طرح "حسن  
نست" به حقوق زحمتکاران ، بنان دبیرست از  
ما همت ارجاعی هشت خاکم .

خلاصه کنیم :  
هما نظور که دیدیم " طرح خود کردائی" ارائه شده  
ارجان بر زمین دارای محورهای زیر است :  
۱- دادن برخی امتیازات بسیار جزئی در  
زمین اداری :

در این زمینه خود رژیم محسوس است با طرح مشکلات  
ناشی از تراکم کار اداری در شهران برخی وظایف  
را به سایر بناها واگذار کند . و هما نظور که ما ره کردیم  
رژیم تا به نیز در پی چنین طرحی بود . تا خود را تا حدی  
ار دست به حرکتها در شهران نجات دهد . اما از لحاظ  
انتخاب اجلی ترین مسئولین محلی ، استاندار ،  
فرماندار ، رؤسای شهرانی و ژاندارمری و ...  
با حق انتخاب در دست دولت مرکزی است .

۲- دادن برخی امتیازات فرهنگی ، مانند  
دایر کردن رشته ادبیات زبان محلی ( کردی ) در  
دانشگاهها ، و با لیکس در دانشگاه محلی کرد -  
ستان ... و با رسمیت نامه نگاری بین ادارات  
استان بزبان محلی در کنار زبان فارسی و ...

۳- گذشته از این امتیازات جزئی در این  
طرح هیچ یک از خواسته های عمده خلق کرد که  
بارها ارجان ب خلق کرد و نیروهای انقلابی عنوان

بقیه از صفحه ۶  
سارزه در سنج ...

محل ما حدود پنج هزار نفر جمعیت دارد اما از مستان  
که میشود ارتباط ما با شهر قطع میشود .

روز ۵۸/۱۰/۱۶

بدعوت شیخ عزالدین حسینی  
در سرا سرگردستان مردم به پستیانی از متخصصین  
سنجی دست به راهیماشی و نظرات زدند . در  
سعی از شهرها مردم زیر بریزش شدید برف راهیماشی  
کردند . تشکلات سفرونها با حزب دموکرات در این  
راهیماشی شرکت نکردند زیرا آنرا به ضرر منافع  
خود می دیدند . مردم کمپنی به ما هیت حزب دموکرات  
میسرند و هر روز بیشتر از آن دوری می گیرند .

روز ۵۸/۱۰/۱۸ در استان اداری سنج شورا شی  
مشکل از نمایندگان افشا و مختلف مردم سنج  
جهت کمک به افراد دستفروش و بازاریان کم درآمد  
تشکیل شد . در نخستین مرحله کارمندان ادارات یک

### جنایتکاران در دادگاه خلق محاکمه و محکوم شدند

در بیگار ۳۸ آمده است .  
در اعلامیه ای که کومه له در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۱ صادر  
کرده است آمده است : ما اعتقاد داریم که سبک بخاطر  
بیگاری ، سرگردانی و وضع بحرانی کشور دست به  
سرقت می زند جزایشان اعدام نیست . اما انخامی که  
را هرنی را با فدی سیاسی ویرنا مدرسی شده انجام  
می دهند و مستقیماً علیه منافع خلق و مبارزات آن  
توطئه چینی میکنند ، سزایشان اعدام است . ولذا ما  
دو نفر از این سارقین مسلح را به اسمای سعید  
غریبی و احمد کرمی به اعدام محکوم کردیم و حکم  
اعدام در مورد آنان به اجرا در آمد . احمد کرمی  
که مشهور به " احمدلرک" بود ، را هرنی بود که  
تا مش نشانه فساد ، تجاوز به ناموس مردم و سرقت  
مسلحانه و چند فقره قتل بود . و در کنار را هرنی به  
خرید و فروش مواد مخدر نیز میسر داشت و به هنگام  
دستگیری علاوه بر یک قبضه تفنگ کلاشینکوف یک کیلو  
تریاک نیز از او کشف شد . و در شرایط انقلابی و اوج  
مبارزات خلق کرد در راهبندان مسافران و سرگردانه -  
گیری از عتار فعال بوده است .

سعید غریبی نیز کسی بود که علاوه بر جرمهای احمد  
کرمی ، هنگام بخت کردن مسافران ، در چندین مورد  
به زنان مسافران در مقابل چشمان مسافریین و  
شوهرانشان تجاوز کرده است .

دو سارق مسلح ، قاتل و متجاوز به ناموس مردم  
در دادگاه انقلابی خلق محاکمه و به اعدام محکوم  
شدند .  
جرمان دستگیری و محاکمه علنی این راهزنان



شده است توجهی نشده و هما نظور که خود طراحان نیز  
کفته اند ، در چهار جوب قانون اساسی خیرگیان -  
قانونی که حقوق ملیت ها را به هیچ وجه به رسمیت  
نمی شناخ ، ویرنا برابری و ستم ملی محکذا شده است  
با مصاحبت حقوقی برای خلقها ( و در اینجا خلق کرد )  
در نظر گرفته شده است . طراحان و کسانی که این  
طرح را ارائه داده اند آنچنان از درک مسائل خلق -  
ها عاجز هستند که حداقل نمی توانند توافقی را که در  
جلو چشمشان بوقوع پیوسته ببینند . خلق کرد به  
همراه دیگر خلقها به این دلیل این قانون اساسی

محمول خبرگان را تحریم کرد و از شرکت در فراندوم  
کذاشی خودداری نمود که این قانون حقوق ملی را  
( در کنار دیگر مسائل ) زیر پا گذاشته است . و آنوقت  
این آقایان در چهار جوب همان قانون ، طرح ارائه  
می دهند ! آیا رژیم واقف می خواهد مسائل کردستان  
را از طریق مسالمت آمیز حل کند ؟ آیا او واقعا قادر  
به چنین کاری هست ؟ و آیا خود این " طرح خود -  
گردائی" بخودی خود نشان نمی دهد که رژیم بدلیل  
ما هیت طبقاتی خود از حل مسئله ملی بطریق مسالمت  
آمیز عاجز است ؟

## حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست



### گزارش حمله پاسداران به ساکینین آپارتمانهای مصادره شده توسط زحمتکشان

در شب ۲۶/۱۰/۵۸ حدود ساعت ۹/۵ عده زیادی با ساداربه آپارتمانها که سه ماه پیش توسط عده ای از زحمتکشان بی مسکن در خیابان میرداماد گرفتند شده بود حمله کردند. پاسداران که برنانه بیورس خود را از پیش طرح ریزی کرده بودند با حمله گانگرنی ساختمان را به محاصره کامل خود درآورده و به شلیک گاز اشک آورپرداختند و حتی دامنه این عمل خود را بدون ساختمان و داخل اتاقها نیز گسترش دادند. حدت شلیک گاز اشک آور به قدری بود که تمام ساختمان را فراگرفته بود و مردم که هیچ چیز برای مقابله با اثرات گاز اشک آور نداشتند مجبور شدند حتی زیلوهای خود را آتش بزنند و بدین ترتیب آتش را خنثی کنند. یکی از زنان فرزندش را بغل کرده بود و به هر طرف می دوید. بچه وی از شدت اشک زکیود شده بود و دیگر نمی توانست درست نفس بکشد و یکی از پاسداران گفت: "بچه مرا گشتید" و پاسدار هم جواب داد:

"به جهنم که مرد، گاشکی هم تان بگیری و ما را راحت کنید". یکی از زنان تعریف میکرد که پاسدارها به او گفته بودند: "تو مزدور و ضد انقلابی و ما هم در جواب گفتم شما که بروی مردم مسلح میکشید مزدور هستید، ما اگر هم کشته بشویم این خانه ها را تحویل نمی دهیم، ما از مردن نمی ترسیم". وقتی پاسدارها از شلیک گاز اشک آور نتیجه ای بدست نیاوردند به تیراندازی متوسل شدند و مردمی را که در حال فرار بودند به طرف پاشان تیراندازی می کردند. یکی از زنان در حالیکه بچه خود را در بغل گرفته بود می دوید تیرها در نزدیکی پایش به زمین می خوردند. بعد از این محل حدود ۵۰ بوکه فشنگ پیدا شد.

در طی همین حمله حدود ۵ نفر دستگیر شدند و ساعت ۲/۵ بعد از نیمه شب این حملات ادامه داشت. صبح فردا زانی که در شب قبل دستگیر شده بودند از دادند ولی مردها که به زندان اوین منتقل شده بودند آزاد شدند. در بعد از ظهر روز پنجشنبه هالی آپارتمان و نیز عده ای از ساکینین آپارتمانها که چندین پیش در امیرآباد تصرف شده جمع شدند تا تصمیم بگیرند که چکاری انجام دهند. یکی از نمایندگان گفت: "ما باید سعی کنیم اتحاد داشته باشیم و هر تاجروزی را که بهریک آزما می شود در مقابلش با یکدیگر چون وقتی امروز به ما کنیسن ما ختمان دیگر حمله شده فردا هم توبت ما ست که فریب بخوریم. ما باید حرکت خود را متکامل بکنیم برنانه -

ریزی درست داشته باشیم چون بی برنامگی وجدان کاری ما باعث مدمه خوردن به خودمان میشود. یکی دیگر از نمایان جمع گفت: "ما کسانیکه اقدام به گرفتن خانه های خالی کرده ایم عده زیادی هستیم ولی متاسفانه هنوز متکامل نشده ایم ما باید به طرف یکی از ادارات مسئول را هیما می کنیم و فقط خواست ما از دگر زنده نماند نباید بلکه آمل از آنها بپرسیم که بنا بر چه دلیل وحقی این عده را دستگیر کرده اند برای اینکه از منفعته یک عده سزما به دار پشیمان می کنند. چه فرقی میکند اگر قرا را ست بچه ای ما از سرما بسیرند یا سقف خانه ها

### وزارت فرهنگ و هنر یا...؟

وزارت فرهنگ و هنر در رژیم پهلوی از جمله نهادهائی بود که در همکاری با ساواک، در سرکوب توده های زحمتکش و روشنفکران آزادیخواه و مسائور عقاید و قبحی کردن نوشته های روشنفکران مترقی و انقلابی، نقش فعالی بازی میکرد. وظیفه گسترش فرهنگ منطقی امپریالیستی و انهدام فرهنگ ملی و خلقی را بعهده داشت.

پس از قیام عملگر و وزارت فرهنگ و هنر در زمینه هنر و فرهنگ جلوگیری از پرورش استعداد های هنری خلق در زمینه های مختلف تحت عنوان غیرا سلامی و ضد اسلامی بودن هنر ملی و خلقی بوده است. اما کار و وظیفه دیگر که این وزارتخانه به عهده گرفته کاری است که حتی در رژیم پهلوی نیز نمیگردد. این کار رعبا رست است از مطالعه و تحقیق در موزدا حزب، سازمانها و گروه ها و انجمن های فرهنگی و سیاسی، کاری که در رژیم گذشته ساواک انجام میداد. در اینجا سندی را که در این رابطه به دست ما رسیده است ملاحظه میکنید در این سند از حزب و گروه های ... تشکیل با "تجدید حیات با فتنه پس از انقلاب (قیام بهمن) اسپرده شده که با توجه به مبهم بودن کلمه "تجدید حیات با فتنه" میتوان گفت منظور سردمداران این وزارتخانه، کلمه نیروهای سیاسی و فرهنگی می باشد.

شماره: ۸۲۱۱۴۷  
تاریخ: ۱۸/۹/۵۸  
پست: ۱۸۸

به: اداره کل فرهنگ فارس  
از: دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگ  
موضوع: درخواست مشخصات سازمانهای فرهنگی و سیاسی

حون یکی از طریقه های درست اجرای این دستور مطالعه و تحقیق در مورد احزاب سازمانها و گروه ها و انجمن های فرهنگی با سیاسی تشکیل شده یا تجدید حیات یافته بعد از پشور رسیدن انقلاب اسلامی میباشد. لذا خواهشمند است دستور کتب اطلاعات ملاحظه و انجمن ها و همکاری در انجام هر چه دقیق تر این شرح مشخصات سازمانها و جوسسات آن شهرستان را بشرح منویسه پیوسته باین دفتر ارسال دارند.

عبدالمصعب پویا  
سرپرست دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگ

وزارت فرهنگ و امور عالی  
دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگ

فرهنگستان احزاب سازمانها، انجمن ها و گروه های ایجاد شده یا در دست حیات با فتنه از سرور ایالتی ایران

نام	نام سازمان	تاریخ	محل	توضیحات

در صورت امکان هر دو اطلاعات بیشتر از فصل کتب ایجاد و یا اطلاعات (کتابخانه) عده اعضاء شرایط ضمیمه را در نامه نامه یا ذکر شماره ردیف نام سازمان در پشت برگه فرستاد.  
در صورت امکان نسخه ای از شرح سازمان ضمیمه را ارسال فرستاد.

### توضیح و تصحیح:

۱- در شماره ۲۸ در مقاله "نهفت آزادی داخل و خارج سرتوبیک گریبا سند" یک اشتیفری در روی سرمان خراب شود، پس همینجا می مانیم و می توانیم خطر کشته شدن را هم بوسیله پاسدارها قبول کنیم. بعد تصمیم گرفته شد که روز جمعه به طرف کمیته مرکزی در پهبان رستان را هیما می کنند ولسی یکی دیگر گفت: "فردا ادارات تعطیل است و ممکن است عده ما هم از امروز برای را هیما می کمتر باشد و اگر تا روز شنبه هم میرکنیم مکان دارد برای دستگیر شده ها پرورنده سازی کنند برای همین بهتر است همین امروز این کار را بکنیم". و قرار شد که همه به میدان مغیرالدوله بروند و از آنجا بطرف پهبان رستان را هیما می کنند.

مفرد ۲ آمده بود که شرح زیر تصحیح میگردد:  
"جرمان و یزدی بولی را که از دولت مصر (در زمان ناصر) بستوان کمک به زندان نیاکان سیاسی ایران گرفته بودند، حرف خرید بیک ما شین لوکن کردند که در اختیار آقای مهندس حسین مظفری قرار داشت. این شخص امروز لایب به پاس فعلیتهای انقلابی اش از مسئولین آموزش سپاه پاسداران است و..."  
۲- در شماره ۲۸ بیکار در سند مربوط به فضای سه تن از روحانیون ساواکی تبریز به نامهای میرزا یوسف هاشمی حکم آجسادی و میرزا مجید و علی و میرزا حمید شریبانی، اسم خیدخسن انگلی دریا ورتی و در توضیح مربوط به بریده ای از روزنامه اطلاعات ۵۸/۱۰/۱۸ اشتباه آمده که هیچ ربطی به روحانی فوق الذکر ندارد. بدین وسیله با پشور اصلاح میشود.



## گرامی باد خاطره رفیق شهید

مهدی  
فتحی

شود، شما می توانید تا یک هفته با اطمینان کامل در  
با یکا بهمانند! این سخن اگرچه زلحاظ تجری  
و محاسبات امنیتی و بر مبنای فاطمه زمانی نمی-  
توانست پذیرفته شود ولی رفیق مهدی مانند بسیاری  
دیگر از رفقای همزم خوش پس از دستگیری، محبت  
این گفتار را با مرکب سحر خویش به اشکات رسانید.

نه تنها یک هفته، بلکه هجوق، کوچکترین  
اطلاعی از زنده ها و رستاقش در اختیار دشمن نگذاشت  
همه رفقای که با مهدی و در کنار وی در راه آرمان  
انقلابیان رزمیده اند صفا و صمیمیت و شور انقلابی  
اورا هرگز فراموش نمی کنند.

بر مبنای خط منی مبارزاتی آنروزها ( که  
بارها به ما درسی آن معنای یک خط منی جدا از  
توده ما دارای محتوای انقلابی و مبارزه جوانانه،  
اشاره نموده ام) عملیات نظامی، حما سترسین و  
مهمترین کارهای تشکیلاتی بود و بطور عمده رفقا -  
نی برای این کار انتخاب می شدند که دارای  
هوشیاری، کارآیی و توانا نشیای نظامی، جسارت و  
احساس مسئولیت و بزرگواران فعالیت ها را داشته

از سازمان مجاهدین خلق ایران بود که در برابر  
رندگی تشکیلاتش، اگر چه مثل هر رفیق دیگر،  
دارای نارسانه های بود، لیکن خصوصاتی که  
فوقاً بر سر مردم او را در شمار بهترین رفقای عضو  
سازمان قرار می داد.

- رفیق مهدی، در انضباط، دقت و رعایت ضوابط و اصول تشکیلاتی از بهترین ها بود. احساس مسئولیت در انجام وظایف و دلسوزی رفیقانه نسبت به همه امور سازمان، فداکاری و از خود - گذشتگی، متانت، اجرای منظم و دقیق قرارها که در دوران اختناق رژیم شاه جلا داد از اهمیت ویژه ای برخوردار بود و... از سری خصوصیات و نقاط مثبتی بود که موجب شد رفیق را در طی نمودن سریع مدارج تشکیلاتی باری دهد، بطوریکه رفیق در شرایطی که هنوز عضو مخفی - علنی سازمان بود در اجرای عملیات نظامی مهمی نقش فعال داشت.
- رفیق در اقدام انقلابی سه مستشار آمریکائی، معاون فرمانده عملیات بود.

با شدند. رفیق مهدی از سری رفقای بود که در  
همان اوائل رابطه زمانی این برای فعالیت  
نظامی برقرار کردند. پس از طی نمودن دوره آموزشی  
و مقدماتی در چند عمل نظامی منجمله عملیات بمب -  
گذاری با ساکاه شمیران نو و شهرداری نارنگ (بهار  
۵۵) شرکت نمود، فرمانده عملیات شد. پس از  
انجام موفقیت آمیز این عمل که برای پشتیبانی  
از مبارزات مردم زحمتکش شمیران نو ضروری زدن به  
رژیم وابسته به میرالیمنا صورت گرفت، مسئولیت  
لیت شرکت در عملیات اعدام انقلابی سه جاسوس  
آمریکائی (۱) (مستشاران نیروی هوایی شاه جلا داد)  
نیز بر عهده او قرار داده عملیات به رفیق سپرده شد.  
رفیق از مراحل مقدماتی اجرای این طرح یعنی  
از شناسائی تا نهایتی ترین مرحله یعنی اعدام  
انقلابی سه مزدور آمریکائی (۶ شهریور ۵۵) جدا گانه  
و با احساس مسئولیت پیش رفت. او در طول انجام  
این وظایف، خشم و کینه انقلابی این را با پشنگار  
و صبری بسیار قابل تحمید توأم نموده و به اجرای  
دقیق مسئولیت های محوله پرداخت.

در اوایل موج تعقیب و دستگیریها می که در  
شهریور ماه ۵۵ بخش منشعب از سازمان مجاهدین  
را مورد حمله و هجوم قرار داد، رفیق مهدی همراه با  
رفیق شهید بهرام آرام با جسارت و شجاعت فوق -  
العاده ای در پیش چشمان خیره مزدوران ساواک  
( کمیته تعقیب و مراقبت) خانه پایگاهی واقع در  
خیابان بوستان سعدی راه معیت یکی دیگر از  
شهید در صفحه ۴

(۱) - این سه امر را لیرنه جی. سی - کاسرول و  
دونالد اسمیت و... در طرح آبکی (اسمیت) استرالی  
سمع آمریکا در مرزهای شمالی کشور (بالترین مقام  
را دادا شدند.

رفیق مهدی در انضباط، دقت و رعایت ضوابط  
و اصول تشکیلاتی، از بهترین ها بود. احساس  
مسئولیت در انجام وظایف و دلسوزی رفیقانه نسبت  
به همه امور سازمان، فداکاری و از خود گذشتگی،  
متانت، اجرای منظم و دقیق قرارها که در دوران  
اختناق رژیم شاه جلا داد از اهمیت ویژه ای برخوردار  
بود... از سری خصوصیات و نقاط مثبتی بود که  
موجب شد رفیق را در طی نمودن سریع مدارج  
تشکیلاتی باری دهد، بطوریکه رفیق در شرایطی که  
هنوز عضو مخفی - علنی سازمان بود در اجرای عملیات  
نظامی مهمی نقش فعال داشت.

مهدی برای تمام رفقای سازمانی اش، رفیقی  
مهربان، دلسوز و صمیمی بود. اشکالات، انتقادات  
و اشتباهات آنها را با متانت و بصورتی یک عنصر  
انقلابی برایشان توضیح می داد، در بر طرف کردن  
کمیته ها پیش چه زلحاظ سیاسی و چه زلحاظ تشکیلاتی  
با فروتنی و تواضع برخورد می نمود. در پذیرش  
مسئولیت های خطر که امکان و احتمال روبا روشی  
با دشمن در آنها با صومج دیده میشد، تردیدی نمی -  
نمود و بر عکس به استقبال آنها نیز می شتافت، اما  
درینا حدیث، مراقبت و هوشیاری را از صریب خطر  
می گامبت.

رفیق مهدی فداکار بود و همواره بطوریکه در دوره  
آزادیش از جانش ما می که گذشت در هنگام مبارزات  
نیژ تحت شکنجه های درخیمان ساواک شجاعانه  
مقاومت نمود. انضباط تشکیلاتی حکم میکرد که اگر  
رفیقی در سرمانت مقرر به با یکا بهار نگردد، می -  
بایست پس از اطمینان اولمد از احتمال بروز  
حادثه برای او، خانه پایگاهی توسط رفقای دیگر  
تخلیه شود ولی رفیق به رفقای همگروهی توصیه می -  
کرد: "اگر من دستگیر شوم، چون ممکن است هنگام  
نقل و انتقالات و تخلیه با یکا بهار با شما وارد

"کتابهای قانون و نظامها  
از آن ایشان است

رزدان و دارالنتا دیت سیز  
از اقدامات هراسناکشان سخن نگوییم!

.....  
آنها تا نگر و توب دارند  
مسلل و نارنجک دستی  
از ملاقاتشان سخن نگوییم  
وار خاک بیونشان که  
نا حقوق بسا رخوب آمده، اجرای او امرند  
آری، اما که چه؟  
آدامن آنها استندرقوی است؟

آنها میکوبند با دلحظه ای درنگ کرد  
و آنچه را که در او زگون میخودا ستوار ساخت.  
روزی فرا خوا هدرسد، سی زود  
و آنها در خوا هدرسد که این همه سیه بوده است  
آنگاه آنها میتوانند جمع بکنند که "س کنبد"  
اما به پولها شان و سندیها شان آنها را نجات  
خواهد داد!

( برنولت برنت )  
رفیق شهید مهدی فتحی در سال ۱۳۳۰ در شهر کرمان  
متولد شد. وضع خانواده او از لحاظ اقتصادی نسبتاً  
با ثبات بود و او در دوران کودکی در میان توده های  
سندیده ریش و سادس هشت جا که به مردم می و  
وجود سایر برتری های جامعه طبقاتی بود. رفیق،  
تحصیلات دوره دبیرستان را در زادگاه خود به پایان  
رساند و در سال ۴۹ به داسکا صنعتی شیران (رشته  
مهندسی صنایع) وارد شد. او در دوران دبیرستان  
در چندین راه مبارزه با دشمنان صلیبی ( کددر

آزمان در میان جوانان مذهبی در سطح مدارس  
فعالیت می کرد) اید دونا این حال که از این  
طریق با رژیم مبارزه می کند در این انجمن  
فعالیت برداخت. پس از ورود به داسکا خلی زود  
به ما هیات ارتعاعی و فدا غلانی این انجمن  
برده و فاطمه (همراه ما افلاگری) آنرا ترک کرد.

رفیق فتحی از همان ابتدای تاحنا تیر خودا نگاه و  
بر مبنای آشنایان با در دورنخ توده ها به مبارزه  
برداشت و در نظرات و اعتقالات دانشجویی در  
درون و بیرون داسکا شرکت فعال داشت و نقش  
مؤثری در سازمان دادن این اعتقالات ایفا نمود.

رفیق، در این دوره فعالیت های مخفی خود را از  
طریق بخش اعلامیه های سازمان مجاهدین خلق و...  
شروع کرد و سرانجام در سال ۵۲ به عضویت این سازمان  
درآمد. پس از یک دوره تماس و فعالیت و آموزش به  
صورتیک عنصر حرفه ای درآمد که با توجه به وضع  
مناسبات امنیتی اش همچنان علنی ماند و مخفی نشد.  
رفیق فتحی، در او خراسال ۵۳ مارکسیسم را  
بعنوان ایدئولوژی خود پذیرفت و بر فعالیت  
سازمانی خود افزود.

رفیق فتحی، مبارزی جدی، منضبط، مهربان  
و فداکار بود و به آرمان طبقه کارگر عشق می ورزید.  
اگر چه زندگی افتخار آمیز و شهادت قهرمانانه اش  
بهترین معرف برای شخصیت انقلابی او است، ولی  
با دآوری برخی از خصوصیات و صفات برجسته او  
بعنوان یکی از مدها و هزاران شهید خون خفته خلق،  
با دآوری و رشوه قهرمانی خلق کبیری است که با چنین  
انسان های والا نشی را برای کسب استقلال، آزادی و  
رها نشی از قید استعمار و استعمار، بدون مقایسه نشار  
می کند.

رفیق مهدی یکی از اعضاء مدیق بخش منشعب



### اعلامیه سازمان اخگر (بخش هرات) درباره کودتای اخیر (افغانستان - بخش هرات)

اعلامیه زیر که از طرف رفقای افغانی منتشر شده با وجودیکه دارای اشکالاتی در شکل نگارش است عیناً درج میگردد.

رفقا، دوستان و انقلابیون واقعی! رادیدوشنبه شب ۶ دیماه خیرا شغال نظامی میهن ما، افغانستان را بوسیله ارتش مهاجم و فاشستی روسیه، امپریالیستی بخش کرد.

خلق مبارز و بیگانه رجوی افغانستان بخوبی میداند که شریک جرم و آن نیروی که امروز مزدوران خود فروخته و وابسته خود را یکی پس از دیگری بنام های گوناگون از "انقلاب کبیر" گرفته تا "مرحله جدید" و "مرحله نهایی" و... بقدرت میزبانان سوسیال امپریالیسم روس است. آن قدرتی که امروز چون نازیهای هیتلری به سرزمین افغانستان بیورش آورده است، همان را با بان و پشتیبانان رژیم سابق و ادا مدهنده جنایتش در افغانستان است. خلقهای مبارز و میهن پرستان!

امروز که رژیم وابسته دست نشاندۀ برای شهیدان بنیان اشک تصاح می ریزد و اعلام میدارد که: "رژیم فاشیستی امین دهها هزار زندانی سیاسی را از روشنفکران انقلابی گرفته تا کارگران و دهقانان و سایر نیروهای میهن پرست را در شکنجهگاهها و در دخمه های زندانها بشهادت رسانده است، رژیم فاشیستی امین که هزاران هزار زندانی بیگناه زنده زنده بگور کرده است و صدها هزار مردوزن و کودک را به زیر بمباران وحشیانه بقتل رسانده است و دهها بار زندانها را خالی و بربکرده است توسط شورای انقلابی بساط آن برچیده شد... انتقال از اعلامیه بربکر کارمل در مورد زندان بنیان سیاسی بتاریخ ۱۴ دیماه، بخش از (زادبومکو)

خلقهای ستمدیده، فرزندان و عزیزان، توسط کدام شکنجهگران بقتل رسیده اند؟! این "مدهسا" هزار زن و مرد و کودک "بوسیله کدام نیروهای نظامی بمباران شده اند؟ و این "هزاران میهن پرستی که در دخمه های صنایع زندانها در زیر بغل و زنجیر از دست رفته" عا ملین این جنایات چه نیروها شمی هستند... مگر این جنایات را که خودشان اعتراف میکنند در (دیومکو) و (ادبیشتر) و (ادبیشتر) و (ادبیشتر) تمام بخش میکنند که دولت شوروی قبلاً با این "خواست کنگ نظامی" پاسخ مثبت داده بودند و همین حقیقت - الله امین که تا چند ساعت قبل از آمدن - و بیورش نظامی مستقیم بعنوان رژیم "سوسیالیستی"، "خلق" "دمکراتیک" برای آن گلوله باره میکردند، عا ملین اصلی این جنایات را تشکیل نمیدهند؟! آیا بنیان شریک جرم، این اعمال فاشیستی یعنی "صدها هزار بمباران شده" و "دهها هزار شهید بربکر کنج" و "هزاران هزار زنده بجاگ سپرده" شده نیستند؟

دولت سوسیال امپریالیست روسیه و دست پرور - دگان داخلی آن در افغانستان و همپا لگیهای ایرانی شان بهیچ عنوانی نمیتوانند در برابر خلقهای دلبر میهنان در پیشگاه تاریخ و بالاخره در مقابل انقلابیون سراسر جهان این جنایات تاریخی و ادا مدهنده امروز آنرا توجیه کنند.

خلقهای میهنان بخوبی میداند که تمام شاخه و پنجه رفتن امپریالیسم آمریکا و دیگر نیروهای امپریالیستی که روسها را ادا مدهنده اند و در رتباط با رقابت و تقسیم منافع خلقهای جهان با روسیه امپریالیستی از در مخالفت وارد میگرددند، سرموشی به منافع خلقهای زحمتکش و میهن پرست افغانستان است. رتباط نداشتن و چگونه امپریالیسم آمریکا و سایر نیروهای ارتجاعی که تاریخ ملامت است از بقیه در صفحه ۱۷

سوسیال امپریالیسم روسیه با حرکت از زاویه دفاع و پشتیبانی از ماشین باستان منافع خود چاره ای جز یک بیورش عظیم نظامی و جابجا کردن مهره های دست نشاندۀ، راهی سراغ ندید. طبیعی است که این حرکات نمی توانست بزرگم خودش توهم توده را نسبت به این اعمال برانگیزد، مگر اینکه یکی از جانبان تبهکار و فاشیست تمام عیار (حقیقتاً الله امین) را به قربانی گیرد و در عوض مزدور دیگری که مدتها بود برای چنین روزی نگهداری و حفاظت می کردیده دستگاہا کمه وصل کند.

مسئله دیگری که قابلیت تحلیل و تجزیه را دارد اینست که بخشی از نیروهای مذهبی با سوء استفاده از عقایدیستی توده ها و رسیدن به اهداف ارتجاعی و فدا نقلی توان بیشتر بربکر در مدت زودت توده ای را نداشتند و همه اشان فقط از نیروهای کمونیستی و انقلابی بوده که با رشد و افزون و سوسامان دادن به مشکلات و زمانهای توده ای، چه در عرصه سیاسی و چه در سطح نبرد های مسلحانه توده ها را به خود می کشید و هیچ گاه ای این وظیفه تاریخی را کسه افشای نیروهای ارتجاعی و شکستن خوشبینی توده ها نسبت به آنان بود فراموش کرده و نمی کنند. و همین مسئله رژیم و اربابان روسی آنرا هم بخود آورده و در (دیومکو) توجیه می کند که رسالت در هم نکتستن و خرد کردن این ماشین وابسته فاشیستی را از نظر تاریخی بدوش دارد، سرعت اوج می گیرد و دولت سوسیال امپریالیسم روس بزرگم خود را با این بیورش تا زیم روسی میخواد جلوی این طغیان توده ای و انقلابی را بگیرد.

مگر توده ها فراموش می کنند که همین بربکر کارمل در او را و استقرادستگاه حاکم و وابسته روسی بود؟ مگر تاریخ بیاد ندارد که این سوسیالیست فاشیست های روسی خود کوزه و کوزه فروش شدند؟ مگر بیاد ندارد که همین بربکر کارمل بنا م کودتای بی بر علیه ترهکی نوکر سوسیال امپریالیسم روس، بخوبی به ترک قدرت از دستگاہا کمه گردید؟ حال چگونه اور کنند دولت حقیقتاً الله امین که خود دست نشاندۀ روسیه بوده و همان یک روز قبل روستا های شمال کشور توسط هواپیما های روسی و خلبانان آن به آتش کشیده شد و با همه امکانات آن دفاع میکردند، یکبار به فاشیست "د" و بربکر کارمل شریک جنایات آن "انقلابی" دوازده آژان در آمد و با اولین هواپیما نظامی روسی و به تعقیب آن پنجاه هزار سرباز و... روسی به افغانستان وارد گردید و به تعقیب آن سوسیال امپریالیسم روس وقیحانه اعلام کرد که "تقریباً همه کمک نظامی بین دولت افغانستان و دولت اتحاد جماهیر شوروی، برای مقابله با توطئه امپریالیسم به خواست مسردم افغانستان پاسخ مثبت داده است". حال مردم میهن پرست ما به چه شکل باور کنند که این دولت با ملاح نگهبان ملج و سوسیالیسم، پاسخ مثبت به یک رژیم فاشیستی در ارتباط به فرستادن نیرو به افغانستان میدهد و از همه وقیحانه تر اینکه این ملاحده مربوط به کمک نظامی را که به رخ دیگران میکند، مگر با چه نیروی بنده است؟ مگر همین حقیقتاً الله امین از سردمداران و ملاح کنندگان ستمدیده میهن فروشی نیست؟

خلقهای میهنان یکبار در مقابل این بیورش فرار گرفتند که علیرغم موجودیت هزاران مستشار نظامی روس، علیرغم بمباران شهرها و روستاها توسط خلبانان و هواپیما های روسی (بمباران شهر هرات و...)، علیرغم وابستگی کامل رژیم فاشیستی حقیقتاً الله امین به سوسیال امپریالیسم روس و بالاخره تحریف و تمجید رژیم ددمنش امین توسط رسانه های خبری سوسیال امپریالیسم و دیگر وابستگان خارجی آن برای دولت سوسیالیستی افغانستان و... چرا سوسیال امپریالیسم روس به این هم اکتفا نوزیده و به بیورش فاشیستی و مستقیم خود افغانستان را قیامه کرد؟

کمونیستها و انقلابیون واقعی اند که با تحلیل همه جانبه و ارتباط دادن ارگانیک مسائل به یکدیگر باید به خلقهای میهنان پاسخ دهند و اینها را در یاد بماند.

در طی یکسال و اندکی که از کودتای ۷ نوامبر (هفتم اردیبهشت ماه) ۱۳۵۷ می گذرد، دقیقاً اگر به برنا مدها و کارنامه این مدت که در افغانستان زیر عمای و قیام "تربخو" ها نه "مورت پذیرفته است"، نظارند از مریضی نبوده است مگر به سلطه در آوردن تمام شریکهای اقتصادی، نظامی، سیاسی و اهداف توسعه طلبانه سوسیال امپریالیسم های روسیه، بی ریزی کودتا، وابستگی رشته های گذشته را مستحکم تر و دستگاہا کمه را به تمام معنی به عنوان یک عمل کننده و فرمانبردار سوسیال امپریالیسم روس در آورد.

وظیفه، نیروهای انقلابی است که هیچ زمانی تحلیل و کاروانه روی یک طرف قضیه انجام نداده بلکه تمام جوانب قضا با رآ مویه مونگا فته و نتایج مورد نظر را از آن استنتاج نمایند. گناه و چه بسا خائنه است که منافع خلق و جنبشمان را فراموش نموده، کار برد او را استراکتور (ساخت - پیکار) نیرو های دیگر را که هیچ ربطی به منافع خلق نداشتند مون تحلیل و بررسی خود قرار دهند.

با روی کار آمدن حزب "خلق" وابسته و پرور ش یافته سوسیال امپریالیسم روس افزایش و فزونی گرفتن اعتراضات و ناراضگی خلقهای افغانستان که همه روزها بعد از آن گسترده تر و مشکل تر می شد، و گاهی بویژه در این او خرد همه ما حاکمات بشکلی مبارزات مسلحانه تها ز کرده بود، موج وسیع اعتراضات، اعتراضات و جنبش های مسلحانه و... از یک طرف و شکنجهگاهها، پر شدن زندانها از مبارزین و انقلابیون، اقتصاد وابسته و ورشکسته از طرف دیگر، بنیانگران بود که هیات رژیم کودتا دست نشاندۀ، چندان باقی نمانده، و ایمن جنبشها میرفت تا طومار فاشیستی، همراه با دستگاہا کمه و بنی سوسیال امپریالیسم را در افغانستان درهم بچید. اینکه تها و زوتها جم از خماش بر جسته امپریالیسم بوده، امپریالیسم بهیچ قانون و روندی که سد در مقابل این تجاوزات فرار گرفته باشد، از نظر تاریخی و سرشت طبقاتی با آن به نبرد پرداخته و با جنگ و دندان از منافع خود و وابستگان داخلی شان حمایت میکند، و زمانی که منافع آن حکم کند، حتی بیورش با فتگان دست خود را هم قربانی منافع آزمندانۀ خودش مینماید.



**نظامیان مبارز در ارتش چه می‌کنند؟**

در یادگان نیروی پایداری ذوب آهن اصفهان حدود ۱۵۰ دبلم وظیفه را برپایه‌ی گرفته‌اند. فرماندهان مزدور در این یادگان نیز هم‌نشدن می‌باوند آنها تلاش میکنند شور و شوق مبارزان را تسخیر این جوانان را به بندگی و انواع فزونی و حیل و حیل آنها را مطیع سازند تا بتوانند ارتش شاهنشاهی را همایند باقی‌بازاری کنند. بطور مثال از تماس دبلمه‌های وظیفه با سران عادی جلوگیری می‌کنند، آنها را به دو قسم کرده و سعی در ایجاد دیدنی بین دو قسمت می‌نمایند. بطریق مختلف میکوشند از آنها زجر حتم بگیرند... اما دبلمه‌های وظیفه نیز سیکار می‌نشینند و در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۴ در اعتراض به وضع غذا اعلام تحم (عدم شرکت در برپایه آموزش یادگان) و اعتصاب غذا (تخوردن غذای یادگان) می‌نمایند. فرمانده مزدور یادگان فوراً دست و پا می‌افتد و کوشش میکند با وعده و وعید دبلمه‌ها را رامی نماید و سرانجام نیز بدلیل فقدان رهبری و عدم آگاهی لازم، سران از دبلمه با اعلام قطع نامه‌ای که در زیر مطالبه میکنند اعتصاب خود پایان می‌دهند:

- ۱- ایجاد کتابخانه در یادگان
- ۲- ایجاد کلاسهای ایدئولوژیک
- ۳- شرکت نمایندگان دبلمه‌های وظیفه در شورای پرسنل درجه‌داران.
- ۴- منع هرگونه اهانت و تشبیه روحی و جسمی و ایجاد محیط آزاد برای آموزش.
- ۵- نظارت سران بر روی خرید اجناس و صرف اجناس در یادگان (مثلاً مواد غذایی، پوشاک)
- ۶- فراهم نمودن وسایل رفاهی از قبیل: غذای مناسب، حمام و توالین بهداشتی، بخاری کافس، تلویزیون و روزنامه.
- ۷- محدود نمودن دخالت افسران و درجه‌داران غیر مسئول در امر آموزش دبلمه‌های وظیفه.

**درجه داران نیروی هوایی چون کوه پشیمان نمایندگان خود هستند**

خبرهای رسیده از لشکرزهی ۹۲ هوازحاک از آنست که پرسنل مبارزان لشکر همچنان به مبارزه خود بر علیه مزدورانی که در رأس ارتش قرار گرفته و میخواهند همان نظم شاهنشاهی را مجدداً احیا نمایند، ادامه داده و بخصوص بر روی تعطیلی پنشنیه‌ها و تشکیل شورا‌های یادگان با فشار می‌نمایند. طی همین چند ماه اخیر بارها نمایندگان پرسنل انقلابی مورد آزار و کاه حتی بازداشت قرار گرفته‌اند و یکبار چها رفتار آنها بنا به ای سرگرد پرویز شعار، ستوانیکم امیری، گروهان یکم دستنی و گروهان یکم ترکی دستگیر و به تهران فرستاده شدند و اعتراض یکبار چه پرسنل لشکر نسبت به این اقدام فداکاری رژیم را مجبور به آزادی زندانیان کرد.

**خلق افشای اسناد رژیم سابق را میخواهد آقای چمران دستور به نابودی آنها میدهد**

هیئت حاکمه همچنان در مقابل خواستهای مردم با فشاری میکند. افشای اسناد و مدارک خراب‌نیت رژیم سابق و انتشار لیست ساواکی‌ها و دیگر مزدوران امپریالیسم در ارتش‌های دولتی یکی از این خواسته‌هاست. گوئی هیئت حاکمه وظیفه خود می‌داند که این اسناد و مدارک را تا آنجا که میتواند پنهان کرده‌ها پنهان بدارد و یا حتی مدارک جرم را یکلی از بین ببرد. سندی که ملاحظه می‌کنید مربوط میشود به از بین بردن اسناد و پرونده‌های سالهای گذشته در نیروی هوایی که پیش از همه تحت تسلط نفوذ امپریالیسم آمریکا بوده‌است. هیئت حاکمه که در مقابل فشار روزافزون شده‌ها خود را ناگزیر از افشای این اسناد و مدارک می‌بیند، چاره‌کار را در زمین پرونده آنها یافته‌است. بی‌شک این یک سرهنگ ۲ نیست که دستورات بودی اسناد را می‌دهد بلکه امجری دستورات آقای چمران وزیر دفاع و شاگرد (رئیس سابق سابق) و دیگر فرماندهان حامی امپریالیسم آمریکا است. نیروی هوایی زمان شاه در رابطه با نقش ژاندارمی ایران در خلیج و خرید سلاحهای مدرن از آمریکا

از: ستاد نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی (در بیرخانه - کک اداری)

شماره: ۲۲-۲۸/۲-۲۰۴

موضوع: اجرای آئین نامه امحاء اوراق زائد

تاریخ: ۱۳۵۸/۹/۲۷

پیر و شماره‌های ۷-۲۸/۲-۲۰۴ تا ۵۸/۵/۲۹ و ۵۸/۹/۳-۲۰۴

۱- با توجه باینکه دستور امحاء اسناد و پرونده‌های سالهای گذشته یگانها و سازمانهای نیروی هوایی طی نامه‌های پیروی شماره بالا به کلیه یگانها و سازمانها ابلاغ گردیده‌است. علیهذا فرماندهان یگانهای مربوط موظف به رعایت نکات زیر می‌باشند.

الف- در انتخاب اعضا کمیته‌های تفکیک و امحاء اوراق زائد وقت کافی میدول داشته که افسراد انتخاب شده هیچگونه سوابق سوئی نداشته و معتقد و مومن به انقلاب اسلامی ایران باشند.

ب- نظریات کمیته امحاء اسناد مالی و کفیری جزو اختیارات آئین نامه فوق الذکر نمی‌باشد علیهذا مستدعی است مقرر فرمایید اعضای کمیته‌های تفکیک آن سازمان از امحاء هرگونه اسناد مالی و کفیری شذیدا خود داری نمایند.

۱- اعضا کمیته‌های تفکیک میتوانند اسناد و پرونده‌های عادی که زمان نگهداری آنها برابر آئین نامه بایگانی موضوع خاتمه یافته با توجه به مفاد نامه‌های پیروی شماره فوق و همچنین آئین نامه مذکور امحاء نمایند و صورتجلسات مربوطه را باین دبیرخانه ارسال دارند.

سرپرست دبیرخانه ستاد نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران  
سرهنگ ۲ خلیان جلالی

**مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست**